



سوال ۲۴۰

عربی 2 یازدهم انسانی فصل 4 و 5 و 6

۱ عین «قد نزلت» توضیح ما قبلها:

- ۱ انهمرت أمطار وافرة و قد نزلت على الشارع و كسرت الرّيحُ فروعَ الأشجار.
- ۲ هذه الأمطار كانت قد نزلت في المدينة و كسرت فروع الشّجر.
- ۳ كانت أمطارٌ وافرة قد نزلت على الأرض يوم أمس.
- ۴ أنزل الله أمطاراً وافرة قد نزلت من السّماء شيئاً فشيئاً.

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۲ عین الصحيح:

- ۱ نستطيع أن نخلق أثراً لقطعة طباشير يعجب الناس كلّهم: می‌توان با یک قطعه گچ اثری ایجاد کرد که همه مردم شگفت‌زده شوند!
- ۲ ما من كاذب لا ينسى ما يقول لأنّ الكذب أمر غير حقيقي: دروغگو بسیاری از آنچه را که می‌گوید فراموش می‌کند زیرا دروغ، کاری غیرحقیقی است!
- ۳ لايمكن تحسين أخلاق الإنسان إلّا أن تعمر في القلوب حكمة تُبعده من المُختالين: خوب شدن اخلاق انسان فقط با پایداری حکمت در قلب‌ها است تا او را از خودپسندان دور کند!
- ۴ إنّ الجهلاء أبناء الظّلام الذين لا ينتبهون للتّحذيرات التي حولهم: نادانان فرزندان تاریکی هستند که از هشدارهایی که اطرافشان هست بیدار نمی‌شوند!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۳ «يظنّ بعض النّاس أنّهم لو وُلدوا مرّةً أخرى عملوا بشكلٍ آخر غير ما كانوا فيه، ولكن علينا أن نعلم إن كُنّا نقدر على تغيير حياتنا لبدّلنا حياتنا الحالية»: بعضی از مردم ، عین الترجمة الصحيحة:

- ۱ فکر می‌کنند که اگر بار دیگر زاده شوند به شکلی غیر از آنچه انجام داده‌اند عمل می‌کردند، ولی بر ماست که بدانیم که اگر توانایی تغییر زندگی را داشتیم زندگی کنونی خود را تغییر می‌دادیم!
- ۲ گمانشان این است که اگر بار دیگر متولد می‌شدند به شیوه دیگری غیر از آنچه زندگی کرده‌اند عمل می‌کردند، ولی باید بدانیم که اگر می‌توانستیم زندگیمان را تغییر دهیم زندگی کنونی خود را عوض می‌کردیم!
- ۳ تصور می‌کنند که اگر بار دیگر به دنیا می‌آمدند به شیوه‌ای دیگر غیر از آنچه بوده‌اند عمل می‌کردند، ولی می‌دانیم که اگر توانایی داشتیم که زندگی را تغییر دهیم حیات کنونی خود را تغییر داده بودیم!
- ۴ گمان می‌کنند که اگر بار دیگر متولد می‌شدند به شکل دیگری غیر از آنچه در آن بوده‌اند عمل می‌کردند، ولی باید بدانیم که اگر می‌توانستیم زندگیمان را تغییر دهیم زندگی کنونی خود را عوض می‌کردیم!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی



«إِنَّ الرَّأْفَةَ أَغْلَى شَيْءٍ نَقْدَرُ أَنْ نَشْتَرِيَهُ مِنْ سَوْقِ الْعَالَمِ بِأَرْخَصِ ثَمَنٍ وَ إِنْ كُنَّا غَفْلَنَا عَنْ قِيَمَتِهَا وَ تَأْثِيرِهَا»:

- ۱) مهربان بودن گرانترین کالایی است که می‌توان به ارزانی در بازار جهان آن را خرید اگر چه از قیمت و اثرش غافل باشیم!
- ۲) مهربانی گرانبهاست چیزی است که از بازار جهان به ارزانترین قیمت می‌توانیم آن را بخریم هر چند از ارزش و تأثیر آن غفلت کرده باشیم!
- ۳) مهربانی کردن چیزی گرانبهاست که می‌توانیم آن را از بازار دنیا به کمترین قیمت بخریم اگر چه از ارزش و تأثیرش غفلت داشته‌ایم!
- ۴) مهربان بودن سنگین‌ترین کالایی است که از بازار دنیا به ارزانترین بها می‌توانیم خریداری کنیم هر چند از بها و اثرش غافل باشیم!

کنکوره‌ای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«حَذَّرَ الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ الَّذِي قَدْ أُصِيبَ بِمَرَضِ ضَغْطِ الدَّمِ الْمَرْتَفِعِ أَنْ لَا يَتَنَاوَلَ الْأَطْعَمَةَ الَّتِي غَيْرَ مَسْمُوحَةٍ لَهُ» : پزشک ، عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱) به بیماری که به مرض فشارخون بالا مبتلا بود اخطار داد که غذاهای غیرمجاز را نخورد!
- ۲) بیماری را که دچار فشارخون بالایی بود از خوردن غذایی که برای او ممنوع بود برحذر داشت!
- ۳) به بیماری که دچار بیماری فشارخون بالا شده بود هشدار داد که از غذاهایی که برایش مجاز نیست نخورد!
- ۴) به مریضی که به بیماری فشارخون بالا دچار بود، هشدار داد که نباید از خوراکی‌هایی که برایش ممنوع است بخورد!

سراسری-انسانی-۱۴۰۴ تیرماه

«لَا تَحْكُمُوا عَلَى الْأَخْرَيْنِ لِمَاضِيهِمْ رَبَّمَا بَعْدَ انْقِضَاءِ مَدَّةِ كَانَتْ قَدْ أُحْدِثَتْ تَغْيِيرَاتٌ كَثِيرَةٌ كَالْأَلْمَاسِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ إِلَّا حَجَرًا أَسْوَدَ فِيمَا قَبْلَ» : عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱) نسبت به دیگران به خاطر گذشته آنان حکم نکنید چه بسا بعد از گذشت مدتی کوتاه تغییرات زیاد حادث شود، همچون الماس که گذشته‌اش فقط سنگ سیاهی بوده است!
- ۲) نباید بر دیگران بر اساس گذشته آنها حکم کنید چه بسا بعد از گذشت مدتی تغییراتی صورت گرفته باشد، چون الماس که گذشته‌اش جز سنگی سیاه نبوده است!
- ۳) دیگران را نسبت به گذشته‌شان قضاوت نکنید چه بسا بعد از گذشت مدت زمانی تغییرات زیادی را انجام دهد، مانند الماس که در گذشته چیزی جز سنگ سیاهی نبوده است!
- ۴) دیگران را به خاطر گذشته‌شان داوری نکنید چه بسا بعد از گذشتن مدتی تغییرات زیادی ایجاد شده باشد، مانند الماسی که قبلاً فقط سنگ سیاهی بوده است!

سراسری-انسانی-اردیبهشت ۱۴۰۴

عَيْنُ الْخَطِّ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- ۱) مَنْ يُفَكِّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطِّ غَالِبًا!
- ۲) أَيْ صِنَاعَةٍ إِبْرَانِيَّةٍ تَجْذِبُ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ؟
- ۳) وَصَلَ الْمُسَافِرَانِ إِلَى الْمَطَارِ مُتَأَخِّرِينَ وَ رَكِبَا الطَّائِرَةَ!
- ۴) يَعِيشُ الْبَخِيلُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَ يُحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ مُحَاسِبَةَ الْأَغْنِيَاءِ!

کنکوره‌ای خارج از کشور-سراسری-انسانی



متن زیر را بخوانید و به ۵ سؤال بعدی پاسخ دهید.

«لَمَّا فَتَحَ الْمُسْلِمُونَ مَنطَقَةَ شَرْقِ إِيرَانَ سَنَةَ ۲۱ هِجْرِيَّةً بَعْدَ انْقِرَاضِ الدَّوْلَةِ السَّاسَانِيَّةِ وَ اسْتَقَرُّوا فِيهَا، وَاجْهَوْا صُعُوبَةً فِي تَعَلُّمِ لَهْجَاتِ شُعُوبِهَا وَاضْطَرُّوا إِلَى تَعَلُّمِ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ الدَّرِيَّةِ وَ هِيَ لُغَةُ مَرَكَزِ الدَّوْلَةِ السَّامَانِيَّةِ، الْفَارْسِيَّةِ الْخَالِصَةِ الَّتِي كَانَتْ مَعْرُوفَةً بَيْنَ شُعُوبِ هَذِهِ الْمَنطَقَةِ، فَتَعَلَّمَهَا الْمُسْلِمُونَ لِتَحْقِيقِ أَهْدَافِهِمْ.

تُعَدُّ هَذِهِ اللُّغَةُ جَذْوَر (أَصُول) الْفَارْسِيَّةِ الْحَالِيَةِ الْأَصْلِيَّةِ بَعْدَ أَنْ اِخْتَلَطَتْ بِالْمَفْرَدَاتِ وَ الْإِصْطِلَاحَاتِ الْعَرَبِيَّةِ، لِتُخْلَقَ مِنْهَا فَارْسِيَّةٌ جَدِيدَةٌ. وَ هَكَذَا يُشَاهَدُ أَنَّ الْفَارْسِيَّةَ الْجَدِيدَةَ أَصْبَحَتْ لُغَةً قَوِيَّةً مُمْتَازَةً، لِأَنَّهَا اسْتَطَاعَتْ أَنْ تَسْتَفِيدَ مِنَ الْعَرَبِيَّةِ كَثِيرًا، إِضَافَةً إِلَى مَا تَمْتَلِكُ مِنْ أَصُولِ فَارْسِيَّةٍ وَ عَمِيقَةٍ؛ فَلَوْ لَمْ تَكُنِ الظُّرُوفُ تَسْمَحُ لِلُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ بِالِامْتِزَاجِ بِالْعَرَبِيَّةِ وَ أَوْزَانِهَا الشَّعْرِيَّةِ وَ مَا لَهَا مِنْ مِيدَانٍ وَاسِعٍ بِسَبَبِ طَبِيعَتِهَا الْإِشْتِقَاقِيَّةِ، لَمَا كَانَ مِنَ الْمُمْكِنِ أَنْ تَبْلُغَ الْفَارْسِيَّةُ الْحَالِيَةُ هَذِهِ الدَّرَجَةَ مِنَ النَّمُوِّ وَ الْإِتْسَاعِ!»

۸ عَيْنِ الصَّحِيح:

- ۱ بقيت اللُّغَةُ الْفَارْسِيَّةُ الدَّرِيَّةُ خَالِصَةً بَعْدَ الْفَتْحِ الْإِسْلَامِيِّ وَ لَمْ تَتَغَيَّرْ.
- ۲ كَانَتْ اللُّغَةُ الْفَارْسِيَّةُ تَمْتَلِئُ مِنَ الْأَوْزَانِ الشَّعْرِيَّةِ قَبْلَ امْتِزَاجِهَا بِالْعَرَبِيَّةِ.
- ۳ إِنَّ تَأْثِيرَ الْعَرَبِيَّةِ عَلَى الْفَارْسِيَّةِ الدَّرِيَّةِ مَلْحُوظٌ فِي مَجَالِ قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ.
- ۴ الْإِشْتِقَاقُ مِنْ مُمَيَّزَاتِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ الَّتِي أَثَّرَ عَلَى الْفَارْسِيَّةِ كَثِيرًا وَ سَبَّبَ غِنَاءَهَا.

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۹ عَيْنِ الْخَطَأ:

- ۱ إِنَّ الَّذِينَ كَانُوا يَسْكُونُ شَرْقَ إِيرَانَ، كَانُوا مُلْزَمِينَ بِتَعَلُّمِ لُغَتَيْنِ الْفَارْسِيَّةِ وَ الْعَرَبِيَّةِ.
- ۲ كَانَ تَعَلُّمُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ الدَّرِيَّةِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْعَرَبِ سَهْلًا، فَأَسْرَعُوا إِلَى النَّطْقِ بِهَا.
- ۳ غَلَبَ الْمُسْلِمُونَ الْإِيرَانِيِّينَ سَنَةَ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ هِجْرِيَّةً وَ سَقَطَتِ الدَّوْلَةُ السَّاسَانِيَّةُ.
- ۴ إِنَّ اخْتِلَاطَ الْمُسْلِمِينَ بِالْإِيرَانِيِّينَ سَبَّبَ امْتِزَاجَ لُغَتَيْهِمَا وَ خُلِقَتْ لُغَةٌ غَنِيَّةٌ بِالْمَفْرَدَاتِ الْفَارْسِيَّةِ وَ الْعَرَبِيَّةِ.

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۱۰ عَيْنِ مَا لَمْ يَذْكَرْ فِي النَّصِّ:

- ۱ كَانَ يَحْكُمُ عَلَى الْإِيرَانِيِّينَ قَبْلَ حَمَلَةِ الْمُسْلِمِينَ السَّاسَانِيِّينَ.
- ۲ انْتَقَلَتِ الدَّوْلَةُ فِي إِيرَانَ إِلَى السَّامَانِيَّةِ بَعْدَ دُخُولِ الْإِسْلَامِ.
- ۳ كَانَ الْمُسْلِمُونَ يَقْصِدُونَ أَنْ تَزْدَادَ مَمْتَلِكَاتُهُمْ بِوَاسِطَةِ فَتْحِ إِيرَانَ.
- ۴ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ أَقْبَلُوا عَلَى لُغَةِ الْإِيرَانِيِّينَ لِلْحَصُولِ عَلَى غَايَاتِهِمْ وَ لَيْسَ لِرَغْبَتِهِمْ فِيهَا.

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۱۱ عَيْنِ الْخَطَأِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

- ۱ الْمُسْلِمُونَ: اسْم - جَمْعُ سَالِمٍ لِلْمَذْكَرِ - اسْمُ فَاعِلٍ (مصدره: تسليم) - مَعْرُوفٌ بِأَل - مَعْرَبٌ / فَاعِلٌ وَ مَرْفُوعٌ بِالْوَاوِ
- ۲ مَعْرُوفَةٌ: اسْم - مَفْرُودٌ مُؤَنَّثٌ - اسْمُ مَفْعُولٍ - نَكْرَةٌ - مَعْرَبٌ / خَبَرُ «كَانَ» مِنَ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ وَ مَنْصُوبٌ
- ۳ وَاجْهَوْا: فَعْلٌ مَاضٍ - لَجْمَعُ الْغَائِبِ - مُزِيدٌ ثَلَاثِي بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ (مِنْ بَابِ مَفَاعَلَةٍ) - مُتَعَدٌّ / فَعْلٌ وَ مَعَ فَاعِلِهِ جُمْلَةٌ فَعْلِيَّةٌ
- ۴ اخْتَلَطَتْ: فَعْلٌ مَاضٍ - لِلْمَفْرُودِ الْغَائِبَةِ - مُزِيدٌ ثَلَاثِي (مِنْ بَابِ افْتِعَالٍ) - لَازِمٌ - مَعْلُومٌ (= مَبْنِيٌّ لِلْمَعْلُومِ) / فَعْلٌ وَ مَعَ فَاعِلِهِ جُمْلَةٌ فَعْلِيَّةٌ

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی



۱ نُخْلِقُ: فعل مضارع - للمؤنث الغائبة - مجرّد ثلاثي - متعَدّ - مجهول (= مبني للمجهول) / فعل و نائب فاعله «فارسية» و الجملة فعلية

۲ الامتزاج: اسم - مفرد مذكر - مصدر (من باب افتعال) - معرّف بأل - معرب / مجرور به حرف الجرّ؛ بالامتزاج: جار و مجرور

۳ نُشَاهِدُ: فعل مضارع - للمتکلم مع الغير - مزيد ثلاثي (من باب مفاعلة) - متعَدّ - مجهول / فعل و مع نائب فاعله جملة فعلية

۴ الممكن: اسم - مفرد مذكر - اسم فاعل (مصدره: إمكان) - معرّف بأل - معرب / مجرور به حرف الجرّ؛ من الممكن: جار و مجرور

کنکورهای خارج از کشور - سراسری - انسانی

۱۳ (أو لم يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ) عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْآيَةِ الْكَرِيمَةِ:

- ۱ و آیا ندانسته‌اند که الله روزی را برای هرکس بخواهد گسترش می‌دهد؟
- ۲ و آیا نمی‌دانند که الله روزی را فقط برای کسی که نیاز دارد می‌گستراند؟
- ۳ آیا و ندانسته‌اند که خداوند برای هرکس بخواهد روزی گسترده‌ای می‌دهد؟
- ۴ آیا و نمی‌دانند که خداوند است که روزی هرکس را بخواهد گسترش می‌دهد؟

کنکورهای خارج از کشور - سراسری - انسانی

عَيْنُ الصَّحِيحِ: ۱۴

- ۱ هنا في ساحة هذه المدينة القديمة كان رؤساء القبائل يجتمعون للشور حتى يجتنبوا الحرب: اینجا در میدان این شهر قدیمی سران قبایل برای مشورت جمع می‌شدند تا از جنگ دوری کنند!
- ۲ كانت في كتب العلماء المشهورين في الماضي تجارب قد تأثرت بها آراء عصرنا العلمية تأثراً: در کتاب‌های دانشمندان به نام گذشته تجربه‌هایی است که نظرات علمی در این زمان از آن شدیداً تأثیر پذیرفته است!
- ۳ هذه الأشجار الخضراء الجميلة كانت تحمل أثمراً ثقیلاً في الصيف الماضي: این درختان سبز و زیبا، در تابستان گذشته میوه‌های سنگینی حمل کرده بودند!
- ۴ كان الإيرانيون يحتفلون في الأيام الأولى من فصل الخريف في القرون الماضية: در قرون گذشته ایرانی‌ها روز اول پاییز را جشن می‌گرفتند!

سراسری - انسانی - تیرماه ۱۴۰۳

۱۵ «إن لم تشعر في وحدتك بالسعادة و السرور فلن تشعر بالسعادة في علاقتك مع الآخرين، لأنّ السعادة الحقيقية تأتي من أعماق وجودك!» عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱ هرگاه در تنهایی خود سعادت و سرور را حس نکنی پس روابطت با دیگران به تو خوشبختی نمی‌دهد، زیرا خوشبختی از درون تو بوجود می‌آید!
- ۲ اگر در تنهایی خود احساس خوشبختی و شادی نکنی، در رابطات با دیگران احساس خوشبختی نخواهی کرد، زیرا سعادت حقیقی از اعماق وجودت برمی‌آید!
- ۳ چنانچه در تنهاییات سعادت‌مند و شاد نباشی، در ارتباط با دیگران احساس خوشبختی نخواهی کرد، چه خوشبختی واقعی از عمق وجود تو سرچشمه می‌گیرد!
- ۴ هرگاه تنها بودن به تو احساس خوشبختی و شادمانی ندهد در روابط با دیگران سعادت را حس نخواهی کرد، زیرا حقیقت خوشبختی در این است که از اعماق وجود تو نشأت گرفته باشد!

سراسری - انسانی - تیرماه ۱۴۰۴



۱۶ «شرف المرء بالعلم و الأدب لا بالأصل و التَّسب». عَيْنُ الْأَنْسِيبِ لمفهوم العبارة:

- ۱ اندر جهان چو بی‌هنری عیب و عار نیست / با فخر و هنر زی و بی‌عیب و عار باش!
- ۲ شرف مرد به جود است و کرامت به سجود / هرکه این دو ندارد عدمش به ز وجود!
- ۳ که نام است اندر جهان یادگار / نماند به کس جاودان روزگار!
- ۴ چو کنعان را طبیعت بی‌هنر بود / پیمبرزادگی قدرش نیفزود!

سراسری-انسانی-۱۴۰۳ اردیبهشت

۱۷ عَيْنُ الْخَطَأِ:

- ۱ إِنَّمَا حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ قَادِرَةٌ عَلَى أَنْ تَجْعَلَ ذَنْبَهَا كَعَصَا لِيَتَّخِذَ الطَّيُورُ: مارها در صحرا هستند که می‌توانند دمشان را چون عصایی بگردانند تا پرندگان را فریب دهند!
- ۲ إِنَّ الشَّرْشَفَ قِطْعَةُ قِمَاشٍ، كَانَ عُمَّالُنَا يُنْتِجُونَ الْقِمَاشَ: ملافه قطعه پارچه‌ای است، این پارچه را کارگرانمان تولید می‌کردند!
- ۳ كَادَ السَّائِحُونَ يَمُوتُونَ مِنَ الْخَوْفِ، عِنْدَمَا سَمِعُوا صَوْتَ الْأَسَدِ عَنْ قَرِيبٍ: هنگامی که گردشگران صدای شیر را از نزدیک شنیدند، چیزی نمانده بود از ترس بمیرند!
- ۴ شَرُّ التَّمَلُّقِ تَصْدِيقُ الْكَلَامِ الَّذِي نَعْلَمُ أَنَّهُ بَعِيدٌ عَنِ الْحَقِّ: بدترین چاپلوسی تأیید آن سخنی است که می‌دانیم از حق دور است!

سراسری-انسانی-۱۴۰۳ اردیبهشت

- ۱۸ «كَنتُ أَقْرَأُ قِصَّةَ الْمَعْوِقِينَ الَّذِينَ يُوَاجِهُونَ مَشَاكِلَ عَدِيدَةً فِي حَيَاتِهِمُ الْمُؤَلِّمَةِ، وَلَكِنْ لَا يَنْصَرِفُونَ عَنْ أَهْدَافِهِمْ وَ هُمْ مَرْفُوعُو الرَّأْسِ دَائِمًا!» عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:
- ۱ قصه معلولانی را مطالعه کرده بودم که با مشکلات فراوان در زندگی سخت خود، روبه‌رو می‌شوند اما از هدف خود دست نمی‌کشند و دائماً با افتخار و سربلند هستند!
 - ۲ داستان جانبازانی را می‌خواندم که با مشکلات بیشماری در زندگی دردآور خود روبه‌رو هستند، اما از هدفهای خود دست برنمی‌دارند و همواره سربلند می‌باشند!
 - ۳ داستان جانبازانی را خوانده بودم که در زندگی دردناک، با مشکلات عدیده‌ای مواجه شدند اما از هدفهای خود منصرف نشدند و برای همیشه سربلند ماندند!
 - ۴ قصه معلولان را می‌خواندم که با وجود اینکه با مشکلات فراوانی در زندگی رنج‌آورشان روبه‌رو هستند از هدفشان دست بردار نیستند و همواره سربلند می‌باشند!

سراسری-انسانی-۱۴۰۳ اردیبهشت

۱۹ «تَنْقُزُ بَعْضُ الطَّيُورِ جَذُوعَ الْأَشْجَارِ الصَّلْبَةِ بِمَنْقَارِهَا لِتَصْنَعَ عَشَّهَا، وَ إِنْ لَمْ يُخْلَقْ بِدَنْهَا مَنَاسِبًا لِهَذَا الْعَمَلِ لَكَانَ يَضُرُّهَا عَمَلُهَا!»: بعضی پرندگان

- ۱ تنه‌هایی را که درختان سخت دارند با منقار خود می‌کوبند بخاطر اینکه لانه خود را بسازند، و چنانچه بدن آنها مناسب خلق نشده بود بی‌شک این کارشان به ضررشان بود!
- ۲ برای اینکه لانه‌شان را بسازند با منقارهای خود تنه‌های سخت درختان را می‌کوبند، و چنانچه بدنشان مناسب آفریده نمی‌شد این کارشان به آنها زیان می‌رساند!
- ۳ برای ساخته شدن لانه‌شان با منقار خود به تنه‌های درختان سخت نوک می‌زنند، و اگر نبود که بدنشان مناسب این کار خلق شده کارشان به آنها صدمه می‌زد!
- ۴ تنه‌های سخت درختان را با منقار خود نوک می‌زنند تا لانه خود را بسازند، و اگر بدنشان مناسب این کار آفریده نمی‌شد حتماً کارشان به آنها ضرر می‌زد!

«تَمَّتْ الأبحاثُ التي كنتُ قد بدأتُها منذ تسعة أشهر حول خواص الأعشاب الطَّيِّبة و استعمالها في معالجة الأمراض المختلفة»:

- ۱ تحقیقاتم را که از هفت ماه گذشته در مورد خاصیت گیاهان دارویی و کاربرد آنها در معالجه بیماری‌های گوناگون شروع نمودم، به اتمام رساندم.
- ۲ پژوهشهایی را که درباره خاصیت گیاهان طبی و کاربرد آنها در مداوای بیماری‌های گوناگون از نه ماه پیش شروع کرده بودم، به انجام رساندم.
- ۳ تحقیقاتی که از نه ماه پیش پیرامون خواص گیاهان دارویی و کاربردهای آنها در معالجه بیماری‌های مختلف آغاز کرده بودم، به اتمام رسید.
- ۴ پژوهشهایی که پیرامون خواص گیاهان پزشکی و کاربردهای آنها در بهبودی بیماری‌های مختلف از هفت ماه گذشته آغاز کردم، تمام شد.

کنکورهای خارج از کشور - سراسری - انسانی

متن زیر را بخوانید و به ۵ سؤال بعدی پاسخ دهید.

«إِنَّ البعض يتصوّر أنّ العصر الجاهلي يَدُلّ على عصرٍ لا يَعْرِفُ الناسُ فيه الْقِرَاءَةَ و الكتابة و لم تكن لهم حضارةٌ و لا ثقافة تُذكر! فلذلك يُعَدُّ الجاهلُ ضدَّ العالمِ. فبناءً على هذا إنّ العصر الجاهلي يَتَمَيَّزُ بأنَّ الناسَ فيه يعيشون مع الحيوانات في الصَّحاري و الخيام. لكننا نرى أنّ هذه المفردة إضافة إلى أنّها تُقابل العلم، قد جاءت في القرآن الكريم لِتُشير إلى معنى إضافيٍّ آخر!

إليك بعضُ الآيات: (خُذِ الْعَفْوَ و أْمُرْ بِالْعُرْفِ و أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ)، (أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ). مضمون الآيتين و ارتباط المفردات فيهما يُثَبِّتان أنّ الجاهل بمعنى خروج الإنسان عن حالة الاعتدال و غلبان الأحاسيس و غيبة العقل. أنظروا إلى الشاعر الجاهلي كيف يستعمل هذه المادّة و هو يقصد الخروج و الطغيان و القيام بأعمال خارجة عن الضوابط العقلية: ألا لا يَجْهَلُن أَحَدًا عَلَيْنَا / فنجهل فوق جهل جاهلينا.

إضافة إلى هذا فإنَّ الناس كانوا يَتَمَتَّعون بحضارة كانت مُؤَسَّسَةً على التجارة و الزراعة و بناء البنايات و المدن و يعرف بعضهم الكتابة و القراءة كذلك!

لماذا سُمِّي العصر الجاهلي بهذه التسمية؟

- ۱ فقدان القدرة على إتيان الحجّة و الدليل في مواجهة المسائل من أسباب هذه التسمية.
- ۲ بسبب أنّ الناس كانوا يعيشون كالحيوانات و لم تكن عندهم حكومة أو مدينة.
- ۳ لأنَّ الأهواء و العواطف الشخصية ما كانت مقصودة عندهم.
- ۴ لأنَّ الناس كانوا بعيدين عن الأخلاقيات و القيم الإنسانية.

سراسری - انسانی - ۱۴۰۲ تیرماه

جواب آیی سؤال لم یلَیْتُ فی النصّ؟

- ۱ هل كان للعرب قبل نزول القرآن حضارة؟
- ۲ كيف نفهم أنّ القرآن ماذا قصد من كلمة الجهل؟
- ۳ كيف كان العصر الجاهلي أثناء نزول القرآن الكريم؟
- ۴ ما هو من مصاديق الجهل حيث ورد في النصّ؟

سراسری - انسانی - ۱۴۰۲ تیرماه

عیّن الخطأ: على أساس النصّ

- ۱ إنّ الصفة الأساسية للعصر الجاهلي قبل نزول القرآن هي العيش في الصحراء و عدم إدراك الآيات المنزلة.
- ۲ إن لم نكن نعلم معنى مفردة في النصّ فعلينا أن نراجع المفردات المجاورة فإنّها تُرشدنا إلى قُرْبها.
- ۳ إنّ الانتقام و القيام بالمنكرات من مصاديق الوقوع في الجهل.
- ۴ ربّ مؤلّف أو قارئ كتاب و نحن نعدّه جاهلاً.

سراسری - انسانی - ۱۴۰۲ تیرماه

عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:
«يَعْرِفُ - يُعَدُّ - الْقِرَاءَةُ - الْإِعْتِدَالُ»:

۲۴

- ۱) الْقِرَاءَةُ: اسم - مفرد مؤنث - معرّف بآل - معرب / مفعول و منصوب لفعل «يعرف»
- ۲) يَعْرِفُ: فعل مضارع - مجرد ثلاثي - لازم - معلوم / فعل و فاعله «الناس» و الجملة فعلية
- ۳) يُعَدُّ: فعل مضارع - للغائب - مجرد ثلاثي - مجهول / فعل و نائب فاعله «الجاهل» و الجملة فعلية
- ۴) الْإِعْتِدَالُ: اسم - مفرد مذكر - مصدر (من باب افتعال) - معرّف بآل - معرب / مضاف إليه و مجرور

سراسری-انسانی-۱۴۰۲ تیرماه

عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:
«الْجَاهِلِيُّ - مَوْسَّسَةٌ - يَتَمَيَّزُ - أُعْرِضُ»:

۲۵

- ۱) الْجَاهِلِيُّ: اسم - مفرد مذكر - اسم مبالغة (مصدره: جهل) - معرّف بآل / صفة و مجرور بالتبعية للموصوف «الشاعر»
- ۲) مَوْسَّسَةٌ: اسم - مفرد مؤنث - اسم مفعول (مصدره: تأسيس) - نكرة - معرب / خبر «كان» من الأفعال الناقصة، و منصوب
- ۳) يَتَمَيَّزُ: فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعّل) - معلوم / فعلّ و مع فاعله جملة فعلية
- ۴) أُعْرِضُ: فعل امر - للمخاطب - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) / فعلّ و مع فاعله جملة فعلية

سراسری-انسانی-۱۴۰۲ تیرماه

«حکایت می‌شود که جوانی دروغگو در یکی از روزها در دریا شنا می‌کرد و تظاهر به غرق شدن نمود!». عَيْنُ الصَّحِيحِ:

۲۶

- ۱) يُقَالُ إِنَّ شَابًا كَذِبًا فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ سَبَحَ فِي الْبَحْرِ وَ تَظَاهَرَ بِالْغَرَقِ!
- ۲) يُحْكِي أَنَّ شَابًا كَذِبًا فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ كَانَ يَسْبَحُ فِي الْبَحْرِ وَ تَظَاهَرَ بِالْغَرَقِ!
- ۳) يُحْكِي أَنَّ شَابًا كَذِبًا قَدْ سَبَحَ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ فِي الْبَحْرِ وَ يَتَظَاهَرُ بِالْغَرَقِ!
- ۴) يُقَالُ إِنَّ شَابًا كَذِبًا قَدْ يَسْبَحُ فِي الْبَحْرِ يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ وَ يَتَظَاهَرُ بِالْغَرَقِ!

سراسری-انسانی-۱۴۰۲ تیرماه

عَيْنُ الْخَطَأِ:

۲۷

- ۱) عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَسْبُكَ أَنْ تَصْبِرَ، فَسْتَرَى أَنَّهُ لَنْ يَبْقَى أَثَرٌ مِنْهَا: هنگام گرفتاری‌ها کافی است که صبر کنی، در نتیجه خواهی دید که اثری از آنها نخواهد ماند!
- ۲) مَنْ شَعَرَ بِالْحَسَدِ ضِدَّ زَمِيلِهِ فَقَدْ اعْتَرَفَ بِأَنَّ الزَّمِيلَ أَفْضَلُ مِنْهُ: هرکس نسبت به دوستش احساس حسادت کند اعتراف کرده است که از آن دوست برتر است!
- ۳) لَيْسَ غَرِيبًا أَنَّ الْقَوْلَ الْحَسَنَ كَصَدَقَةٍ يَنْتَفِعُ بِهِ جَمِيعُ النَّاسِ: عجیب نیست که کلام خوب چون صدقه‌ای است که همه مردم از آن سود می‌برند!
- ۴) إِنَّ الرِّغْبَاتِ يُمَكِّنُ أَنْ تَجْزَنَّا إِلَى طَرِيقٍ مُخْتَلِفَةٍ تُبْعِدُنَا عَنِ الْهَدَفِ: تمایلات ممکن است ما را به راههای مختلفی بکشاند که ما را از هدف دور می‌سازد!

سراسری-انسانی-۱۴۰۲ تیرماه

«شاهدتُ فلماً يُصوّر كائنات عجيبة في أعماق البحار. كانت الكائنات متنوّعة و الباحثون يقدرّون عدّها بالملايين لأنّشبه إحداها الأخرى!» عيّن الترجمة الصحيحة:

- ۱) فیلمی را که دیدم موجودات عجیبی را در اعماق دریاها نشان می‌داد. موجودات گوناگون بودند و محققان آنها را به میلیون‌ها عدد برآورد می‌کنند که هیچکدام شبیه دیگری نیست!
- ۲) فیلمی که دیدم موجودات عجیبی را در اعماق دریاها نشان می‌داد. این موجودات گوناگون را محققان به میلیون‌ها عدد تخمین می‌زنند که هیچکدام از آنها شباهتی با دیگری ندارد!
- ۳) فیلمی دیدم که موجودات عجیبی را در اعماق دریاها نشان می‌داد. این موجودات گوناگون بودند و محققان تعداد آنها را به میلیون‌ها تخمین می‌زنند که هیچ‌یک از آنها شباهتی با دیگری ندارد!
- ۴) فیلمی مشاهده کردم که موجوداتی عجیب در اعماق دریاها در آن نشان داده شده است. موجودات گوناگون بوده و محققان آنها را به میلیون‌ها موجود برآورد می‌کنند که بین هیچ‌یک از آنها تشابهی نیست!

سراسری-انسانی-۱۴۰۲ تیرماه

«فَضْلُ الْإِنْسَانِ بَأَن يُؤَثِّرَ الصَّدَقَ حَيْثُ يَضُرُّهُ عَلَى الْكَذْبِ حَيْثُ يَنْفَعُهُ ؛ وَ أَلَّا يَكُونَ حَدِيثُهُ أَكْثَرَ مِنْ عَمَلِهِ ؛ وَ يُقَدِّمَ غَيْرَهُ عَلَى نَفْسِهِ!» عيّن الترجمة الصحيحة:

- ۱) فضل انسان به این است که صداقت را بر دروغ مقدّم دارد حتّی در جایی که راستگویی به ضررش و دروغگویی به نفعش باشد ؛ و شایسته نیست سخن او بیش از عملش باشد ؛ و دیگری را بر خود ترجیح دهد!
- ۲) برتری انسان به این است که راستگویی را در جایی که به او زیان می‌رساند بر دروغ در جایی که برای او سود دارد ترجیح دهد ؛ و اینکه گفتار او بیش از عملش نباشد ؛ و دیگری را بر خود مقدّم بدارد!
- ۳) بلندمرتبه بودن در انسان به ترجیح دادن صداقت آنجا که به ضرر اوست بر دروغ آنجا که به نفع اوست می‌باشد ؛ در نتیجه کلامش بیش از عملش نبوده ؛ و دیگری را بر خود مقدّم می‌دارد!
- ۴) بزرگی آدمی به مقدّم دانستن راستگویی هرجا به زیان اوست بر دروغ‌گویی هر جا به سود او است می‌باشد ؛ و نباید بیشتر از کارکردنش حرف بزند ؛ و دیگری را بر خویشتن ترجیح بدهد!

سراسری-انسانی-۱۴۰۲ تیرماه

عیّن «یدرک» یوضّح ما قبله:

- ۱) يُعْجِبُنِي طَالِبٌ يُدْرِكُ كَلَامَ مَعْلَمٍ وَ يَفْهَمُهُ!
- ۲) كَانَ الطَّالِبُ يُدْرِكُ الدَّرْسَ لِأَنَّهُ يَسْتَمِعُ إِلَيْهِ بَدَقَّةٍ!
- ۳) إِنَّ صَدِيقِي طَالِبٌ وَ هُوَ يُدْرِكُ كَلَامَ مَعْلَمٍ وَ يَعْمَلُ بِهِ!
- ۴) كَادَ الطَّالِبُ يُدْرِكُ الدَّرْسَ وَلَكِنَّ صَدِيقَهُ تَكَلَّمَ مَعَهُ فَمَا فَهَمَ!

سراسری-انسانی-رفع شبهه آذرماه ۱۴۰۱

عیّن الخطأ:

- ۱) كَادَ الْمَلْعَبُ أَنْ يَمْتَلِئَ بِالْمُتَفَرِّجِينَ وَ هُمَ يَتَكَلَّمُونَ مَعًا: نَزْدِيكَ بُوْد وَرْزْشَاغْه اَز تَمَاشَاچِيَانِي كِه بَا هَمْ گُفْتْگو می‌کردند پُر شود!
- ۲) هُوَ حَاكِمٌ لَا يَزَالُ سَابِقًا فِي الْفَضْلِ وَ الْعَزَّةِ: اَو حَاكَمِي اِسْت كِه پِيوسْتِه در برتری و عزّت پيشتاز خواهد بود!
- ۳) نَمَتْ أَعْشَابُ هَذِهِ الْمَرْعَةِ نَمَوًّا عَجِيبًا فِي مَدَّةِ سَنْتَيْنِ: گِيَاهَان اَيْن مَرْعِه در مدت دو سال عَجِيب رَشْد كَرْدِه اِسْت!
- ۴) تَظَاهَرْتُ بِالْخَوْفِ مِنْ ظُلْمَةِ اللَّيْلِ عِنْدَمَا أَنْتَ مَا كُنْتُ مَعِي: وَانمود به ترسیدن از تاریکی شب کردم، وقتی تو همراهم نبودی!

سراسری-انسانی-رفع شبهه آذرماه ۱۴۰۱



- ۱) كان صديقي من الذين يُسمح لهم الدخولُ إلى خزانة الكتب: دوستم از کسانی بود که به آنها اجازه ورود به گنجینه‌های کتاب را می‌دهند!
- ۲) مَنْ هو الأقوى ينال كأس الذهب في هذه المباراة: کسی که قوی‌تر است در این مسابقه به جام طلایی دست می‌یابد!
- ۳) كنت وافقتُ أخي لفتح مكانٍ لبيع الكتب العلمية: با برادرم برای گشودن مکانی برای فروش کتابهای علمی موافقت کرده بودم!
- ۴) يستطيع الإنسان أن يصعد فوق الجبال ولكنه لا يبقى هناك إلا قليلاً: انسان می‌تواند به بالای کوه‌ها صعود کند ولی فقط اندکی آنجا می‌ماند!

سراسری-انسانی-دی ۱۴۰۱

۳۳ «يا بنتي؛ لا تحقري من الخير شيئاً و افعليه و اعلمي أن صغيره كبيرٌ و قليله كثيرٌ!»: ای دخترم؛ ، عین الترجمة الصحيحة:

- ۱) هیچ مقداری از خیر را حقیر بدان وقتی انجامش دادی، پس بدان که کوچک آن بزرگ شده و کم آن فراوان می‌شود!
- ۲) هیچ چیز از خیر را که انجامش دادی کوچک بشمار نیاور و بدان که کوچکش بزرگ و کمترش فراوان می‌شود!
- ۳) هیچ چیز از خیر را حقیر مپندار و آن را به انجام برسان، و بدان کوچکش بزرگتر و کمترینش بسیار است!
- ۴) هیچ مقدار از خیر را کوچک مشمار و آن را انجام بده، و بدان که کوچک آن بزرگ و اندک آن بسیار است!

سراسری-انسانی-دی ۱۴۰۱

عین الجملة التي توضّح ما قبلها: ۳۴

- ۱) ذلك كتابٌ مفيدٌ تَقْرُوه و تُهديه!
- ۲) هذا الكتاب المفيد يقرؤه أخي ثم يُهديه إلي!
- ۳) هذا الكتاب المفيد إقرأه مرة ثانية حتى تفهمه!
- ۴) ذلك كتابٌ مفيد و الآخرون يُريدون أن يقرؤوه أيضاً!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عین الخطأ: ۳۵

- ۱) لا يمكن للمرء أن يحصل على معرفةٍ إلا بعد أن يتعلّم كيف يفكر: برای انسان ممکن نیست که شناختی بدست آورد مگر بعد از اینکه بیاموزد که چگونه بیندیشد!
- ۲) ما أسرع ندامة هؤلاء الطلاب و هم لا يقومون بواجباتهم: چه سریع است پشیمانی این دانش‌آموزان در حالی که به انجام تکالیفشان نمی‌پردازند!
- ۳) لم أكن أستطيع أن أبقى في المكتبة أكثر من سبع ساعات: من نمی‌توانستم بیش از هفت ساعت در کتابخانه بمانم!
- ۴) من لم ينفعه العلم لم يأمن من ضرر الجهل: کسی که علم از او سود نبرد از زیان نادانی ایمن نمی‌باشد!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«عندما فُتِحَ التَّمَسَّاحُ فَمَه دَخَلَ فِيهِ طَائِرٌ كَانَ قُرْبَهُ، وَ بَدَأَ يَأْكُلُ بَقَايَا الطَّعَامِ مِنْ خِلَالِ أَسْنَانِهِ!» عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلتَّرْجُمَةِ:

- ۱ وقتی که دهان تمساح باز شد، پرنده نزدیک او وارد آن گشت، و به خوردن بقایای غذا از لابه‌لای دندان‌هایش پرداخت!
- ۲ آن زمان که تمساح دهان خود را باز کرد، پرنده نزدیک او وارد دهانش شد، و به خوردن غذای باقیمانده در بین دندان‌های او، پرداخت!
- ۳ هنگامی که تمساح دهانش را باز کرد، پرنده‌ای که نزدیک او بود، وارد آن شد و شروع به خوردن باقیمانده غذا از لابه‌لای دندان‌های او کرد!
- ۴ آن زمان که تمساح دهانش باز شد، پرنده‌ای که نزدیک او بود به دهانش وارد شد، و شروع کرد به خوردن باقیمانده غذا از میان دندان‌هایش!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

(أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا) عَيْنُ الصَّحِيحِ لِتَرْجُمَةِ الْآيَةِ الْكَرِيمَةِ:

- ۱ نعمت الله را بر خویشتن یاد کنید موقعی که دشمن بودید و بین دل‌هایتان انس و الفت ایجاد کرد سپس دوست یکدیگر شدید!
- ۲ نعمت خداوند را بر خودتان یاد کنید آنگاه که دشمن هم بودید پس میان دل‌هایتان الفت ایجاد کرد و با نعمت او برادر گشتید!
- ۳ نعمت خداوند را بر خویشتن ذکر کنید زمانی که چون دشمن هم بودید دل‌هایتان را به هم پیوست سپس به نعمت او دوستان یکدیگر گشتید!
- ۴ نعمت الله را بر خود به یاد بیاورید که نسبت به هم دشمن بودید پس بین دل‌هایتان دوستی قرار داد و بوسیله نعمت او برادری در شما بوجود آمد!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

«بِنَظَرَةٍ وَاحِدَةٍ عَلَى حَيَاةِ الْعُلَمَاءِ نَدْرِكُ أَنَّ اِكْتِشَافَاتِهِمْ لَمْ تَتَحَقَّقْ بِالْمُنَى، وَ إِنَّمَا تُصْنَعُ الْمَعْجَزَاتُ بِإِرَادَتِهِمُ الْقَوِيَّةِ!»:

- ۱ تنها یک نگاه به زندگی دانشمندان به ما می‌فهماند که اکتشافات آن‌ها با تمنیاتشان به دست نمی‌آید، بلکه به اراده قوی آن‌ها معجزه‌ها ساخته می‌شود!
- ۲ با یک نگاه به زندگی دانشمندان درک می‌کنیم که کشفیات آن‌ها با آرزوها محقق نشده است، و معجزات فقط با اراده محکم آن‌ها، ساخته می‌شود!
- ۳ با نگاهی یکسان به حیات علماء خواهیم فهمید که اکتشافات آن‌ها با آرزوها برآورده نمی‌شود، و فقط با اراده‌ای قوی است که معجزه می‌سازد!
- ۴ با نگاهی واحد به حیات علماء درک کرده‌ایم که کشفیات آن‌ها با آرزو محقق نشده، بلکه فقط اراده محکم آن‌هاست که معجزه می‌سازد!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عَيْنُ «يَقْفَز» يَوْضَحُ مَا قَبْلَهُ:

- ۱ هَذَا السَّنَجَابُ يَقْفِزُ مِنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَى تِلْكَ الشَّجَرَةِ! ۲ بَحْثٌ عَنْ سَنَجَابٍ يَقْفِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ بِسُرْعَةٍ!
- ۳ رَأَيْتَ ذَلِكَ السَّنَجَابَ يَقْفِزُ بِسُرْعَةٍ مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ! ۴ كَانَ سَنَجَابٌ يَقْفِزُ عَلَى الْأَشْجَارِ فِي الْغَابَةِ بِسُرُورٍ!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی



عین غیر المناسب فی المعادل: ۴۰

- ۱ أ یكونُ أجمعُ من نَمْلَةٍ ← صرْفه جوتَر از مورچه هست؟!
- ۲ خیر الأمور أوسطُها ← اندازه نگهدار، که اندازه نکوست!
- ۳ أکلتم تَمَرِي و غَصِيتَم أَمَرِي ← نمک خورد و نمکدان شکست!
- ۴ مَن صارَ صیداً أَكله الصَّيِّدُ ← هر که صید شد، خوردنش واجب است!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

عین الخطأ: ۴۱

- ۱ إن كنت تُحِبُّ الحیاةَ فلا تُضَيِّعْ وقتک بلافاضة: اگر زندگی را دوست می‌داری، وقت خود را بیهود تلف مکن!
- ۲ الحقيقة هي الشيء الوحيد الذي لا يُصدِّقُه بعضُ النَّاسِ: حقیقت تنها چیزی است که بعضی مردم آن را باور نمی‌کنند!
- ۳ بعضُ الأحيان أسمع صوتاً هادئاً من ضمیري يُخبرني أَنِّي لستُ وحيداً: گاهی از درونم صدایی آرام می‌شنوم که به من خبر می‌دهد که من تنها نیستم!
- ۴ لا تُجادِلْ بليغاً و لا سفيهاً، فالبليغ يَغلبُک و السَّفيه يجعلُک نادماً: با سخنور و نادان جدل مکن که سخنور تو را شکست می‌دهد و نادان تو را پشیمان خواهد کرد!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

عین «قد عصف» يوضح ما قبله: ۴۲

- ۱ شاهدتُ رياحاً شديدةً قد عَصفت و كَسَّرت الأشجار!
- ۲ كانت رياحٌ شديدة قد عَصفت و خَرَّبَت بعضَ البيوت!
- ۳ هربتُ من الرِّياح الشديدة و قد عَصفت و خَرَّبَت بيوتاً!
- ۴ هذه الرِّياح الشديدة قد عَصفت و لا نرى شجرةً ضعيفةً إلا مَكسَّرةً!

سراسری-انسانی-تیرماه ۱۴۰۱

عین «اللام» تَخْتَلِفُ: ۴۳

- ۱ حضر جميعُ الطُّلاب في الصالة ليشتركوا في الامتحان!
- ۲ يُصاد الحوتُ ليُستخرجَ زيتُه و يُصنَع منه موادُّ التَّجميل!
- ۳ إنَّ الطبيعةَ جميلةٌ لِنُحافظَ عليها و نحن نحتاجُ إليها كثيراً!
- ۴ قد نغرس الأشجارَ التي تُثمر بعد سنواتٍ ليأكلَ الآخرون منها!

سراسری-انسانی-تیرماه ۱۴۰۱



«يا ولدي المجدّ! اجتهد للنجاح و اكتساب ما ينفعك و دَع كَلامَ الناس، فليس طريقُ في الحياة لا يَمُرّ بالمصاعب!»: ای فرزند کوشای من! ، عین الصّحیح للترجمة:

- ۱ برای موفقیت و کسب آنچه به تو سود می‌رساند تلاش کن و حرف مردم را رها کن، چه راهی در زندگی نیست که از مشکلات گذر نکند!
- ۲ برای موفق بودن و اکتساب هرچه برای تو سودبخش است بکوش و سخن مردم را فرو گذار، زیرا راهی نیست که از مصیبت‌های زندگی گذر نکند!
- ۳ بکوش تا موفق شوی و آنچه را به سود تو است اکتساب کنی و حرف مردم را فرو گذاری، زیرا هیچ راهی وجود ندارد که از مشکلات در زندگی عبور نکند!
- ۴ تلاش کن برای موفق شدن و کسب کن آنچه را به تو سود می‌رساند و سخن مردم را رها کن، چه هیچ راهی وجود ندارد که از مصیبت‌های زندگی عبور نکند!

سراسری-انسانی-تیرماه ۱۴۰۱

«إنّها كانت تستطيع أن تتحدّث و تكتب بلغات متعدّدة لأنّها كانت تعلم أكثر من ستّ لغات و قد ألّفت أكثر من مائة كتاب و مقالة!» عین الترجمة الصحيحة:

- ۱ او توانسته بود به زبانهای گوناگونی حرف بزند و بنگارد زیرا که بیش از صد کتاب و مقاله به شش زبان تألیف کرده بود!
- ۲ او می‌توانست به زبانهای متعدّدی سخن بگوید و بنویسد زیرا بیش از شش زبان می‌دانست و بیش از صد کتاب و مقاله تألیف کرده بود!
- ۳ او توانسته بود به زبانهای مختلف سخن بگوید و بنگارد از آنجا که بیش از شش زبان را آموخته بود و بیشتر از صد کتاب و مقاله نوشته بود!
- ۴ او می‌توانست با زبانهای گوناگون حرف بزند و با آنها بنویسد از آنجا که شش زبان را می‌شناخت و صد کتاب و مقاله یا بیشتر از آن نوشته بود!

سراسری-زبان خارجی-۱۴۰۱

«حاولتُ كثيراً أن أشكرک يا معلّمی الفاضل! ولكن لم یکن ذلک کافیاً و أنا ما كنتُ راضیاً عنه!» عین الصّحیح للترجمة:

- ۱ زیاد تلاش کردم تا از تو تشکر کنم، ای معلّم صاحب فضل من! با وجود این کافی نبود و از آن راضی نشدم!
- ۲ بسیار تلاش کردم که شکرگزاری باشم ای پرورش‌دهنده دانای من! با اینحال کافی نبود و از آن راضی نبودم!
- ۳ چه بسیار تلاش کردم که تو را شاکر باشم، ای مربّی دانشمند من! ولی کافی نبود و به آن راضی نمی‌شدم!
- ۴ بسیار تلاش کردم که از تو تشکر کنم، ای معلّم با فضیلت من! اما آن کافی نبود و من از آن راضی نبودم!

سراسری-زبان خارجی-۱۴۰۱

«إذا تُريد أن تكونَ سَعِيداً مع النَّاس و تعيش بفرح، فعاملهم بما تُحبّ أن يُعاملوك به!» عین الصّحیح للترجمة:

- ۱ هرگاه بخواهی که سعادتمند باشی، در کنار مردم با شادی زندگی کن و با آنها همانطور باش که دوست داری با تو آنگونه باشند!
- ۲ اگر خواستی در کنار مردم نیکبخت شوی و با شغف زندگی کنی، پس با آنها آنطور معامله کن که دوست داری با تو معامله کنند!
- ۳ هر زمان خواستی با مردم باشی و خوشبخت و با شغف زندگی کنی، با آنها در معامله آنگونه باش که دوست داری با تو باشند!
- ۴ اگر بخواهی که همراه مردم خوش‌اقبال باشی و به شادی زندگی کنی، پس آنطور با آنها رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند!

سراسری-زبان خارجی-۱۴۰۱



«لا يَكْفِي أَنْ يَغْفِرُوا دَائِمًا، بَلْ لِنَتَعَلَّمَ أَنْ نَغْفَرَ أَنْفُسَنَا أحيانًا!» عَيْنِ الصَّحِيح للترجمة:

- ۱) کافی نیست که دائماً بخشیده شویم، بلکه باید یاد بگیریم که گاهی خودمان را ببخشیم!
- ۲) کافی نیست که همیشه ما را ببخشند، بلکه باید بیاموزیم که گاهی خودمان را ببخشیم!
- ۳) اینکه ما را همیشه ببخشید کفایت نمی‌کند، بلکه باید بیاموزیم گاهی خودمان هم ببخشیم!
- ۴) اینکه دائماً بخشیده شویم کفایت نمی‌کند، بلکه گاهی باید یاد بگیریم که خودمان هم ببخشیم!

سراسری-زبان خارجی-۱۴۰۱

عَيْنِ الْخَطَأ:

- ۱) المرء القويّ يَعْمَلُ وَ الضَّعِيفُ يَتَمَتَّى: انسان نیرومند عمل می‌کند و انسان ضعیف آرزو می‌کند!
- ۲) الحياة بلا عمل كَثَقِلَ يُحْمَلُهُ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ: زندگی بدون عمل چون بار سنگینی است که انسان آن را بر خود تحمیل می‌کند!
- ۳) عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ نَقَادِينَ لِلْكَلَامِ حَتَّى نَأْخُذَ كَلِمَةَ الْحَقِّ مِنْ أَيِّ شَخْصٍ: ما باید از نقدکنندگان سخن باشیم تا سخن حق را از افراد گرفته باشیم!
- ۴) الْمَعْرِفَةُ كَالشَّجَرَةِ لِاتَّصَغُرَ يَوْمًا بَعْدَ يَوْمٍ بَلْ تَنْمُو كُلَّ يَوْمٍ: معرفت چون درخت است که روز به روز کوچک نمی‌شود بلکه هر روز رشد می‌کند!

سراسری-انسانی-تیرماه ۱۴۰۱

«عَوَّدَ نَفْسَكَ بِأَنْ تُكَلِّمَ النَّاسَ بِلِسَانٍ لَيِّنٍ وَ أَنْ لَا تَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ، وَ إِلَّا يُمَكِّنَ أَنْ تَقَعَ فِي مَوْضِعِ التُّهْمَةِ!» عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱) به نفس خود برگرد تا با مردم با نرمی سخن بگویی و در موردی که بدان آگاهی نداری، دخالت نکنی و الا ممکن است در جایگاهی از اتهام قرار گیری!
- ۲) خود را عادت بده به اینکه با زبان نرم با مردم سخن بگویی و در موضوعی که به آن علمی نداری دخالت نکنی، وگرنه امکان دارد در موقعیت اتهام قرار گیری!
- ۳) خودت را عادت بده که با مردم به نرمی حرف بزنی و در موضوعی دخالت نکنی وقتی بدان آگاهی نداری، و الا ممکن است که در موقعیت تهمت زدن قرار بگیری!
- ۴) به درون خود برگرد برای اینکه با مردم با زبانی نرم حرف بزنی و در موردی که برای تو علمی نیست، دخالت نکنی وگرنه امکان دارد در موضع تهمت قرار بگیری!

سراسری-انسانی-تیرماه ۱۴۰۱

عَيْنِ الصَّحِيح للترجمة:

«مَا أَجْمَلَ أَنْ يَكُونَ هُنَاكَ أَحَدٌ يَفْكُرُ دَائِمًا فَيَكُ بِحَسَنِ ظَنٍّ، فَإِذَا أَخْطَأَ يَغْفِرُكَ وَ إِنَّ أَسْأَأَ إِلَيْكَ يَعْتَذِرُ مِنْكَ!»:

- ۱) آنچه زیباتر است اینست که کسی باشد که همواره در مورد تو حسن نیت داشته باشد، هرگاه خطا کردی ببخشد و اگر به تو بدی کرد از تو عذر بخواهد!
- ۲) چیزی زیباتر از این نیست که کسی همیشه درباره تو با نیت نیک بیندیشد، و هنگام خطا کردنت تو را ببخشد و هرگاه بدی کرد از تو عذرخواهی کند!
- ۳) چه زیبا است که کسی را داشته باشی که دربارهات نیک بیندیشد، زمانی که خطا کرده‌ای تو را می‌بخشد و آنگاه که به تو بدی کند از تو معذرت می‌خواهد!
- ۴) چه زیبا است که کسی باشد که همیشه در مورد تو با گمان نیک اندیشه کند، پس اگر خطا کنی تو را می‌بخشد و اگر به تو بدی کرد از تو عذرخواهی می‌کند!

سراسری-هنر-۱۴۰۱



۵۲ عین «تنصح» یوضّح ما قبله:

- ۱ هذه المعلّمة تنصح تلميذاتها بإشارات قليلة و مفيدة!
- ۲ أحبّ معلّمة تنصح تلميذاتها و هنّ يستمعن إليها برغبة!
- ۳ كانت المعلّمة تنصح التلميذات في الصّف برحمة و شفقة!
- ۴ رأيت معلّمة مشفّقة و هي تنصح تلميذاتها بالتفكّر و الإجتهد!

سراسری-ریاضی-تیرماه ۱۴۰۱

۵۳ عین الصحيح:

- ۱ كان خائفاً ممّا سيحدث له قريباً: از چیزی که بزودی اتفاق می‌افتاد، ترسان بود!
- ۲ أ لم تتحرّر برؤية هذه الظاهرة الغريبة: آیا از دیدن چنین پدیده عجیبی حیرت نمی‌کنی!
- ۳ أصبحوا نادمين عن ما كانوا يعاملونه: درباره آنچه که با او داد و ستد می‌کنند، پشیمان شدند!
- ۴ يكفي أن يحبّك قلب واحد كي تستطيع أن تعيش: کافی است یک قلب تو را دوست بدارد، تا بتوانی زندگی کنی!

سراسری-ریاضی-تیرماه ۱۴۰۱

۵۴ عین «تساعد» یوضّح ما قبله:

- ۱ أحبّ من تُساعد الآخرين بشوق و رافّة!
- ۲ رأيت طالبة تُساعد زميلاتها في دروسهنّ!
- ۳ هذه الطالبة تُساعد كلّ التلميذات في الصّف!
- ۴ كانت تلك الطالبة تُساعدني دائماً في دروسي!

سراسری-تجربی-تیرماه ۱۴۰۱

۵۵ عین خبر «كان» مختلفاً:

- ۱ كان الطالب يتكلّم مع أصدقائه حول برنامج سفرتهم العلميّة!
- ۲ كان الإنسان يستفيد من الديناميت لتسهيل أعماله الصّعبة!
- ۳ كان التلاميذ يقذفون الكرة حتّى تدخل القرى!
- ۴ كان الفستق الذي ينتج في كرمان لذيذاً!

کنکوره‌های خارج از کشور-سراسری-انسانی

۵۶ عین «اللام» تختلف (في المعنى):

- ۱ إن نطلب أن نتعلّم العلم فلنُجالس المتفكّمين!
- ۲ نحتاج إلى التراب و السّماد لينمو الورود!
- ۳ ليُشجّع المتفكّجون اللّاعبين في المُسابقات!
- ۴ إنّ المؤمنين ليُطعموا المساكين ممّا يأكلون!

کنکوره‌های خارج از کشور-سراسری-انسانی

۵۷ عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي:
«الصّين أوّل دولة في العالم استخدمت نقوداً ورقية»:

- ۱ ورقية: مفرد مؤنث - نكرة - معرب / صفة و منصوب بالتبعية للموصوف «نقوداً»
- ۲ أوّل: اسم - من الأعداد الترتيبية - مفرد مذكر - نكرة - معرب / خبر و مرفوع، و المبتدأ: «الصين»
- ۳ العالم: اسم - مفرد مذکر - اسم فاعل - معرّف بآل - معرب / مجرور به حرف الجرّ؛ في العالم: جار و مجرور
- ۴ استخدمت: فعل ماضٍ - مزيد ثلاثي (من باب استفعال) - متعدّد / فعل و مع فاعله جملة فعلية و تصف ما قبلها

کنکوره‌های خارج از کشور-سراسری-انسانی



عَيْنِ الْخَطَأِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:
(أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ):

- ۱) اللَّهُ: لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذكر - معرفة (علم) - معرب / مضاف إليه و مجرور
- ۲) أذكروا: فعل أمر - مجرّد ثلاثي - متعدّد / فعل و فاعل، و الجملة فعلية؛ و مفعوله «نعمة»
- ۳) أَلَّفَ: فعل ماضٍ - مزيد ثلاثي (من باب تَفَعَّلَ) - لازم - معلوم / فعل و فاعله، و الجملة فعلية
- ۴) أَعْدَاءُ: جمع مكسّر أو تسكير (مفردة: عدوّ، مذكر) - نكرة / خبر «كان» من الأفعال الناقصة، و منصوب

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«جوان دروغگو هنگامی که برای بار سوّم دروغ گفت نزدیک بود غرق شود» عَيْنِ التَّعْرِيبِ الصَّحِيحِ:

- ۱) الشَّابُّ الَّذِي كَذَبَ كَادَ يَغْرُقُ لَمَّا كَذَبَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. ۲) كَادَ الشَّابُّ الَّذِي يَكْذِبُ يَغْرُقُ لَمَّا كَذَبَ لِلْمَرَّةِ الثَّلَاثَةِ.
- ۳) كَادَ الشَّابُّ الْكَذَّابُ يَغْرُقُ عِنْدَمَا كَذَبَ لِلْمَرَّةِ الثَّلَاثَةِ. ۴) الشَّابُّ الْكَذَّابُ كَادَ قَدْ غَرِقَ عِنْدَمَا كَذَبَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) حاولت زميلتي أن تُغلق باب حافلة المدرسة: همشاگرديم تلاش کرد که در اتوبوس مدرسه را ببندد،
- ۲) ولكنّ الباب لم يُغلق و أخذت الحافلة تسيّر بسرعة: ولی درب بسته نشد و اتوبوس می‌خواست به سرعت حرکت کند،
- ۳) تَغَلَّبَ الخَوْفُ عَلَى اللَّاتِي كُنَّ قَدْ جَلَسْنَ عَلَى الْكَرَاسِيِّ الْأَمَامِيَّةِ: کسانی را که در جلو صندلی‌ها نشسته بودند ترس فرا گرفت،
- ۴) لأنّ السائق لم يكن جالساً على كرسيّه الخاصّ في السيّارة: زیرا راننده‌ی اتوبوس هنوز در جای خود ننشسته بود!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عَيْنِ الْخَطَأِ:

- ۱) إِذَا أَرَدْنَا أَنْ لَا نَتَعَبَ مِنَ الْمَصَائِبِ: هرگاه بخواهيم که از مصيبت‌ها خسته نشويم،
- ۲) فَلَنَقْبَلْ أَنْ لَا نَحْزَنَ أَنْفُسَنَا بِالْمَشَاكِلِ الْجَزِيئَةِ: بايد بپذيريم که درون‌مان با مشکلات جزئی ناراحت نشود،
- ۳) وَ كُلُّ مَشَاكِلِ الدُّنْيَا لِلْإِنْسَانِ الذَّكِيِّ جَزِيئَةٌ حَقًّا: و همه‌ی مشکلات دنیا برای انسان باهوش واقعاً جزئی است،
- ۴) إِنْ كُنَّا مِنَ الْعُقَلَاءِ لَا نُصْبِحُ مُنْزَعَجِينَ أَبَدًا: اگر از عاقلان باشيم هرگز آزرده نمی‌شويم!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عَيْنِ الصِّفَةِ يَخْتَلِفُ نَوْعُهَا:

- ۱) قَرَأْنَا الْأَرْوَءَ الْمُتَعَدَّدَةَ فِي هَذَا الْمَوْضُوعِ فَتَفَكَّرَ فِيهِ!
- ۲) شَاهَدْتُ التَّلَامِيذَ يَلْعَبُونَ فِي الْمَلْعَبِ الْكَبِيرِ مَعَ أَصْدِقَائِهِمْ!
- ۳) هَذَا هُوَ التَّلْمِيذُ النَّاجِحُ يَمْشِي وَ يَضْحَكُ مَعَ بَقِيَّةِ التَّلَامِيذِ!
- ۴) أَبِي مُزَارِعٍ يَجْتَهِدُ دَائِمًا وَ لَا يَرْضَى بِأَنْ يَتْرَكَ هَذِهِ الْقَرْيَةَ!

سراسری-زبان خارجی-۱۴۰۰

عَيْنِ مَا فِيهِ لَامُ الْأَمْرِ:

- ۱) أَنَارَ اللَّهُ قُلُوبَنَا بِالْعُلُومِ النَّافِعَةِ لِنَذْكُرْهُ!
- ۲) تُطْلِقُ سَمَكَةُ السَّهْمِ قَطْرَاتِ الْمَاءِ لَتَسْقُطَ الْحَشْرَةُ!
- ۳) جَلَسْنَا أَمَامَ التِّلْفَازِ لِنَشَاهِدَ فَلَمَّا رَأَيْنَا!
- ۴) إِنَّ فَرَاخَ «بِرْنَاكُل» لَتَسْقُطُ وَ إِلَّا لَاتَتَعَلَّمَ الطَّيْرَانِ!

سراسری-زبان خارجی-۱۴۰۰



متن زیر را بخوانید و به ۷ سوال بعدی پاسخ دهید.

إِعلم أَنَّهُ إِذا لم تُستَخدم خَلايا الدِّماغ * و لم تُستَعمل متواصلاً، سَينَقص حَجمُها و تَقَلَّ قَدراتُها و طاقتُها عَلى العَمل. و يَجرى تَمرينٌ تَنشيط خَلايا الدِّماغ * مِن خِلال القِيام بِالاختِبارات العَقلِيَّة المَتنَوِّعة، مِثل اختِبارات الذاكرة و الذِّكاء و غيرَهما. و مِن المَهم أَن تَكون هَذه الاختِبارات جَديدةً و غيرَ مَعرُوفَةٍ لِلفرد، بِحِث تَؤَثِّر عَلى تَنشيط عَمل الخَلايا و تَساعدُها عَلى الوُصول إِلى مُستَويات * مُتَقَدِّمة مِن التَفكير و التَحلِيل. و في هَذا المَجال تُساعد القِراءةُ و الكِتابَةُ بِلِغات مُختَلِفة و كَذلك القِيام بِبعض الأَلعاب الَّتِي تَحتاج إِلى تَفكير و تَحلِيل كَالشَّطرنج تَساعد خَلايا الذِّهن أَن تَتمو و تَنشِط أَكثَر فأَكثر ... * خَلايا: ج خَليَّة = المادَّة الأساسِيَّة في جَميع المَخلوقات الحَيَّة، فَالإنسان يَتَشكَّل مِثلاً مِن مَجموعة مِن الخَلايا تَسمَى «سَلول»! / دماغ: مخ / مُستويات: سطوح

٦٤ عَيِّن الخَطأ: عَلينا بِازدياد قَدراتنا الدِّماغِيَّة عَن طَريق

١ الإقبال على تعلّم اللغات الأخرى!

٢ ألعاب تُقوِّي العقول و تعمل على نشاطها!

٣ القيام بأعمال لم نكن نعملها عادةً!

٤ مشاهدة الألعاب الفكرية و التحليلية كالشطرنج!

سراسرى-زبان خارجى-١٤٠٠

٦٥ مِن يَقدِر أَن يَنتَفِع مِن طاقاته الدِّماغِيَّة؟ عَيِّن الصَّحيح: الَّذي

١ يتكلّم و يكتب بلغة صباح مساء!

٢ لا يجتنّب مواجهة ما بِحاجة إِلى التَعلُّق!

٣ يقوم كلّ يوم بلعبة فكريّة و أعمال معيَّنة!

٤ يحبّ الاختيارات العقلية و الألعاب الفكرية دون أَن يقوم بها!

سراسرى-زبان خارجى-١٤٠٠

٦٦ علام (على ما) تَؤَثِّر التَمارينُ الدِّماغِيَّة و الاختِبارات العَقلِيَّة؟ عَيِّن الصَّحيح: تَؤَثِّر عَلى

١ ما يقوم به المُخ!

٢ حجم الرأس و ما فيه!

٣ كَيفِيَّة القِراءة و الكِتابَةُ!

٤ كَيفِيَّة الأَلعاب الرِياضيَّة و الفَكرِيَّة!

سراسرى-زبان خارجى-١٤٠٠

٦٧ عَيِّن ما لِمَ يُذَكَّر في النَّص:

١ أساليب تنشيط القوّة الدِّماغِيَّة!

٢ أثر عدم استخدام القوّة العاقلة!

٣ كَيفِيَّة أثر القِراءة بلغة أَجَنبِيَّة عَلى أَعمال الإنسان!

٤ الألعاب الَّتِي تَفيد في ازدياد حجم خَلايا المُخّ او الدِّماغ!

سراسرى-زبان خارجى-١٤٠٠

٦٨ عَيِّن الخَطأ في الإعراب و التَحلِيل الصَّرْفِي:

«تُستَعمل»:

١ فعل مضارع - للمفرد المؤنث الغائب - مجهول / فعلٌ، و الجُملةُ فَعَلِيَّةٌ

٢ مضارع - للمؤنث - حروفه الأصلية «ع م ل» - ماضيه: «استعمل» على وزن استفعّل

٣ فعل مضارع (به معنَى المَاضِي الاسَتمراري بِسبب وَجود حرف «لم») - مجهول / فعلٌ و الجُملةُ فَعَلِيَّةٌ

٤ مضارع (به معنَى المَاضِي النَقلي المنفي بِسبب وَجود حرف «لم» النافية) - مصدره: «استعمال» على وزن استفعال

سراسرى-زبان خارجى-١٤٠٠

عَيْنِ الْخَطْأِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: «يَنْقُصُ» ٦٩

- ١ فعل مضارع - للغائب - ليس له حرف زائد - معلوم / فعلٌ و فاعله «حجم»
- ٢ مضارع (به معنى الالتزامي بسبب وجود حرف السين) - معلوم / فعلٌ و فاعله «حجم»
- ٣ مضارع - للمفرد المذكر الغائب - حروفه أصليّة كلّها - معلوم / فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية
- ٤ فعل مضارع (يختصّ بالمستقبل بسبب وجود حرف السين / فاعله «حجم» و الجملة فعلية

سراسرى-زبان خارجى-١٤٠٠

عَيْنِ الْخَطْأِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: «الْمُتَنَوِّعَةُ» ٧٠

- ١ اسم - مفرد مؤنث - معرّف بأل / صفةٌ و موصوفها «اللاختيارات»
- ٢ مفرد مؤنث - اسم فاعل (حروفه الأصلية «ن و ع») - معرّف بأل
- ٣ اسم - مفرد مؤنث - اسم فاعل (فعله: «تَنَوَّع» و مصدره: «تَنَوَّع» على وزن تَفَعَّل)
- ٤ مفرد مؤنث - اسم فاعل (مصدر فعله: «تنويع» على وزن تفعيل) / صفة للموصوف «الاختبارات»

سراسرى-زبان خارجى-١٤٠٠

«با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برايشان امكان دارد كه در برنامه هايشان موفق شوند». عَيْنِ الصَّحِيحِ: ٧١

- ١ تَحَدَّثْتُ مع زملائي حَتَّى يَعْلَمُوا كيف يُمكنهم النّجَاح في البرامج.
- ٢ حَدَّثْتُ أصدقائي ليفهموا كيف يستطيعون أنّهم التّقدّم في برامجهم.
- ٣ تكلّمتُ مع أصدقائي ليعلموا كيف يُمكن لهم أن ينجحوا في برامجهم.
- ٤ كلّمتُ زملائي أن يفهموا كيف يستطيعون لهم أن يتقدّموا في البرامج.

سراسرى-زبان خارجى-١٤٠٠

عَيْنِ الْخَطْأِ: ٧٢

- ١ أمطر اللهُ مطراً في بلدنا أمس؛: ديروز خدا در شهر ما بارانى باراند،
- ٢ ما كان المطر كثيراً ليصير سيلاً؛: باران زيادى نبود كه سيل بشود،
- ٣ و لا قليلاً حَتَّى لايُنْبِتَ ما قد فات؛: و نه كم كه آن چه از دست رفته بود نرويد،
- ٤ و بكثرته إزدادت النّعْمُ علينا؛: و با فراوانيش نعمتها بر ما فزونى يافت!

سراسرى-زبان خارجى-١٤٠٠

«صديقك هو الشخص الذي يعرف نِعَمَاتِ قلبك و يستطيع أن يُغْنِيها لك إن كنتَ نسيْتَ كلماتها!» عَيْنِ الْأَصَحِّ لِلتَّرْجَمَةِ: ٧٣

- ١ دوستت همان كس است كه آوازه‌هاى قلب تو را مى‌دانست و هرگاه كلمات آن فراموش شد دوباره برايت مى‌خواند!
- ٢ دوستت كسى است كه نغمه‌هاى قلبت را بداند و بتواند آن را برايت دوباره بخواند هر زمان كه كلماتش را فراموش کرده باشى!
- ٣ دوست تو است آن كسى كه آوازه‌هاى قلبت را مى‌شناسد و مى‌تواند آن را به خاطر تو بخواند آن گاه كه كلمات را فراموش کرده‌اى!
- ٤ دوست تو همان كسى است كه نغمه‌هاى قلب تو را مى‌شناسد و مى‌تواند آن را براى تو بخواند اگر كلمات آن را فراموش کرده باشى!

سراسرى-زبان خارجى-١٤٠٠



«لنفكر عن العالم و ما فيه حتى نعلم ان ذلك ما خلق باطلاً، و ان لم ندرک كل دلائل الخلق» عین الأصح للترجمة:

- ۱ می‌بایست به دنیا و هر چه در آن است بیندیشیم زیرا آن بیهوده آفریده نشده، و حتی اگر چیزی از علل آفرینش را درنیابیم!
- ۲ ما درباره‌ی این عالم و آنچه در آن است خواهیم اندیشید زیرا بیهوده خلق نشده است، اگر چه نتوانیم همه‌ی علل‌های خلقت را درک کنیم!
- ۳ باید درباره‌ی جهان و آنچه در آن است بیندیشیم تا بدانیم که آن، باطل خلق نشده است اگرچه همه‌ی دلایل آفرینش را درک نکنیم!
- ۴ برای اندیشیدن به عالم و هر آنچه در اوست بایستی بدانیم که عالم باطل آفریده نشده، حتی در صورتی‌که هیچ‌یک از دلایل خلقت را نیافتیم!

سراسری-زبان خارجی-۱۴۰۰

«إن شاهدت أحداً قد وصل إلى القمة فإنه كان يتحرك عندما كان الآخرون نياماً!» عین الأصح للترجمة:

- ۱ اگر کسی را دیدی که به قله رسیده است قطعاً زمانی که دیگران خفته بودند او حرکت می‌کرد!
- ۲ اگر مشاهده کردی کسی به قله‌ای رسیده، حتماً در حرکت بوده است وقتی دیگران خوابیده بودند!
- ۳ اگر کسی را که به قله‌ای رسیده است ببینی، قطعاً حرکتی داشته در حالی‌که دیگران خوابیده بودند!
- ۴ اگر مشاهده کنی کسی را که به قله رسیده، قطعاً در حالی‌که دیگران خوابیده بودند می‌خواست حرکت کند!

سراسری-زبان خارجی-۱۴۰۰

(أو لم يعلموا أن الله يبسط الرزق لمن يشاء) عین الصحيح لترجمة الآية الكريمة:

- ۱ و آیا ندانسته‌اند که خداوند روزی را برای هرکس بخواهد می‌گستراند؟
- ۲ و آیا نمی‌دانند که الله روزی‌ها را برای هرکس بخواهد گسترش می‌دهد؟
- ۳ آیا و ندانسته‌اند که الله روزی‌های خود را برای کسی می‌گستراند که بخواهد؟
- ۴ آیا و نمی‌دانند که خدا برای کسی‌که از او بخواهد روزی خود را می‌گستراند؟

سراسری-زبان خارجی-۱۴۰۰

عین ما ليس معادلاً للماضي الاستمراري في الفارسيّة:

- ۱ كان التلاميذ يقذفون الكرة حتى تدخل المرمى!
- ۲ كان ذلك الكتاب يضمّ الكلمات الفارسيّة و العربيّة!
- ۳ كان أبي يأمرني بمدارة الناس كما يأمرني بأداء الفرائض!
- ۴ كان طعم البرتقال الذي ينبت في شمال إيران لذيذاً!

سراسری-تجربی-۱۴۰۰

متن زیر را بخوانید و به ۷ سؤال بعدی پاسخ دهید.

تَعْتَمِد الملياراتُ من النَّاس في جميع أنحاء العالم، خاصّة في أفقر دول العالم، على المُحيطات و البحار فإنّها مؤثّرة بشكل أساسي في إيجاد فرص العمل و كذلك الحصول على الغذاء و الاحتياجات اليوميّة. إنّ البلاد المُجاورة لهذه النعمة الكبرى تستفيد منها بأشكالٍ مُختلفة في مجال تنمية اقتصادها و نموّها؛ فإنّها إضافةً إلى أنّها مَصادرٌ من النعم الغذائية و غيرها فهي فرصةٌ ذهيّةٌ لجذب السّياح و المُسافرين من جميع بلاد العالم للتفرّج و التلذّذ. و الأمرُ الجدير بالذّكر هو أنّ التّقلّ البحري أصبح الآن أحد طرق الاتّصال الأساسيّة بين البلاد، فلذلك يُعدّ من عوالم تنشيط الاقتصاد. و أخيراً ما تجب مُراعاتُها هي أنّ البحار ليست مكاناً للتّفايات فإنّ عدمَ رعاية هذا الأمر يُسبّبُ هلاكة الإنسان بيده!

٧٨ عَيْن ما لِمَ يُذَكِّر في النص:

- ١ أثر البحار في الهواء النقي.
- ٢ البحار و أثرها على إملاء ساعات الفراغ.
- ٣ حياة الناس و أثر البحار عليها.
- ٤ أثر البحار في تواصل البلاد بعضها بعضاً.

سراسرى-تجربى-١٤٠٠

٧٩ عَيْن ما لِيَسْت من فوائد البحار:

- ١ إيجاد منظمات للنقل.
- ٢ هي أماكن لنفاية المصانع.
- ٣ تأسيس الشركات الغذائية.
- ٤ شواطئها أماكن للاستراحة.

سراسرى-تجربى-١٤٠٠

٨٠ كيف يَقْتُل الإنسانُ نَفْسَه؟

- ١ بتلويت مياه البحار.
- ٢ بعدم تنمية اقتصاد بلاده بالبحار.
- ٣ بالاستفادة من النفايات.
- ٤ بإلقاء ما بقي من طعامه في البحر.

سراسرى-تجربى-١٤٠٠

٨١ العنوان المناسب للنص هو

- ١ مصادر البحار الغذائية
- ٢ أهميّة البحار
- ٣ أثر النفايات في البحار
- ٤ النقل البحري

سراسرى-تجربى-١٤٠٠

٨٢ عَيْن الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفى:
«تعتمد»:

- ١ فعل مضارع - له ثلاثة حروف أصلية و هي «ع م د» و ماضيه «اعتمد» على وزن افتعل
- ٢ مضارع - للمؤنث الغائب - مصدره «اعتماد» / فعل و فاعله «المليارات» و الجملة فعلية
- ٣ فعل مضارع - حروفه الأصلية ثلاثة «ع ت م» و مصدره «اعتماد» على وزن افتعال / فاعله «المليارات»
- ٤ مضارع - للمفرد المؤنث الغائب - له حرفان زائدان، ماضيه «اعتمد» و مصدر «اعتماد» على وزن افتعال

سراسرى-تجربى-١٤٠٠

٨٣ عَيْن الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفى:
«أصبح»:

- ١ فعل ماضٍ - للغائب - من الأفعال الناقصة بمعنى «صار» - حرفه الزائد: الهمزة
- ٢ فعل ماضٍ - من الأفعال الناقصة بمعنى «كان» وزنه «أفعل» و مصدره «إفعال»
- ٣ ماضٍ - للمفرد المذكر الغائب - له حروف ثلاثة أصلية و حرف واحد زائد، مصدره «إصبح»
- ٤ ماضٍ - للمفرد المذكر الغائب - على وزن «أفعل» و وزن مصدره: إفعال - له حرف واحد زائد

سراسرى-تجربى-١٤٠٠

- ۱) مفرد مذکر - اسم تفضیل - مجرور به حرف الجرّ؛ في أفقر: جار و مجرور
- ۲) اسم - اسم تفضیل (جمعه على وزن «أفاعل») - فعله: «فَقَر» و مصدره: «فَقَّر»
- ۳) مفرد مذکر - اسم تفضیل (به معنی «ترین»، و هو مضاف) - مجرور به حرف الجرّ «في»
- ۴) اسم - مفرد مذکر - اسم تفضیل (مؤنثه على وزن «أفعلة» و جمع على وزن «أفاعل»)

سراسری-تجربی-۱۴۰۰

۸۵ «إِذَا كُنْتَ وَاثِقًا بِنَفْسِكَ فَإِنَّكَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُشَجِّعَ الْآخَرِينَ عَلَى أَنْ يَكُونُوا وَاثِقِينَ بَأَنْفُسِهِمْ!»:

- ۱) هرگاه به خود اعتماد کنی، تو می‌توانی دیگران را به این‌که از خود مطمئن باشند، تشویق کنی!
- ۲) اگر به خود اعتماد داشته باشی، می‌توانی دیگران را تشویق کنی به این‌که به خود اعتماد داشته باشند!
- ۳) زمانی‌که به خود اطمینان داشته باشی، دیگران را به این‌که به خود با اعتماد باشند، ترغیب می‌کنی!
- ۴) اگر از نفس خود مطمئن باشی، دیگران را ترغیب به این می‌کنی که به نفس‌های خودشان اطمینان داشته باشند!

سراسری-تجربی-۱۴۰۰

۸۶ عَيْنُ مَعْنَى حَرْفِ اللَّامِ يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي فِي فِعْلٍ «لَنْتَبَهُ»:

- ۱) إِنْ نَقَصْدُ أَنْ نَسْبَحَ فِي الْمَاءِ فَلْنَتَبَهُ إِلَى عَمْقِهِ!
- ۲) تَكَلَّمَ أَبِي مَعَنَا لَنْتَبَهُ إِلَى الْخَطَرَاتِ الَّتِي أَمَامَنَا!
- ۳) لَنْتَبَهُ حَتَّى نَشَاهِدَ جَمَالَ الطَّبِيعَةِ فِي كُلِّ شَيْءٍ!
- ۴) إِنَّ الْإِمْتِحَانَاتِ قَرِيبَةً فَلْنَتَبَهُ إِلَى فُرْصَةِ الْقَلِيلَةِ!

سراسری-انسانی-۱۴۰۰

۸۷ عَيْنُ الْخَطَا فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:
«أَصْبَحَ الشَّاتِمُ نَادِمًا مِنْ عَمَلِهِ الْقَبِيحِ»:

- ۱) عمل: اسم - مفرد مذکر - معرب / مجرور به حرف الجرّ؛ من عمل: جار و مجرور
- ۲) أصبح: فعل ماضٍ - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) / فعل من الأفعال الناقصة اسمه «الشاتم»
- ۳) الشاتم: مفرد مذکر - اسم فاعل (حروفه الأصلية: ش م ت) - مبنيّ / اسم «أصبح» و مرفوع
- ۴) نادماً: مفرد مذکر - اسم فاعل (حروفه الأصلية: ن د م) - نكرة / خبر «أصبح» و منصوب

سراسری-انسانی-۱۴۰۰

۸۸ «إِنَّا نَرَى الْكَثِيرَ مِنَ الْبَطِّ يَسْبَحُ فِي الْمَاءِ الْبَارِدِ فِي الشِّتَاءِ وَ الْإِنْسَانُ لَيْسَ كَذَلِكَ!»:

- ۱) ما بسیاری از اردک‌ها را می‌بینیم که در آب سرد زمستان شنا می‌کنند، در حالی‌که انسان چنین نیست!
- ۲) اردک‌های زیادی را می‌بینیم که در سرمای زمستان در آب شنا می‌کنند، و حال آن‌که انسان چنین نمی‌باشد!
- ۳) ما بسیاری از اردک‌ها را می‌بینیم که در زمستان در آب سرد شنا می‌کنند، و حال آن‌که انسان این چنین نیست!
- ۴) اردک‌های زیادی را می‌بینیم که در زمستان سرد در آب شنا می‌کنند، در حالی‌که انسان این چنین نمی‌باشد!

سراسری-انسانی-۱۴۰۰



- ۱ إغتنموا الفرض القليلة و بدّلوها إلى فرص ذهبية!
- ۲ كن في الشدائد كجزيرة لا يكون البحر قادراً أن يبلعها!
- ۳ آثارنا التاريخية فخرنا و هي من أهم الآثار التي سجّلت في ذاكرتنا!
- ۴ كانت سيّارتنا معطّلة فجعلناها في موقف تصليح السيّارات لمدة أسبوع واحد!

سراسری-هنر-۱۴۰۰

۹۰ «المفردات بين لغات العالم لم تتبادل في سنة واحدة، بل قد حدث هذا التبادل أثناء سنوات كثيرة، و بهذا أصبحت اللّغات غنيّة»: كلمات در بين زبان‌های دنیا

- ۱ در یک سال رد و بدل نشد بلکه این تبادل در طول سال‌های زیادی رخ داده است، و بدین ترتیب زبان‌ها غنی شدند!
- ۲ سالی یکبار تبادل نمی‌شدند بلکه این تبادل طی سال‌های زیادی اتفاق می‌افتاد، و زبان‌ها این‌گونه توانمند می‌شدند!
- ۳ یکبار در سال تغییر نمی‌کردند بلکه این تغییر در مدّت سال‌های بسیار اتفاق افتاده است، و بدین صورت زبان‌ها بی‌نیاز می‌شدند!
- ۴ در یک سال رد و بدل نشده‌اند بلکه رخداد تبادل در اثناء سال‌های زیادی بود، و به این صورت زبان‌ها سرشار از توانایی شدند!

سراسری-هنر-۱۴۰۰

۹۱ «من ملأ حياته بعمل الخير، كان يعلم أنّها أقصر من أن يُضيّعها بعمل الشرّ!»:

- ۱ هر آن‌کس بداند که زندگی کوتاه‌تر از آن است که با عمل بد ضایع شود، آن‌را با عمل خوب پر می‌کند!
- ۲ هرکس زندگیش با عمل خوب پر شده است، می‌دانسته که زندگی کوتاه‌تر است از این‌که با عمل بد هدر رود!
- ۳ کسی‌که زندگی خود را با کار خوب پر کرده است، می‌دانسته که زندگی کوتاه‌تر از این است که آن‌را با کار بد تباهش کند!
- ۴ آن کسی‌که زندگیش را پر از عمل خوب کرده باشد، دانسته که زندگی کوتاه‌تر است از آن‌که بتواند با عمل بد نابود شود!

سراسری-هنر-۱۴۰۰

۹۲ (و اذكروا نعمة الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم):

- ۱ نعمت خداوند را خودتان یاد کنید زمانی‌که دشمنان هم‌دیگر بودید سپس قلب‌هایتان را انس و الفت داد.
- ۲ نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن‌گاه که دشمنان یک‌دیگر بودید پس بین دل‌هایتان انس و الفت قرار داد.
- ۳ نعمت الله را به یاد آورید آن‌گاه که با یک‌دیگر دشمنی داشتید و قلب‌هایتان را نسبت به هم نزدیک کرد.
- ۴ نعمت الله را بر خویشتن یادآوری کنید موقعی که دشمن بودید و دل‌هایتان را به یک‌دیگر نزدیک کرد.

سراسری-هنر-۱۴۰۰

۹۳ عین ما لیس فيه فعلٌ يصف ما قبله:

- ۱ للهرباء عینٌ تدور کلّ إتجاه تُريده!
- ۲ لا ترفع صوتک بأيّ دلیل عندما تتکلم مع أمّک!
- ۳ يُقدّم لقمان مواظب قیمة یشیر القرآن إليها!
- ۴ ألف کتابٌ عظیم یُحصي مدنا الجذابة للسیاحة!

سراسری-انسانی-۱۴۰۰



«قَدِّم لي صديقي هديّة في الحكمة و الموعظة كانت قيّمة، و أرشدتني إلى سبيل الخير!» عَيِّن الأصَحّ للترجمة:

- ١ هديه‌ای را که دوستم از حکمت و موعظه‌ای ارزشمند به من داد مرا به راه خیر هدایت می‌نماید.
- ٢ دوستم به من حکمت و موعظه‌ای هدیه داد که ارزشمند است، و مرا به خوب‌ترین راه هدایت می‌کند.
- ٣ هديه‌ای که دوستم از حکمت و پند به من داد ارزشمند بود، و مرا به سمت بهترین راه‌ها هدایت کرد.
- ٤ دوستم هدیه‌ای در زمینه‌ی حکمت و پند به من تقدیم کرد که ارزشمند بود، و مرا به سوی راه خیر هدایت نمود.

سراسری-انسانی-١٤٠٠

عَيِّن ما فيه لام الأمر:

- ١ عند مشاهدة آثار قدرة الله ليخشع القلب!
- ٢ ساعد أصدقاءك ليخرجوا من مشاكلهم بسهولة!
- ٣ يجب على الإنسان كثير من المحاولات ليُصلح نفسه!
- ٤ ذهب صديقي إلى متجر آخر ليشتري سروالاً أرخص!

سراسری-ریاضی-١٤٠٠

متن زیر را بخوانید و به ٧ سوال بعدی پاسخ دهید.
 الإنسان المثاليّ الَّذي يَسعى للمجد هو الإنسان الَّذي ينظر إلى العالم كساحة لا يُرى فيها إلّا الحركة و النشاط حيث إنّ الرخوة و السكون يُساويان الموت! و كذلك إنّ كلّ من في الوجود إذا أراد النَّصر و الظفر مُلزم بمواجهة العالم كمجموعة فيها نزول و صعود لا حيلة منها و لا يُمكن اختيار أحدهما دون الآخر!
 فإنّ المصاعب الّتي تقع في سبيل الطالب - على سبيل المثال - هي الّتي تقع قليلاً أو كثيراً أو مشابهاً في سبيل الآخرين. فمن كانت نفسه مُتسعة تقبل الحياة بما فيها من دون ضجر، ولكن من كانت الحياة أكبر منه و الَّذي صَغُر شأن نفسه فالحياة تتغلّب عليه، فحينئذ يعيش هذا الإنسان مأيوساً يلعن الآخرين بحجّة أنّهم لم يكونوا في سبيل قضاء حوائجهم!

عَيِّن الصحيح:

- ١ الحياة تواجه أبناء البشر مواجهة متشابهة!
- ٢ مقدار المصاعب يتساوى في جميع أبناء البشر!
- ٣ الرخوة و النزول و الصعود ممّا لا حيلة منها أبداً!
- ٤ المأیوس يعيش و هو يفكر في قضاء حوائج الآخرين!

سراسری-ریاضی-١٤٠٠

عَيِّن الصحيح:

- ١ إنّ النزول و الصعود من أسباب الإنسان المثاليّ للوصول إلى المجد!
- ٢ من كانت نفسه متسعة فلا يرى المصاعب إلّا في طريقه فقط!
- ٣ لا مصاعب إلّا في طريق الإنسان المأیوس!
- ٤ لا يشعر بالسوء من يقبل الحياة بما فيها!

سراسری-ریاضی-١٤٠٠

من هو الإنسان الَّذي مرافقه النَّصر و الظفر؟ عَيِّن الخطأ:

- ١ من تتغلّب الحياة عليه!
- ٢ من لا يرى الحياة بوجه واحد فقط!
- ٣ من لا يفكر فقط بوقوع ما يحبّه!
- ٤ من يرى أنّ النشاط هو من السنن الإلهيّة!

سراسری-ریاضی-١٤٠٠

عَيِّن ما هو الانسب للعبارة التالية:

«إنّ المصاعب الّتي تقع في سبيل الطالب هي الّتي تقع في سبيل الآخرين».

- ١ النَّجاح وقّف على من لا ينام!
- ٢ لعلّ العسر يُصبح يُسراً في الغد!
- ٣ الدّهر يومان يوم لك و يوم عليك!
- ٤ الدّنيا محفوفة بالبلايا! (محفوفة: مستورة)

سراسری-ریاضی-١٤٠٠

۱۰۰ عین الخطا في الإعراب و التحليل الصرفي:
«كانت»:

- ۱ فعل ماضٍ - للمفرد المؤنث الغائب / من الأفعال الناقصة، بمعنى «بود»
- ۲ فعل ماضٍ - للمفرد المؤنث / فعلٌ من الأفعال الناقصة، و الجملة جواب شرط
- ۳ ماضٍ - للمفرد - حروفه الأصلية ثلاثة / فعل من الأفعال الناقصة، بمعنى «بود»
- ۴ ماضٍ - للمؤنث - له ثلاثة حروف أصلية / من الأفعال الناقصة، و الجملة شرطية

سراسری-ریاضی-۱۴۰۰

۱۰۱ عین الخطا في الإعراب و التحليل الصرفي:
«صَغُرَ»:

- ۱
- ۲ فعل ماضٍ - له حرف زائد و مصدره «تصغير» على وزن تفعیل / فعل و فاعل، و الجملة فعلية
- ۳
- ۴

سراسری-ریاضی-۱۴۰۰

۱۰۲ عین الخطا في الإعراب و التحليل الصرفي:
«الطالب»:

- ۱ مفرد مذكر - اسم فاعل (فعلة: طَلَبَ) - معرّف بـأل / مضاف إليه للمضاف «سبیل»
- ۲ اسم - مفرد مذكر - اسم فاعل (فعلة: طَلَبَ، و مصدره : مطالبة) / مضاف إليه
- ۳ مفرد مذكر - اسم فاعل (فعلة «طلب» بدون حرف زائد) - معرّف بـأل
- ۴ اسم - مفرد - اسم فاعل (من فعل «طلب» و اسم مفعوله: مطلوب)

سراسری-ریاضی-۱۴۰۰

۱۰۳ عین الصحيح:

- ۱ كان صديقي ألف كتاباً توجد فيه قصصٌ مفيدة: دوستم کتابی تألیف کرد. در آن داستان‌های مفیدی می‌یابی!
- ۲ للاعبی المباراة وقت محدد يجب أداء أعمالهم فيه: بازیکنان مسابقه در وقت مشخص باید کارها را انجام دهند!
- ۳ اللهم إجعلنا ممن يتوبون إليك فتقبلهم: خدایا ما را از کسانی قرار بده که به سوی تو توبه می‌کنند و آن‌ها را می‌پذیری!
- ۴ إن لم يتعایش الناس بعضهم بعضاً فلا سبیل لتقدّم بلدهم: مردم باید با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند تا راهی برای پیشرفت کشورمان بیابند!

سراسری-ریاضی-۱۴۰۰

۱۰۴ «إن ذهبنا من نفس الطريق الذي كنّا نذهب منه من قبل، وصلنا إلى ذلك المكان الذي كنّا نصل إليه دائماً!» عین الأصحّ
للترجمة:

- ۱ اگر از راهی برویم که همیشه می‌رفتیم، به آن مکانی می‌رسیم که قبلاً رسیده‌ایم!
- ۲ اگر از راهی رفتیم که قبلاً رفته بودیم، به همان محلی که دائماً می‌رسیدیم رسیده‌ایم!
- ۳ اگر از همان راهی رفتیم که دائماً رفته بودیم، به آن محلی که همیشه می‌رسیدیم، می‌رسیم!
- ۴ اگر از همان راهی برویم که از قبل می‌رفتیم، به همان مکانی می‌رسیم که همیشه می‌رسیدیم!

سراسری-ریاضی-۱۴۰۰



«لا يزال المرء يُعتبر عالماً مادام يكون في طلب العلم، فإذا ظنَّ أنه أصبح عالماً فقد بدأ جهله!» عيّن الترجمة الصحيحة:

- ۱ انسانی که مادام در طلب علم باشد داناست، پس هرگاه گمان کند که عالم است، جهل او آغاز شده!
- ۲ همیشه انسان داناست تا وقتی که در طلب علم می‌باشد، هر وقت گمان کرد که حتماً دانا است، جهل او آغاز می‌شود!
- ۳ انسان هم‌چنان عالم محسوب می‌شود مادامی که در طلب علم باشد، اما هرگاه گمان کند که دانا شده است، قطعاً جهل او آغاز شده!
- ۴ پیوسته انسان عالم است مادامی که در پی کسب علم می‌باشد، پس وقتی گمان کند که بسیار دانسته، جهلش قطعاً شروع می‌شود!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عیّن الجملة الوصفية:

- ۱ الجبان هو الذي يهرب و يختفي لما يشعر بالخوف!
- ۲ كانت تجري وسط القرية عين تسقي القرية ولكنها قد جفّت الآن!
- ۳ الطائر الكبير الذي يجمع بين صفات الجمل و الطير هو النعامة!
- ۴ أحبُّ أن أستمع إلى صوت أمواج البحر و أنا أمشي على الرمال!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عیّن الصّحيح:

- ۱ إنَّ كظم الغيظ ليس عملاً سهلاً: خشمگین نشدن اصلاً کار آسانی نیست،
- ۲ و لكنك إن تعلم أن هذا أحسن طريق: ولی اگر بدانی این راه بهتر است،
- ۳ لمقابلة من يريد أن يُعْضبك: برای روبه‌رو شدن با کسی که عصبانیت تو را می‌خواهد،
- ۴ تقدر أن تُراقب نفسك أسهل: راحت‌تر می‌توانی خودت را مواظبت کنی!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«ذات يوم كنّا نمشي في الطبيعة متحيرين، فجأة رأينا صخرة قد أحدثت فيها قطرات الماء ثقباً!» عيّن الترجمة الصحيحة:

- ۱ روزی که در طبیعت متحیرانه قدم می‌زدیم، سوراخ صخره‌ای را دیدیم که قطره‌های آب آن را ایجاد کرده بود!
- ۲ روزی در طبیعت متحیرانه راه می‌رفتیم، ناگهان صخره‌ای دیدیم که قطرات آب در آن سوراخی ایجاد کرده بود!
- ۳ یک روز در طبیعت با حیرت قدم می‌زدیم که سوراخی در صخره‌ای دیدیم که قطره‌های آب در آن ایجاد کرده بود!
- ۴ یک روز که در طبیعت سرگردان راه می‌رفتیم پس صخره‌ای را مشاهده کردیم که قطرات آب در آن سوراخی ایجاد کرده بود!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی



﴿رَبَّنَا؛ إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ ...﴾ عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةُ لِلآيَةِ الْكَرِيمَةِ: ۱۰۹

۱ ای خدای ما؛ ما ندا را شنیدیم که برای ایمان آوردن فرا می‌خواند ...!

۲ ای پروردگار ما؛ ما ندائی را شنیدیم که برای ایمان آوردن ندا می‌داد ...!

۳ ای پروردگار ما؛ همانا ما ندادهنده‌ای را شنیدیم که برای ایمان ندا می‌داد ...!

۴ خداوندا؛ قطعاً ما ندادهنده‌ای را می‌شنیدیم که به ایمان فرا می‌خواند ...!

کنکوره‌ای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عَيْنِ الصَّحِيح: ۱۱۰

۱ فلنَعْتَمِدَ عَلَى الْعُقَلَاءِ حَتَّى نَنْتَفِعَ بِعِلْمِهِمْ: ما باید فقط بر عاقلان اعتماد کنیم تا از علم آنان سود برده باشیم!

۲ لِي زَمِيلٌ مُشْتَقٌّ كَثِيرًا لِّزِيَارَةِ الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ: دوست من سخت مشتاق زیارت حرمین شریفین می‌باشد!

۳ مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ ابْتَدَعَ عَنِ الْخَطَا: کسی که قبل از این که سخن بگوید، فکر کرده باشد از خطا دور شده است!

۴ عَلَى الْوَالِدَيْنِ أَنْ لَا يُحْمَلَا أَوْلَادَهُمَا مَا لَيْسَ لَهُمَا طَاقَةٌ بِهِ: والدین باید بر فرزندانشان چیزی را که طاقتش را ندارند تحمیل نکنند!

کنکوره‌ای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«إِنْ لَمْ يَكُنْ أَيُّْ خَطَرٍ وَصُعُوبَةٍ فِي اسْتِخْرَاجِ النَّفْثِ لَقَدْ أَصْبَحَ سَعْرُهُ رَخِيصًا جَدًّا!»: ۱۱۱

۱ اگر هیچ‌گونه خطر و سختی در استخراج نفت نباشد بهای آن بسیار ارزان می‌شود!

۲ چنان‌چه هیچ خطر و سختی در استخراج نفت نباشد قیمتش خیلی پایین‌تر می‌آید!

۳ اگر هیچ خطر و سختی در خارج کردن نفت نبود قیمت آن خیلی ارزان‌تر می‌شد!

۴ چنان‌چه هیچ‌گونه خطر و سختی‌ای در خارج کردن نفت نبود بهایش بسیار پایین می‌آمد!

کنکوره‌ای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«أَلَمْ تَعْلَمْ مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَنَا مِنَ الثَّوَابِ الْكَثِيرِ فِي مُحَارَبَةِ الظَّالِمِينَ!»: عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةُ: ۱۱۲

۱ آیا ثواب فراوانی را که خداوند در مبارزه با ستمکاران برای ما آماده کرده، نمی‌دانی!

۲ آیا آن‌چه را خداوند برای ما از ثواب بسیار در جنگ با ظالمان فراهم کرده است، ندانستی!

۳ آیا او هر آن‌چه از پاداش بسیار را که خداوند برای ما در جنگ با ظالمان تدارک دیده، نمی‌داند!

۴ آیا تو پاداش فراوانی که در جهان با ستمکاران از جانب خداوند برایمان آماده شده را درک نکردی!

کنکوره‌ای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَعَادِلُ لِلْمُضَارَعِ الْإِلْتِزَامِي الْفَارِسِي: ۱۱۳

۱ يُحَذِّرُ الشَّرْطِيُّ الْمَسَافِرِينَ أَلَّا يَقْتَرِبُوا مِنَ الْأَمَاكِنِ الْخَطَرَةِ!

۲ يَا أَصْدِقَاءَ؛ يَجِبُ أَنْ تَكُونُوا مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ حَتَّى لَا تَيَأْسُوا!

۳ يَا أَيُّهَا الْأَطْفَالُ؛ لَا تَقْرَبُوا مِنْ هَذِهِ الْحَفْرَةِ لِأَنَّهَا خَطَرَةٌ!

۴ يَجْتَمِعُ التَّلَامِيذُ مَعَ مَعْلَمِيهِمْ يَوْمِيًّا لِيَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ!

سراسری-هنر-۹۹



«هناك مفردات في كل لغة قد دخلت فيها من اللغات الأخرى و قد أصبحت كلمات لها معانٍ جديدة!»:

- ۱ در هر زبان لغتهایی است که از دیگر زبانها در آن وارد شده و معانی جدیدی برای آن ایجاد کرده است!
- ۲ واژه‌هایی در هر زبان موجود است که از دیگر زبانها داخل آن شده و معانی جدیدی بر آن افزوده است!
- ۳ در هر زبانی کلماتی وجود دارد که از زبانهای دیگر وارد آن شده و واژگانی با معانی جدید شده‌اند!
- ۴ کلماتی در هر زبان وجود دارد که از زبانهای دیگر داخل آن شده، و معانی دیگری یافته است!

سراسری-هنر-۹۹

۱۱۵ «ليس من الضروري أن يكون لديك أصدقاء كثيرون لتُصبح ذا شخصيّة معروفة عند الناس!» عین الترجمة الصحيحة:

- ۱ نیازی نیست که در کنار تو دوستان زیاد باشند برای این که آنها دارای یک شخصیت شناخته شده نزد مردم باشند!
- ۲ نیازی به این نیست که دوستان تو فراوان باشند تا این که دارای شخصیت شناخته شده‌ای نزد مردم باشی!
- ۳ ضروری این نیست که دوستانت زیاد باشند تا تو هم صاحب شخصیتی شهیر بین مردم شوی!
- ۴ ضروری نیست که دوستان بسیاری داشته باشی تا دارای شخصیت معروفی نزد مردم شوی!

سراسری-هنر-۹۹

۱۱۶ عین الوصف غير جملة:

- ۱ شاهدنا صباح اليوم مطراً لا نشاهد مثله في الصيف إلا قليلاً!
- ۲ يصل الآن مسافرٌ بهذا القطار تعرفه أنت جيداً و تحبه كثيراً!
- ۳ في يومٍ سمعتُ جملةً من معلّمي غيّرت طريقة حياتي!
- ۴ كأنّ الدنيا تختبرنا بمصائبها الصّعبة في الحياة!

سراسری-زبان خارجی-۹۹

۱۱۷ عین الخطأ:

- ۱ كان هذا الطّلاب يهتمّ بعلم المنطق: این دانشجو به علم منطق عنایت ورزیده است،
- ۲ فألّف كتباً قيّمة في هذا المجال: پس کتابهای ارزشمندی در این زمینه تألیف کرد،
- ۳ و ترجمها إلى اللّغات الأجنبية حتّى يستفيد منها الآخرون: و آنها را به زبانهای بیگانه ترجمه کرد تا دیگران از آنها استفاده کنند،
- ۴ و قد أصبحت هذه الآثار مرجعاً للعلماء الآخرين حتّى الآن: و این آثار تاکنون منبعی برای دانشمندان دیگر شده است!

سراسری-زبان خارجی-۹۹

۱۱۸ «هو من يقول كلاماً فينساه بعد مدّة، لهذا ليس للنّاس اعتماد عليه!» عین الترجمة الصحيحة:

- ۱ او کسی است که سخنی می‌گوید و بعد از چندی فراموشش می‌کند، لذا مردم اعتمادی به او ندارند!
- ۲ او آن کس است که سخنی می‌گوید سپس فراموشش می‌کند، پس مردم هیچ اعتمادی به او ندارند!
- ۳ او کسی است که سخن را می‌گوید و پس از زمانی آنرا فراموش می‌کند، لذا نزد مردم هیچ اعتمادی بر او نیست!
- ۴ او همان است که سخن را می‌گوید اما بعد از مدتی آنرا به فراموشی می‌سپارد، پس اعتمادی بر او نزد مردم نیست!

سراسری-زبان خارجی-۹۹



۱۱۹ «امروز کتابی خریدم که قبلاً آن را دیده بودم!» عین التعریب الصحيح:

- ۱ هذا يوم اشتریت الكتاب و رأیت قبل هذا!
- ۲ اشتریت اليوم کتاباً قد رأیته من قبل!
- ۳ هذا اليوم اشتریت کتاباً رأیت قبل هذا!
- ۴ قد اشتریت اليوم الكتاب و رأیته من قبل!

سراسری-زبان خارجی-۹۹

۱۲۰ «عامل الناس مثلاًماً تُحبُّ أن يُعاملوك، و لا تَكن ذا وجهین!» عین الترجمة الصحيحة:

- ۱ با مردم آن‌طور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند، و دو رو مباش!
- ۲ طوری با مردمان معامله نمای که دوست داری با تو دادوستد شود، پس دو چهره نباش!
- ۳ با مردم همان‌طور معامله کنی که دوست داشته‌اید با شما عمل کنند، پس از دورویان نباشید!
- ۴ به گونه‌ای با مردم رفتار کنید که دوست می‌دارید با شما رفتار شود، و دارای دو چهره باشید!

سراسری-زبان خارجی-۹۹

۱۲۱ عین الترجمة الصحيحة:

«كان ذلك العالمُ يُمضي أوقاته بالمطالعة و الدّراسة و لا یبتعد عن النّشاط لحظةً على رغم الطّروف القاسية!»:

- ۱ تمام وقت آن عالم در مطالعه و پژوهش می‌گذشت، و با وجود شرایط سخت یک لحظه از فعالیت دور نمی‌شد!
- ۲ آن دانشمند اوقات خود را به مطالعه و تحقیق می‌گذراند و با وجود شرایط سخت، لحظه‌ای از فعالیت دور نمی‌شد!
- ۳ وقت آن دانشمند به مطالعه و تحقیق می‌گذشت، در حالی‌که علی‌رغم شرایط سخت لحظه‌ای از کار دور نمی‌شود!
- ۴ آن عالم اوقاتش را در مطالعه و پژوهش می‌گذراند، در حالی‌که علی‌رغم شرایط سخت حتی یک لحظه از کار دور نمی‌شود!

سراسری-زبان خارجی-۹۹

۱۲۲ «لم یکن الکفار یظنون أنّ الله یقدر أن یجمع عظام الإنسان بعد موته!» عین الترجمة الصحيحة:

- ۱ گمان کفار این نبود که خدا قادر به جمع‌آوری استخوان‌های انسان بعد از مرگش است!
- ۲ کافران تصوّر نمی‌کنند که خداوند قادر است استخوان انسان را بعد از مرگ او گرد آورد!
- ۳ کفار گمان نمی‌کردند که خداوند می‌تواند استخوان‌های انسان را بعد از مرگش جمع‌آوری کند!
- ۴ کافران تصوّر نکردند که خداوند است که بعد از مرگ انسان استخوانش را گراوری کرده است!

سراسری-انسانی-۹۹

۱۲۳ «كان في المسجد جماعتان، جماعة یتفقّهون و جماعة یدعون الله و یسألونه!» عین الصحيح في الإعراب و التحلیل الصرفي:

- ۱ یتفقّهون: مضارع - مزید ثلاثی (من باب تفعیل) / فعلٌ و مع فاعله جملةٌ فعلیة
- ۲ یسألون: فعل مضارع - مزید ثلاثی (من باب إفعال) / فعلٌ و مع فاعله جملةٌ فعلیة
- ۳ جماعتان: اسم - مثنی مؤنث - نكرة - معرب / اسم «كان» من الأفعال الناقصة و مرفوع بالألف
- ۴ المسجد: اسم - مفرد مذکر - اسم مکان (من فعل مزید ثلاثی و مصدره «سجد») - معرّف بأل / مجرور به حرف «فی»

سراسری-انسانی-۹۹



«دانشمندان از شناختن راز آن پدیده‌ی عجیب ناامید شدند!». عین الصّحیح:

- ۱ یئس العلماء من معرفة سرّ تلك الظاهرة العجيبة!
- ۲ قد ئیس علماء من علم السرّ لتلك الظاهرة العجيبة!
- ۳ أیس العلماء من التعرّف على هذه الظاهرة العجيبة!
- ۴ أصبح العلماء في یأس من تعارف لهذه الظاهرة العجيبة!

سراسری-انسانی-۹۹

عین الصّحیح:

- ۱ نزل المطرُ على الأراضي التي كان لها إغبار و صيّرها خَصرة: باران بر زمین‌هایی که غبار آلودگی داشت فرو ریخت و آن‌ها سرسبز شدند!
- ۲ شقّ المهندسون الجبالَ و جهّزوا لنا طريقاً إلى شمال البلاد: مهندسان کوه‌ها را بشکافتند و برای ما راه شمال کشور را باز کردند!
- ۳ زانت أُمّی غفرتي بأنجم ورقية جميلة لحفلة ميلادي: مادرم به خاطر جشن تولدم، با ستاره‌های کاغذی اتاقم را به زیبایی زینت داد!
- ۴ نُريد من الله أن يجعل لنا لسانَ الصدق في الآخرين: از خدا می‌خواهیم که برای ما یاد نیکو را در میان آیندگان قرار دهد!

سراسری-انسانی-۹۹

«إستشِر الآخرين فيما لا تعلم و إن كانوا أصغر منك، فإنّ الاستشارة لا تُمَيِّز بين الصغير و بين الكبير!» عین الترجمة الصحيحة:

- ۱ درباره‌ی آنچه نمی‌دانی با دیگران مشورت کن اگر چه کوچک‌تر از تو باشند، چه مشورت کردن بین کوچک و بزرگ جدا نمی‌کند!
- ۲ درباره‌ی هر چه نمی‌شناسی با دیگران مشورت کن اگر چه آن‌ها از تو کوچک‌تر هستند، مشورت برای کوچک و بزرگ فرق قائل نیست!
- ۳ با دیگران درباره‌ی آنچه نمی‌دانی مشورت کن حتّی اگر آن‌ها کوچک‌تر باشند، زیرا طلب مشورت بین کوچک و بزرگ جدایی قائل نیست!
- ۴ از دیگران درباره‌ی هر چیزی که نمی‌شناسی مشورت بخواه حتّی اگر از تو کوچک‌تر بودند، پس مشورت خواستن میان کوچک و بزرگ فرق نمی‌گذارد!

سراسری-انسانی-۹۹

عین ما فيه «الجملة الوصفية»:

- ۱ إشتري الكتب لتستفيدي منها في دروسك!
- ۲ تأمّل في آثار خلقها الأدباء الأقدمون!
- ۳ إنّها باعث الكتب التي ما كانت تحتاج إليها!
- ۴ ليذهب و يترك البيت الذي سكن فيه سنين!

سراسری-انسانی-۹۹



«إِنَّ كُلَّ مَا فِي أَيْدِينَا الْيَوْمَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ عَارِيَّةٌ، فَلَا تَعْتَمِدْ عَلَيْهِ لِأَنَّهُ يَفُوتُكَ غَدًا!» عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱ هر آنچه امروز در این زندگی در دستان ماست، عاریت است، پس اعتماد بر آن مکن، زیرا فردا از دستت می‌رود!
- ۲ مسلماً امروز هر چه در این دنیا در حضور ماست و دیعتی است، و نباید بر آن اعتماد کنی، زیرا فردا از بین می‌رود!
- ۳ قطعاً آنچه امروز در زندگی‌مان نزد ماست امانت است، که تو نباید بر آن تکیه کنی، زیرا فردا از دست خواهد رفت!
- ۴ تمام آن چیزی که امروزه در حیات در دستان ماست چون عاریه‌ایست که فردا از دست می‌رود، پس بر آن تکیه مکن!

سراسری-انسانی-۹۹

«لَا تُجَادِلْ مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ مَا تَقُولُ!» عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱ مجادله مکن با کسی که گفته‌ی تو را گوش نمی‌دهد!
- ۲ با کسی که به آنچه تو گفتی گوش نکرد، جدال نورز!
- ۳ با کسی که به آنچه تو می‌گویی گوش نمی‌دهد، جدل مکن!
- ۴ مجادله نمی‌کند کسی که به آنچه تو می‌گویی، گوش نمی‌دهد!

سراسری-انسانی-۹۹

- ۱ نحن نعلم أَنَّ نِعَمَ اللَّهِ لَا تُعَدُّ: ما می‌دانیم که نعمت‌های خدا قابل شمارش نیست،
- ۲ حَتَّىٰ إِذَا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ قَدْ وَعَدَنَا عَذَابَهُ أَيْضًا: اگر خدا به ما وعده‌ی عذاب هم ندهد،
- ۳ يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَعْصِيَهُ حَتَّىٰ نَكُونَ شَاكِرِينَ لَأَنْعَمِهِ: بر ما لازم است نافرمانیش نکنیم تا شاکر نعمت‌هایش باشیم،
- ۴ وَ نَجْتَنِبِ الْمَعَاصِيَ لِهَذِهِ النِّعَمِ الْوَافِرَةِ! و به خاطر این نعمت‌های فراوان از گناهان دوری کنیم!

سراسری-ریاضی-۹۹

عَيْنِ الصَّحِيحِ: «لَنْ يَنْسِيَ الْمَسَافِرُونَ مَنَاطِقَ كَانُوا أَمْضَوْا أَحْسَنَ أَوْقَاتِهِمْ فِيهَا!»: مسافران ،

- ۱ مناطقی را که زیباترین وقت‌هایشان را آن‌جا گذرانده بودند، هرگز فراموش نمی‌کنند!
- ۲ آن مناطق را که بهترین وقت‌هایشان در آن‌جا گذرانده می‌شود، فراموش نخواهند کرد!
- ۳ آن مناطق را که بهترین اوقات خود را آن‌جا می‌گذرانند، هرگز فراموش نمی‌کنند!
- ۴ مناطقی را که بهترین اوقات خود را در آن‌جا گذرانده بودند، فراموش نخواهند کرد!

سراسری-ریاضی-۹۹

«كَنْ مُتَكَبِّرًا أَمَامَ مَنْ يَفْتَخِرُ بِأَصْلِهِ وَ نَسَبِهِ، فَإِنَّ شَرَّ الْعَمَلِ، الْهُونَ وَ التَّوَاضُعَ أَمَامَ الْمُتَكَبِّرِ!» عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱ در مقابل کسی که به اصل و نسب خویش می‌بالد متکبر باش، که بدترین کار نرمی و تواضع مقابل متکبر است!
- ۲ در مقابل آنان که به اصل و نسب اجدادشان می‌بالند تکبر داشته باش، که تواضع کردن برابر متکبر بد عملی است!
- ۳ مغرور باش در برابر کسی که افتخارش اصل و نسبش می‌باشد، زیرا بدترین کارها آرامش و تواضع در برابر متکبر است!
- ۴ متکبر باش در مقابل آن‌که به اصل و نسب اجدادش افتخار می‌کند، زیرا نرمش و تواضع مقابل متکبر بد عملی است!

سراسری-ریاضی-۹۹



«كانت شركة عظيمة قد أعلنت قبل مدّة عن بيع عدد من وسائلها الإدارية و سيارتين لا تحتاج إليهما!»:

- ۱ شرکت بزرگی مدّتی قبل اعلام کرد که تعدادی از وسایل اداریش را و دو اتومبیل را که دیگر بدان‌ها نیاز نداشت، می‌فروشد!
- ۲ یک شرکت بزرگ مدت‌ها قبل اعلام فروش بعضی از وسایل اداری خود و دو ماشین که به آن‌ها احتیاج نداشت، منتشر کرد!
- ۳ شرکت بزرگی از مدت‌ها پیش درباره‌ی فروش بعضی وسایل اداری و دو ماشین خود که دیگر بدان‌ها نیاز نداشت، اعلام کرده است!
- ۴ یک شرکت بزرگ مدّتی پیش در مورد فروش تعدادی از وسایل اداری خود و دو اتومبیل که به آن‌ها احتیاج نداشت، اعلام کرده بود!

سراسری-تجربی-۹۹

- ۱ التفکر ساعتین خیر من العبادة ساعاتٍ: مدّت دو ساعت فکر کردن بهتر از ساعاتی از عبادت است!
- ۲ العُقلاء لا یَقْفون ما لیس لهم به علمٌ: انسان‌های عاقل بر چیزی که به آن علمی ندارند، توقّف نمی‌کنند!
- ۳ إِنَّ النَّفْسَ الْمُطْمَئِنَّةَ لَا تَأْخُذُ اطمئنّانها إِلَّا من ربّها: نفس مطمئنّه آرامش از هیچ کس جز از خدا نمی‌گیرد!
- ۴ بعد أن فکّر لحظاتی وَجَدَ المأمَنَ الَّذي کان قد لَجَأَ إِلَيهِ قبل هذا: بعد از این‌که لحظاتی فکر کرد محلّ امنی را که قبل از این به آن پناه برده بود، یافت!

سراسری-تجربی-۹۹

متن زیر را بخوانید و به ۹ سؤال بعدی پاسخ دهید.

يرجع تأريخ التعامل بالنّقد إلى العصر الرومانيّ. فكانت عمليّات البيع و الشراء قبل ذلك بطريقة التّبادل بالمتاع، و هذه الطّريقة لا تخلو من صعوبة و تضيق للوقت، فأصبحت النّقد هي البدل!

و أمّا قيمة النّقد فكانت بالنّسبة إلى وزنها، و هناك في بلاد الرّوم دينارٌ و درهم و نقود أخرى؛ أمّا الدّينار فهو قطعة ذهبية و زنها مثقال، تُضرب عليها صورةُ الملك؛ و الدّرم قطعة من فضّة تختلف أوزانها بين عشرة إلى عشرين قيراطاً، ولكنّ النّقد الأخرى ثمنها أقلّ و جنسها مختلف!

بعد مدّة أصبح التعامل بالنّقد الروميّة غير رسميٍّ في الدّولة الإسلاميّة، و بعد الخلاف الشّديد بين هاتين الدّولتين ضُربت النّقد الإسلاميّة!

- ۱ ما ضرب المسلمون النّقد، لأنّ الضّرب كان بيد الدّولة الرومانية!
- ۲ كلّ الشّعوب يصنعون نقودهم بسهولة حسب رغبتهم و قدرتهم!
- ۳ إِنَّ الشّعب القويّ هو الَّذي يصنع كلّ ما يحتاج إليه!
- ۴ إذا يستفيد الشّعب من نقود شعب آخر لا تقلّ قدرته!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- ۱ لا تُضرب صورة الملك إلّا على الدّينار!
- ۲ عشرون قيراطاً يساوي مثقالاً من الذهب!
- ۳ لا نجد النّقد إلّا أن تكون ذهبية أو فضية!
- ۴ كان ثمن النّقد الذهبية و الفضية يرتبط بأوزانها!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی



١٣٧ عَيْنِ الْخَطَأِ: تبادل المتاع دون التَّقود صعب لآنهُ

- ١ يأخذ وقتاً طويلاً منّا لتطبيق الأشياء!
- ٢ نشتري الأشياء غير مطلوبة و لا تفيد لنا!
- ٣ لايمكن تعيين ثمن المتاع دقيقاً بواسطة التبادل!
- ٤ يطلب منّا اجتهاداً كثيراً بسبب حجم المتاع و وزنه!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

١٣٨ لماذا ترك المسلمون تعاملهم بالتَّقود الروميّة؟ لأنّ (عَيْنِ الْخَطَأِ):

- ١ التَّقود الإسلاميّة فقدت اعتبارها!
- ٢ المسلمين ضربوا نقوداً خاصّة بهم!
- ٣ هذه التَّقود أصبحت غير رسميّة في الدّولة الإسلاميّة!
- ٤ الخلاف الشّدید قد وقع بين الدّولتين الإسلاميّة و الروميّة!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

١٣٩ عَيْنِ الصّحیح في الإعراب و التحليل الصرفي:
«أصبحت»:

- ١ الغائبة - مزيد ثلاثي (من وزن «أفعل») - معرب / من الأفعال الناقصة، اسمه «النقود»
- ٢ ماضي - للغائبة - حروفه الأصلية: ص - ح - ب / اسمه «النقود» و هو مرفوع، و خبره «البدیل»
- ٣ فعل ماضي - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - مبني / فعل من الأفعال الناقصة، اسمه «النقود»
- ٤ للمخاطب - مزيد ثلاثي من باب إفعال - مبني / فعل من الأفعال الناقصة، اسمه «النقود» مرفوعاً

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

١٤٠ عَيْنِ الصّحیح في الإعراب و التحليل الصرفي:
«نُضْرَبَ»:

- ١ للغائبة - مجرد ثلاثي - لازم - معلوم - معرب / نائب فاعله المرفوع «صورة»
- ٢ فعل مضارع - للمخاطبة - متعدّد - معرب / نائب فاعله «صورة» و الجملة فعلية
- ٣ مضارع - للغائبة - مجرد ثلاثي - مجهول - معرب / فعل و نائب فاعله «صورة»
- ٤ فعل مضارع - للمخاطب - متعدّد - مجهول / فعل و نائب فاعله «صورة» و الجملة فعلية

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

١٤١ عَيْنِ الصّحیح في الإعراب و التحليل الصرفي:
«مُخْتَلِفٌ»:

- ١ مفرد مذكّر - اسم فاعل (فعله: اختلف، و حروفه الأصلية: خ ف ل / خبر للمبتدأ «جنس»
- ٢ اسم - مفرد مذكّر اسم فاعل (فعله: اختلف، على وزن افتعل) - معرب / خبر و مرفوع
- ٣ اسم فاعل (مصدره اختلاف، من باب افتعال) - معرفة - معرب / خبر و مرفوع
- ٤ مفرد مذكّر - اسم فاعل (مصدره: اختلف) - مبني / خبر للمبتدأ «جنس»

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

١٤٢ عَيْنِ الْخَطَأِ في التشكيل:

«كانت عمليات البيع و الشراء قبل ذلك بطريقة التبادل بالمتاع»:

- ١ كَانَتْ - قَبْلَ - ذَلِكَ
- ٢ طَرِيقَةُ - التَّبادُلِ - المَتَاعِ
- ٣ البَيْعِ - الشَّرَاءِ - قَبْلَ
- ٤ عَمَلِيَّاتِ - البَيْعِ - الشَّرَاءِ

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۱۴۳ عَيْنِ الْخَطْأِ فِي التَّشْكِيلِ:

«بعد مَدَّة أصبح التعامل بالنقود الرومية غير رسمي في الدولة الاسلامية!»:

۱ بَعْدَ - أَصْبَحَ - غَيْرَ ۲ مُدَّةٌ - أَصْبَحَ - التَّقْوِدُ

۳ رَسْمِيٌّ - الدَّوْلَةُ - الإِسْلَامِيَّةُ ۴ التَّعَامُلُ - التَّقْوِدُ - الرُّومِيَّةُ

کنکورهای خارج از کشور - سراسری - انسانی

متن زیر را بخوانید و به ۹ سؤال بعدی پاسخ دهید:

يَعِيشُ الْغُرَابُ فِي تَجَمُّعَاتٍ كَبِيرَةٍ وَ تَجْتَمِعُ أَفْرَادُهَا عَلَى عِدَدٍ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُتَقَارِبَةِ لِدَفْعِ الْإِسَاءَةِ وَ التَّعَدِّيِّ عَلَى مَمْلَكَتِهَا لِأَنَّهَا طَيُورٌ ضَعِيفَةٌ فِي مَقَابِلَةِ الْأَعْدَاءِ!
إِذَا مَرَضَ أَحَدُهَا وَ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الطَّيْرَانِ، تُرَاقِبُهُ بَقِيَّةُ الْغُرَبَانِ (جِ غُرَابٍ) فَبَعْدَ مَوْتِهِ تَدْفِنُهُ خَوْفًا مِنْ اِنْتِشَارِ مَرَضِهِ! وَ تَعَلَّمُ الْإِنْسَانُ دَفْنَ الْأَمْوَاتِ مِنَ الْغُرَابِ كَمَا ذُكِرَتْ قِصَّتُهَا الْمَشْهُورَةُ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ!
يَجْمَعُ الْغُرَابُ قِطْعَاتِ الْخُبْزِ ثُمَّ يَرْمِيهَا فِي النَّهْرِ، وَ عِنْدَمَا تَتَجَمَّعُ الْأَسْمَاكُ حَوْلَهَا يَصِيدُهَا بِمَنْقَارِهِ، وَ هَكَذَا يَظْهَرُ لَنَا أَنَّ الْغُرَابَ طَائِرٌ ذَكِيٌّ!

۱۴۴ عَيْنِ الصَّحِيحِ: الْغُرَابُ شَبِيهِ الْإِنْسَانِ لِأَنَّهُ

۱ يَتَجَمَّعُ لِكَسْبِ التَّجَارِبِ! ۲ يَعِزُّمُ عَلَى تَدْفِينِ الْمَرِيضِ!

۳ يَمْنَعُ مِنْ اِنْتِشَارِ الْأَمْرَاضِ! ۴ كَانَ مَأْمُورًا لِتَعْلِيمِ الْإِنْسَانِ تَدْفِينِ أَمْوَاتِهِ!

کنکورهای خارج از کشور - سراسری - ریاضی

۱۴۵ عَيْنِ الْخَطْأِ:

۱ يَصْنَعُ كُلَّ غُرَابٍ عَشَّةً عَلَى شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ! ۲ تَتَجَمَّعُ الضَّعَفَاءُ مِنَ الْغُرَبَانِ مَعًا لِضَعْفِهَا!

۳ إِنَّ لَمْ يَقْدِرِ الْغُرَابُ عَلَى الطَّيْرَانِ يُمْكِنُ أَنْ يَمُوتَ! ۴ إِنَّ الْعَدُوَّ يَخَافُ مِنْ اجْتِمَاعِ الْغُرَبَانِ وَ التَّعَدِّيِّ عَلَيْهَا!

کنکورهای خارج از کشور - سراسری - ریاضی

۱۴۶ عَيْنِ الْخَطْأِ: إِنَّ الْغُرَابَ ذَكِيٌّ لِأَنَّهُ

۱ يَأْكُلُ السَّمَكُ! ۲ يَدْفِنُ الْمَيِّتَ! ۳ يَسْتَخْدِمُ الْخُبْزَ كَطَعْمَةٍ! ۴ يَسْتَخْدِمُ الْحِيلَةَ لِلصَّيْدِ!

کنکورهای خارج از کشور - سراسری - ریاضی

۱۴۷ عَيْنِ الصَّحِيحِ: إِنَّ الْغُرَابَ يَدْفِنُ الْغُرَابَ

۱ لِيَدْفَعَ الْإِسَاءَةَ وَ التَّعَدِّيَّ عَنْ مَمْلَكَتِهِ! ۲ لِأَنَّهُ قَوِيٌّ وَ يَفْعَلُ مَا يَرِيدُ!

۳ لِلْوَقَايَةِ مِنْ إِشَاعَةِ الْأَمْرَاضِ الْمُتَعَدِّدَةِ! ۴ لِأَنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ بِسَبَبِ مَرَضِهِ!

کنکورهای خارج از کشور - سراسری - ریاضی

۱۴۸ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«ذُكِرَتْ»:

۱ مَجْرَدٌ ثَلَاثِي (حُرُوفُهُ الْأَصْلِيَّةُ: ذ ك ر) / فَاعِلُهُ «قِصَّةٌ» وَ الْجُمْلَةُ فَعْلِيَّةٌ

۲ لِلْمُخَاطَبَةِ - مَجْرَدٌ ثَلَاثِي - مَجْهُولٌ / فَعْلٌ وَ مَعَ نَائِبِ فَاعِلِهِ جُمْلَةٌ فَعْلِيَّةٌ

۳ فَعْلٌ مَاضٍ - لِلْمُخَاطَبِ - مَجْهُولٌ / مَعَ فَاعِلِهِ الْمَحْذُوفِ، جُمْلَةٌ فَعْلِيَّةٌ

۴ فَعْلٌ مَاضٍ - لِلْغَائِبَةِ / فَعْلٌ وَ فَاعِلُهُ مَحْذُوفٌ، وَ الْجُمْلَةُ فَعْلِيَّةٌ

کنکورهای خارج از کشور - سراسری - ریاضی

۱۴۹ عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:
«تَتَجَمَّعُ»:

- ۱ مضارع - للمخاطب - معلوم / فاعله «الأسماء» و الجملة فعليَّة
- ۲ مزيد ثلاثي - للمخاطبة - معلوم / فاعله «الأسماء» و الجملة فعليَّة
- ۳ للغائبة - مزيد ثلاثي (مصدره: تَجَمَّع) / فعل و فاعله «أسماء» و الجملة فعليَّة
- ۴ فعل مضارع - للغائبة - مزيد ثلاثي (مصدره: تجميع) / فعل و مع فاعله الجملة فعليَّة

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

۱۵۰ عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:
«المشهوة»:

- ۱ مفرد مؤنث - اسم مفعول (مصدره: اشتها) - معرّف بأل / مضاف إليه للمضاف ضمير «ها»
- ۲ اسم - مفرد مؤنث - اسم مفعول (حروفه الأصلية: ش ه ر) / صفة للموصوف «قصة»
- ۳ مفرد مؤنث - اسم مفعول (مصدره: شهرة) - معرّف بأل / صفة للموصوف ضمير «ها»
- ۴ اسم - مفرد مؤنث - اسم مكان (من فعل «شهر») / صفة للموصوف «قصة»

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

۱۵۱ عین الخطأ في التشكيل:

«يعيش الغراب في تجمعات كبيرة و تجتمع أفرادها على عدد من الأشجار المتقاربة!»:

- ۱ الغُراب - كَبِيرَة - الأشجار
- ۲ يَعِيشُ - الغُرابُ - تَجْمُعات
- ۳ كَبِيرَة - الأشجار - المُتقاربة
- ۴ تَجْتَمِعُ - أَفراد - عَدَد

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

۱۵۲ عین الخطأ في التشكيل:

«إذا مرض أحدها و لم يقدر على الطيران، تراقبه بقية الغربان فبعد موته تدفنه!»:

- ۱ أَحَدُها - يَقْدِرُ - الطَّيْران
- ۲ مَرَضَ - أَحَدُها - يَقْدِرُ
- ۳ الطَّيْران - تُراقِبُه - تَدْفِنُ
- ۴ تُراقِبُه - بَعْدَ - مَوْتَه

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

۱۵۳ عین النعت جملةً:

- ۱ إجتنب الغدر و هو ليس صفة محمودة!
- ۲ أنزل على أهل مدين عذاب هدم حياتهم!
- ۳ ممرضة هذه المريضة تسهر طول الليل لمراقبتها!
- ۴ كل مكانة علمية رفيعة ما اكتسبت إلا بالجد و الصبر!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۱۵۴ عین الصحيح في المقصود من العبارة التالية: «يكاد يكون زميلي شاعراً عظيماً»:

- ۱ هو الآن كذلك شاعرٌ عظيم!
- ۲ إمكانية حصول الشاعرية صعبٌ جداً!
- ۳ هو عن قريب يُصبح شاعراً عظيماً!
- ۴ يُريد أن يُصبح شاعراً لكنّه لا يستطيع!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی



- ۱ هل عملتَ حتّى الآن عملاً يُثير إعجاب الآخرين: آیا تاکنون کاری انجام داده‌ای که تحسین دیگران را برانگیزد،
- ۲ هناك معوّقون يعملون أعمالاً عجیبة و هم یواجهون مشاكل: معلولانی وجود دارند که با وجود روبه‌رو شدن با مشکلات کارهای عجیبی انجام داده‌اند،
- ۳ إنّ الطّفل الذی صار أعمى تظنّ أنّه لن یقدر أن یعمل عملاً: کودکی که کور شده گمان می‌کنی که نخواهد توانست کاری انجام دهد،
- ۴ ولکنّا عندنا عُمی قد حصلوا على جوائز کبيرة! ولیکن ما نابینایانی داریم که جایزه‌های بزرگی را به دست آورده‌اند!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- ۱ من یحبّ الله و خدمة عباده له سکينة لا تُشاهد في الآخرين: کسی که خدا و خدمت به بندگان را دوست دارد آرامشی دارد که در دیگران مشاهده نمی‌شود!
- ۲ من یتعلّم حتّى یُعَلِّم الآخرين و ینفعهم فلا شکّ هو الأفضل: کسی که دانش فرا می‌گیرد تا به دیگران یاد بدهد و به آنان سود برساند بی‌شک او برترین است!
- ۳ جعل الله فینا منادیاً لنبتعد عن المعاصي و إن لا نستطیع أن نسمعه: خدا در ما منادی را قرار داد تا از گناهان دور شویم اگر چه گوش ندهیم!
- ۴ کُن متفائلاً حتّى یزید رجاؤک و ترى فُرص الخیر: خوش‌بین باش تا امید تو افزون شود و فرصت‌های خوب را ببینی!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- ۱ الصيدلي: مکان یذهب المرضى إليه لشراء الأدوية!
- ۲ مكيف الهواء: وسیلة لتبريد و تنظيف الهواء في فصل الصيف!
- ۳ البقاع: قطعات من السحاب ينزل منها المطر في فصل الشتاء!
- ۴ البطاقة البريديّة: نحتاج إليها عند السّفر بالحافلة أو القطار أو الطائرة!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- ۱ قد دخلت آلاف الكلمات المعرّبة من اللّغات الأخرى في اللغة العربيّة! هزاران کلمات معرّب از زبان‌های دیگر به زبان عربی وارد شده است!
- ۲ من ظنّ أنّه قد فاز في الدّنيا بقول الكذب فهو الخاسر: کسی که گمان کند در دنیا با گفتار دروغ پیروز شده است، اوست زیانکار!
- ۳ إنّ السّمکات کانت تتساقط من السّماء على الأرض كقطرات الماء: ماهیان چون قطرات آب از آسمان بر زمین می‌افتادند!
- ۴ إنّ المتشائمين لا یحصلون من الحوادث إلّا على تعبٍ: بدبینان، از حوادث فقط رنج را دریافت خواهند کرد!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی



«كان الطالب النّاجح يُحصي أعماله الحسنة لأصدقائه و هو يذكر مشاكل كان قد تخلّص منها!» عيّن الترجمة الصحيحة:

- ۱ دانش‌آموزی که موفق بود کارهای خوبش را برای دوستانش می‌شمرد حال آن‌که مشکلاتی را که از آن‌ها خلاص شده بود بیان می‌کرد!
- ۲ دانش‌آموز موفق کارهای خوبش را برای دوستانش می‌شمرد در حالی‌که مشکلاتی را که از آن‌ها رهایی یافته بود بیان می‌کرد!
- ۳ دانش‌آموز موفق که کارهای خوبش را برای دوستانش می‌شمرد مشکلاتی را که از آن‌ها رهایی یافته بود بیان می‌کرد!
- ۴ دانش‌آموز موفق کارهای خوبش را برای دوستانش شمرده مشکلات رها شده از آن‌ها را بیان کرده بود!

کنکورهای خارج از کشور - سراسری - انسانی

عيّن جملة وصفية في محل إعراب الرفع:

- ۱ قولوا حقاً يُغضب أهل الباطل غضباً!
- ۲ أعيش الآن في راحة لا أريد أن أفقدها!
- ۳ أتحمّل مشقّات تكون في مسير تقدّمي في الحياة!
- ۴ قد تنزل من السّماء نعمةً جاهرة لم نشاهدها من قبل!

سراسری - انسانی - ۹۸

- ۱ إنّ صداقة العاقل كالجزّة الأثريّة الثمينة: دوستی با عاقل مانند کوزه‌ی باستانی با ارزش است،
- ۲ لا تطرحها بعيداً و إنّ كانت مكسورة: حتّی شکسته شده‌ی آن‌را هم دور نمی‌اندازیم،
- ۳ حفظ الأشياء القيّمة من أعمال العقلاء: نگهداری اشیاء گرانبها از کارهای عاقلان است،
- ۴ فلا نفقد العاقل في الظروف المختلفة: پس عاقل را نباید در شرایط مختلف از دست بدهیم!

سراسری - انسانی - ۹۸

الَّذِي مازال يتعبّد ولكن لا يتكفل معاش أهله فهو لم يعبد الله أبداً! عيّن الترجمة الصحيحة:

- ۱ آن‌که عبادتی پیوسته کند و اما معیشت اهلیش را برعهده نگیرد، پس هرگز خدا را عبادت نمی‌کند!
- ۲ آن‌که پیوسته عبادت می‌کند اما خرج خانواده‌اش را برعهده نمی‌گیرد، خدا را اصلاً عبادت نمی‌کند!
- ۳ کسی‌که پیوسته عبادت کند ولی معاش خانواده‌ی خود را به عهده نگیرد، هرگز خدا را عبادت نکرده است!
- ۴ کسی‌که عبادت می‌کند پیوسته ولیکن عهده‌دار مخارج خانواده نیست، پس او خدا را ابداً عبادت نکرده است!

سراسری - انسانی - ۹۸

عيّن الترجمة الصحيحة:

«قرأت كتاباً مؤلّفه لم يكن قادراً على تحريك يده ولكنّه يرسم و يُنشِد و يُؤلّف!»: كتابی خواندم كه

- ۱ مؤلّفش قادر نبود دستش را حرکت دهد ولی نقاشی هم می‌کرد و شعر می‌سرود و تألیف می‌کرد!
- ۲ نویسنده‌ی آن قادر به حرکت دادن دستش نبود ولیکن نقاشی می‌کرد و شعر می‌سرود و تألیف می‌کرد!
- ۳ نویسنده‌اش توان حرکت دادن دست خود را ندارد ولی نقاشی می‌کند و شعر می‌سراید و تألیف می‌کند!
- ۴ مؤلّف آن نمی‌توانست دست خویش را حرکت دهد ولیکن نقاشی هم می‌کند و شعر می‌سراید و تألیف می‌کند!

سراسری - انسانی - ۹۸



۱۶۴ «إِنْ سَمِعْتَ كَلَاماً تَعْلَمُهُ فَهُوَ تَذَكُّرٌ، وَ إِنْ لَا تَعْلَمُهُ فَفَكَّرْ فِيهِ!» عَيْنَ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱ اگر سخنی را شنیدی که آنرا می‌دانی پس آن تذکر است، و اگر نمی‌دانی پس درباره‌ی آن فکر کن!
- ۲ هرگاه سخنی را شنیدی که می‌دانستی پس آن تذکر بوده است، و اگر نمی‌دانی پس در مورد آن بیاندیش!
- ۳ اگر کلامی را گوش دادی که آنرا می‌دانستی پس آن تذکری است، و اگر نمی‌دانستی پس فکرش را بکن!
- ۴ هرگاه به سخنی گوش دادی که آنرا می‌دانی پس آن تذکری بوده است، و اگر نمی‌دانی پس درباره‌اش بیاندیش!

سراسری-انسانی-۹۸

۱۶۵ «بَا أَحْمَقُ مَجَادِلُهُ مَكْنٌ زَيْرًا شُنُونْدُكًا لَا يَتَوَانَدُ فَرْقَ بَيْنِ تَوٍ وَ أَحْمَقٍ رَا دَرْكُ كُنَنْد!» عَيْنَ التَّعْرِيبِ الصَّحِيحِ:

- ۱ لَا تُكَلِّمِي الْحُمُقَى لِأَنَّ الْمُسْتَمْعَاتَ لَا يَقْدِرُونَ أَنْ يَفْهَمُوا الْفَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُنَّ!
- ۲ لَا تُجَادِلِ الْأَحْمَقَ لِأَنَّ الْمُسْتَمْعِينَ لَا يَقْدِرُونَ أَنْ يُدْرِكُوا الْفَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنِ الْأَحْمَقِ!
- ۳ لَا تُجَادِلِي الْحُمُقَى لِأَنَّ الْمُسْتَمْعَاتَ مَا قَادِرِينَ أَنْ يَعْرِفُوا الْفَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنِ الْأَحْمَقِ!
- ۴ لَا تُكَلِّمِ الْأَحْمَقَ مَجَادِلَةً لِأَنَّ الْمُسْتَمْعِينَ لَيْسُوا بِقَادِرٍ أَنْ يَعْرِفُوا الْفَرْقَ بَيْنَكَ وَ الْأَحْمَقِ!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

۱۶۶ عَيْنَ مَا فِيهِ إِلَهِي عَنِ الْقِيَامِ بِالْعَمَلِ:

- ۱ لَا نَجَاحَ وَ لَا فَوْزَ لِمَنْ يُرِيدُهُمَا بِلَا جَهْدٍ وَ عَمَلٍ!
- ۲ لَا حِيلَةَ لَنَا إِلَّا التَّمَسُّكُ بِالْعَمَلِ وَ الْإِلْتِمَازُ بِالْعَهْدِ!
- ۳ لَا تَبْلُغُونَ بِأَقْوَالِكُمْ أَمَالَكُمْ، فَإِنَّ الْهَمَّةَ دَوَاؤُكُمْ!
- ۴ لَا تَغْتَرَّزُوا بِمَا لَدَيْكُمْ، فَرَبَّمَا يَزُولُ فِي لَحْظَةٍ!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

۱۶۷ عَيْنَ الْخَطِّ فِي صِيغَةِ الْمُضَارَعِ:

- ۱ رَأَيْتُ زُمْلَائِي مَأْيُوسِينَ فَقُلْتُ لَهُمْ لَا تَيَاسُوْنَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ!
- ۲ تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامَجِهِمْ!
- ۳ إِنَّهُمْ خَرَجُوا مِنْ دَارِهِمْ لِيَذْهَبُوا إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ أَنْتُمْ لَمْ تَخْرُجُوا حَتَّى الْآنَ!
- ۴ إِنَّهُمْ خَرَجَ مِنْ دَارِهِمْ كَيْ يَذْهَبَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ أَنْتُمْ لَمْ تَخْرُجَ حَتَّى الْآنَ!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

۱۶۸ «إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ أَشْهُرِ مُسْتَشْرِقِي الْقَرْنِ الْعَاشِرِ الْهَجْرِيِّ، وَ كَانَتْ تَقْدَرُ أَنْ تُقْلِيَ مُحَاضَرَاتِهَا الْعِلْمِيَّةَ بِأَكْثَرِ مِنْ خَمْسِ لُغَاتٍ عَالَمِيَّةٍ!» عَيْنَ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱ همانا او مشهورترین خاورشناس در قرن دهم هجری بود، و قادر بود به بیش از پنج زبان جهانی سخنرانی علمی ایراد کند!
- ۲ وی حقیقتاً مشهورترین خاورشناس سده‌ی دهم هجرت بوده که به بیش از پنج زبان بین‌المللی می‌توانست سخنرانی علمی کند!
- ۳ وی بی‌گمان از مستشرقان مشهور در سده‌ی دهم هجرت بود، و قدرت داشت به بیش از پنج زبان در جهان سخنرانی‌های علمی کند!
- ۴ قطعاً او از مشهورترین مستشرقان قرن دهم هجری بود، و می‌توانست سخنرانی‌های علمی خود را به بیش از پنج زبان بین‌المللی ایراد کند!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

«المُفردات التي دخلت العربية من لغات أخرى، تسمى في اللغتين الفارسية و العربية، الكلمات الدخيلة»:

- ۱ واژگانی را که از دو زبان فارسی و عربی داخل یک دیگر می‌شوند، در هر دو زبان واژگان دخیل می‌نامند!
- ۲ مفرداتی که از زبان‌های دیگر در زبان عربی وارد شده، در دو زبان فارسی و عربی، کلمات دخیل نامیده می‌شوند!
- ۳ واژگانی را که در زبان عربی از زبان دیگری داخل می‌شود، در زبان‌های فارسی و عربی مفردات داخل شده می‌نامند!
- ۴ مفرداتی که از زبان عربی به زبان‌های دیگر وارد می‌شود، در زبان‌های فارسی و عربی مفردات وارد شده نامیده می‌شود!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

- ۱ اِعْتَبِرِ بالتَّجَارِبِ لِيَطُولَ لَكَ عَمْرُكَ مَعَ الْبَرَكَةِ!
- ۲ التَّلْمِيزُ لِيَطْلُبِ الْعِلْمَ وَ لَا يَكْسِلُ لِيَقْرَبَ الْخَيْرُ إِلَيْهِ!
- ۳ سَافِرٌ إِلَى إِحْدَى الْجُزُرِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ لِيَشَاهِدَ الْحَيَوَانَاتِ النَّادِرَةَ!
- ۴ لَمَّا غَرَبَتِ الشَّمْسُ جَلَسْتُ مَعَ جَدَّتِي لِأَتَكَلَّمَ مَعَهَا عَنِ الْوَقَائِعِ!

سراسری-زبان خارجی-۹۸

«كَنتُ أَتَمَنَّى أَنَّ لِي صَدِيقًا يُنَبِّهَنِي لِذِكْرِ رَبِّي فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ!» عین الترجمة الصحيحة:

- ۱ آرزو می‌کردم که دوستی داشتم که مرا بر ذکر پروردگارم در اوقات غفلت آگاه می‌کرد!
- ۲ آرزو دارم که دوستی داشته باشم تا ما بر یاد پروردگار در زمان‌های غفلت از او آگاه سازد!
- ۳ آرزوی داشتن دوستی را می‌کردم که به ذکر و یاد پروردگارم در زمان‌های فراموشی، آگاهم گرداند!
- ۴ آرزو می‌کنم تا دوستی پیدا کنم که مرا بر یاد پروردگار آن هم در اوقات غفلت و فراموشی، آگاهی دهد!

سراسری-زبان خارجی-۹۸

- ۱ ازدادت المفردات العربية في الفارسية بعد ظهور الإسلام!
- ۲ بعد أن نزل الماء من السماء أصبحت الأرض مخصرة!
- ۳ دارنا في هذا الشارع ولكن بيت زميلي في شارع آخر!
- ۴ أصبح المؤمنون بنعمة ربهم إخواناً!

سراسری-زبان خارجی-۹۸

«لَمَّا نَقَلْتُ لَصَدِيقِي الْخَبَرَ الَّذِي كُنْتُ أَسْمَعُهُ دَائِمًا، قَالَ لِي: إِنِّي كُنْتُ قَدْ سَمِعْتُ هَذَا الْخَبَرَ مَرَّارًا قَبْلَ هَذَا!»:

- ۱ آن‌گاه که به دوستم گفتم این خبر را پیوسته می‌شنوم، او به من گفت: من همین خبر را بارها پیش از این شنیده بودم!
- ۲ وقتی خبری را که دائماً می‌شنیدم برای دوستم نقل کردم، به من گفت: من این خبر را قبل از این بارها شنیده بودم!
- ۳ هنگامی که این خبر را که مرتباً می‌شنیدم برای دوستم گفتم، او به من گفت: من نیز همین خبر را پیش از این به دفعات شنیده‌ام!
- ۴ زمانی که داشتم برای دوستم خبری را که بارها شنیده بودم نقل می‌کردم، به من گفت: من هم این خبر را قبل از این به دفعات شنیده‌ام!

سراسری-زبان خارجی-۹۸



«طلبت أمنا من المنظفين أن ينظفوا هذه الغرف جيداً، فنظفوها وصارت الغرف نظيفة!» عيّن الترجمة الصحيحة:

- ۱) مادرمان از نظافت‌کنندگان خواست که آن اتاق را خوب تمیز کنند، وقتی آن‌را نظافت کردند، تمیز شد!
- ۲) مادر ما از نظافتچی‌ها درخواست کرد که این اتاق‌ها را برای این‌که تمیز شود، نظافت کنند، و اتاق‌ها نظیف شد!
- ۳) مادرمان، از نظافتچی‌ها خواست که این اتاق‌ها را خوب نظافت کنند، پس آن‌ها را نظافت کردند، و اتاق‌ها تمیز شد!
- ۴) مادر ما از کسانی‌که نظافت می‌کنند درخواست کرد که این اتاق را نظافت کنند، آن‌ها هم پس از این‌که آن‌را تمیز کردند، اتاق نظیف شد!

سراسری-زبان خارجی-۹۸

عيّن الترجمة الصحيحة:

«لهذه المحافظة عددٌ كثير من المصانع، كما لها صناعات تُصنع بيد الإنسان و قد كانت معروفةً منذ القديم!»:

- ۱) این استان تعداد بسیاری کارخانه دارد، همان‌طور که دارای صنایعی است که به دست انسان ساخته می‌شود و از قدیم معروف بوده است!
- ۲) این استان دارای تعدادی زیاد کارخانه است، همان‌طور که صنایعی دارد که با دست انسان ساخته شده است و از قدیم شناخته شده است!
- ۳) تعداد بسیاری کارخانه برای این استان است، همان‌گونه که دارای صنعت‌هایی است که به دست انسان ساخته شده و از زمان‌های گذشته معروف شده بود!
- ۴) برای این استان تعدادی بسیار کارخانه است، همان‌گونه که برای آن صنعت‌هایی است که با دست انسان ساخته می‌شود و از گذشته معروف بوده است!

سراسری-زبان خارجی-۹۸

عيّن الصحيح في الجزء الذي قد كُـد:

- ۱) إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ! (اللَّهُ)
- ۲) إِخْمِنِي مِنَ الْحَادِثَاتِ حَمِيَّةً! (ضمير الياء)
- ۳) حَذَّرْتَنِي تَجَارِبُ الْحَيَاةِ تَحْذِيرًا! (تجارب الحياة)
- ۴) إِنَّ الْعِلْمَ يَرْفَعُ الْإِنْسَانَ وَيُكْرِمُهُ! (الجملة بأجمعها)

سراسری-هنر-۹۸

عيّن ما فيه توصيفٌ للنكرة (الجملة الوصفية):

- ۱) أَحَبُّ أَنْ أَزُورَ «حامداً» و هو غائبٌ عنّا مُنْذُ سنة!
- ۲) الكعبة الشريفة بناء مقدّس بناه «إبراهيم» عليه السلام!
- ۳) عُرِفَ «حافظ» عارفاً و هو قد استفاد من لغة القرآن في أبياته!
- ۴) أسرة «صادق» ما عرفت «منصوراً» كان يشتغل في المزرع معه!

سراسری-هنر-۹۸

عيّن ما فيه المتضادّ:

- ۱) هذه القرية قرب المدينة و يعمل أكثر النَّاس فيها بالزراعة!
- ۲) اليوم إشتريت الأمّ لباساً رخيصاً لولدها بمناسبة يوم ميلاده!
- ۳) في بداية الأمر لم يُشاهد تقدّماً في عمله ولكنّه في النّهاية نجح!
- ۴) صارت هذه الطالبة ناجحةً و أصبح والداها مسرورين و أعطياها جائزة!

سراسری-هنر-۹۸



متن زیر را بخوانید و به ۹ سؤال بعدی پاسخ دهید:

الزّرافة حيوان لها عنق (گردن) طويل و أقدام طويلة فإنّها أطول حيوان في العالم، و هي تكتفي بالماء الموجود في الأوراق و لذلك تستطيع أن تعيش في المناطق الجافة، أمّا إذا وجدت الماء فإنّها تتناول منه كثيراً. و تتغذى على الأوراق الجديدة للأشجار، و تُساعدُها على تناولها كيفية جسمها!

لابدّ للزّرافة من أن تُبعد بين قدميها الأماميتين ليصل فمّها إلى سطح الماء، و لا تعود إلى وضعها الأوّل إلّا بصعوبة، ممّا يجعلها عرضةً للصيّد و هي في تلك الحالة!

سرعة الزّرافة للحركة و الفرار أكثر جدّاً من الحيوانات الأخرى. و على جسمها نقوش تُساعدُها على الاختفاء بين الأشجار. تمتلك الزّرافة أذنين متحرّكتين لسماع جهة الصّوت!

١٧٩ عيّن الصحيح: للزّرافة قابليّة كبيرة على تحمّل العطش

- ١ لكنّها عند ما وصلت إلى الماء لا تشرب منه كثيراً!
- ٢ لأنّ في الأوراق الجديدة ماء كثير فلا تتغذى إلّا منها!
- ٣ لأنّ الماء الموجود في الأوراق يرفع عطشها إلى حدّ كبير!
- ٤ فلا تقدر أن تعيش في المناطق الجافة البعيدة عن الأنهار!

سراسرى-هنر-٩٨

١٨٠ عيّن الخطأ: إنّ أقدام الزّرافة طويلة، و هذا

- ١ مانعٌ لفرارها من العدوّ مع أنّ سرعتها كثيرة جدّاً!
- ٢ وسيلة أساسيّة لسهولة فرارها و ابتعادها من الأعداء!
- ٣ يسبّب أن تحصل على مطلوبها بسهولة و تشبع تماماً!
- ٤ لا يسبّب مشكلة لها في شرب الماء لأنّها تُبعد بين قدميها الأماميتين!

سراسرى-هنر-٩٨

١٨١ عيّن الخطأ: الزّرافة تقدر أن تتغذى على الأوراق الجديدة لأنّ

- ١ لحمها لذيذ و تصيدها الحيوانات القويّة!
- ٢ لها عنق طويل و به تمّد رأسها بين الغصون!
- ٣ يديها و قدميها تساعدانها على ذلك العمل جيّداً!
- ٤ جسمها أطول من الحيوانات التي تعيش في الغابة!

سراسرى-هنر-٩٨

١٨٢ عيّن الصحيح عن الزّرافة:

- ١ أذناها حادّتان و قويّتان لأنّهما متحرّكاتان!
- ٢ هي تشرب الماء بسهولة لأنّ لها عنقاً طويلاً!
- ٣ أنسب الأوقات لصيدها هو عند ما تشرب الماء!
- ٤ النّقوش التي على جسمها تُساعدُها في الاختفاء عن الأعداء!

سراسرى-هنر-٩٨



١٨٣ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:
«تُسَاعِدُ»:

- ١ مضارع - للغائبة - مزيد ثلاثي (من وزن «تفاعل») / فعلٌ و مفعوله ضمير «ها»
- ٢ فعل مضارع - مزيد ثلاثي (مصدره: مساعدة على وزن «مفاعلة») / فعلٌ و مع فاعله: جملةٌ فعليةٌ
- ٣ فعل مضارع - للمخاطب - مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: س ع د) - معلوم / مع فاعله جملةٌ فعليةٌ
- ٤ مضارع - للغائبة - مزيد ثلاثي (من وزن «تفاعل يتفاعل») - مجهول / فعلٌ و الجملةُ فعليةٌ، و ضمير «ها» مفعوله

سراسرى-هنر-٩٨

١٨٤ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:
«تَمْتَلِكُ»:

- ١ للغائبة - مزيد ثلاثي (من وزن «افتعل» و مصدره: امتلاك) - معلوم / فاعله «أُذْنَيْنِ»
- ٢ مضارع - للغائبة - مزيد ثلاثي (مصدره: على وزن «إفتعال») / فعل و فاعله «الزَّرَافَةُ»
- ٣ فعل مضارع - مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: م ل ك) - مجهول / فعلٌ، و الجملةُ فعليةٌ
- ٤ للمخاطب - مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: م ل ك) - معلوم / فعل و مع فاعله جملةٌ فعليةٌ

سراسرى-هنر-٩٨

١٨٥ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:
«العالم»:

- ١ مفرد مذكر - اسم فاعل (حروفه الأصلية: ع ل م) / مجرور بحرف الجرّ
- ٢ مفرد مذكر - معرّف بآل / مجرور بحرف الجرّ و خبر للمبتدأ «حيوان»
- ٣ اسم فاعل (من الفعل المجرد الثلاثي) - معرّف بآل / في العالم: جار و مجرور
- ٤ اسم - مفرد مذكر - معرّف بآل / مجرور بحرف الجرّ في العالم: جار و مجرور

سراسرى-هنر-٩٨

١٨٦ عَيْنُ الْخَطِّ فِي التَّشْكِيلِ:

«الزرافة حيوان لها عنق طويل و أقدام طويلة فإنّها أطول حيوان في العالم!»:

- ١ حَيَوَانٌ - عُنُقٌ - أَقْدَامٌ
- ٢ أَطْوَلٌ - حَيَوَانٌ - الْعَالَمُ
- ٣ عُنُقٌ - أَقْدَامٌ - طَوِيلَةٌ
- ٤ الزَّرَافَةُ - عُنُقٌ - طَوِيلٌ

سراسرى-هنر-٩٨

١٨٧ عَيْنُ الْخَطِّ فِي التَّشْكِيلِ:

«لا بدّ للزرافة من أن تباعد بين قدميها الأماميتين ليصل فمها إلى سطح الماء»:

- ١ لِيَصِلَ - فَمُهَا - سَطْحٌ
- ٢ لَا بُدَّ - تُبَاعِدُ - قَدَمَيْهَا
- ٣ الْأَمَامِيَّتَيْنِ - سَطْحِ - الْمَاءِ
- ٤ تُبَاعِدُ - قَدَمَيْهَا - الْأَمَامِيَّتَيْنِ

سراسرى-هنر-٩٨

- ۱ من هو صادق في كلامه فإنه يُعَدُّ من المُحسنين: هرکس در سخن خود صادق باشد خود را از نیکوکاران بشمار خواهد آورد!
- ۲ ليس المظلومون متّحدين في العالم فلهذا يعيشون تحت الظلم: مظلومان جهان متّحد نیستند لذا زیر بار ستم بسر می‌برند!
- ۳ إِنَّ هَؤُلَاءِ نَاجِحُونَ فِي حَيَاتِهِمْ لِأَنَّهُمْ لَا يُضَيِّعُونَ أَوْقَاتِهِمْ: این‌ها در زندگی موفّق هستند لذا اوقات خود را تباه نمی‌کنند!
- ۴ إِذَا تَوَقَّعْتَ النَّجَاحَ فَلَا تَيَاسَ مِنَ الْحَصُولِ عَلَيْهِ: هرگاه انتظار موفقیّت داشتی از به دست آوردن آن مأیوس مشو!

سراسری-هنر-۹۸

۱۸۹ «المفردات التي تدخل اللغة العربية من لغات أخرى و تتغيّر حروفها و أوزانها وفق اللغة العربية، تسمّى الكلمات المُعَرَّبَة» عین الترجمة الصحیحة:

- ۱ واژگانی را که در زبان عربی از دیگر زبان‌ها داخل شده و حروف و وزن آن‌ها طبق زبان عربی درآمده است، کلمات عربی شده نامیده‌اند!
- ۲ کلماتی که از زبان‌های دیگر وارد زبان عربی می‌شوند و حروف و اوزان آن‌ها طبق زبان عربی تغییر می‌کند، کلمات معرّب نامیده می‌شوند!
- ۳ مفرداتی را که از زبان‌های دیگر وارد زبان عربی می‌شوند و حرف‌ها و وزن‌های آن‌ها مطابق زبان عربی دگرگون می‌شوند، واژگان معرّب نامیده‌اند!
- ۴ واژگانی که از زبان‌های دیگری داخل زبان عربی شده‌اند و حروف و اوزان آن‌ها مطابق با این زبان تغییر کرده، واژگان عربی شده نامیده شده‌اند!

سراسری-هنر-۹۸

۱۹۰ «لَمَّا دَخَلْتُ الْمَكْتَبَةَ شَاهَدْتُ طُلَّابًا يُطَالَعُونَ دُرُوسَهُمْ بَجَدٍّ» عین الترجمة الصحیحة:

- ۱ وقتی وارد کتابخانه شدم دانش‌آموزانی را دیدم که با جدیّت درس خود را مطالعه می‌کردند!
- ۲ آن‌گاه که به کتابخانه داخل شدم دانش‌آموزان را دیدم که درس خود را با جدیّت مطالعه می‌کنند!
- ۳ آن‌گاه که وارد کتابخانه‌ای شدم دانش‌آموزانی را مشاهده کردم که با جدیّت درس‌های خود را مطالعه می‌کنند!
- ۴ وقتی داخل کتابخانه‌ای شدم دانش‌آموزان را مشاهده کردم که به طور جدّی درس‌های خود را مطالعه می‌کردند!

سراسری-هنر-۹۸

۱۹۱ عین الفعل الناقص لا يدلّ على الزّمن الماضي:

- ۱ كانت لها ثقافة طيّبة! ۲ كان الدّرس مليئاً بالسؤال!
- ۳ كانت الأرض في الربيع مخضرة! ۴ كان لهم خلق طيّب في الحياة!

سراسری-انسانی-۹۸

۱۹۲ عین مضارعاً يُمكن أن يُعادل «الماضي الاستمراري» في الفارسية:

- ۱ سنجد برنامجاً لك يُعِينك في دروسك كلّها!
- ۲ شاهدتُ مناظر في طريق السّفر يُعْجبني جمالها!
- ۳ العاقل يستشير الصّادق في أموره حتّى يُقَرِّبه من الحقائق!
- ۴ بعضنا يُحدّث بكلّ ما يسمع به، و هذا عمل غير صحیح!

سراسری-انسانی-۹۸



- ۱ أَشْكُرُكَ يَا رَبِّي بِأَنْ حَسَنْتَ خَلْقِي!
- ۲ قَدْ يَأْكُلُ التَّمْسَاحُ فَرِيَسَةَ أَكْبَرَ مِنْ فَمِهِ!
- ۳ سَجَّلَ هَدْفَكَ وَ أَذْهَبَ إِلَيْهِ بِقُوَّةٍ وَ إِرَادَةٍ!
- ۴ أَتَعْرِفُ طَائِراً يَنْقُرُ جَذُوعَ الْأَشْجَارِ لَصْنَعِ الْعَشِّ!

سراسری-انسانی-۹۸

- ۱ كُنْتُ فَرِحْتُ مِنْ أَنَّ الْحَسَنَاتِ تُذْهِبُ السَّيِّئَاتِ: از این‌که خوبی‌ها، بدی‌ها را از بین می‌برد، شاد شده بودم!
- ۲ كَادَتْ بَنْتِي تَجْهَرُ بِغَضَبِهَا عِنْدَ الصَّبِيِّفَ لَمَّا نَصَحْتُهَا: وقتی دخترم را نزد مهمانان نصیحت کردم نزدیک بود خشمش را آشکار کند!
- ۳ كُنْ سَاكِتاً وَ رَاقِباً أَنْ لَا يَجْرِي عَلَى لِسَانِكَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ: ساکت باش و مراقب باش که بر زبانت چیزی که بدان علم نداری، جاری نشود!
- ۴ لَمَّا بَدَأْتُ بِأَنْ تَعِيبَ الْأَخْرَيْنَ عَلِمْتُ أَنَّ ذَلِكَ نَفْسَهُ مِنْ أَكْبَرِ الْعُيُوبِ: وقتی شروع به عیب‌گیری از دیگران کردم، بدان که آن خودش از بزرگ‌ترین عیب‌ها است!

سراسری-انسانی-۹۸

۱۹۵ «إِنَّ الْإِنْسَانَ الَّذِي يَجِدُ طَعَاماً مَنَاسِباً لِفِكَرِهِ سَتُصْبِحَ قُدْرَتُهُ لِلْفَهْمِ وَ الْعَمَلِ أَكْثَرَ!» عَيْنِ الترجمة الصحيحة:

- ۱ انسانی که غذای مفیدی را برای اندیشه‌ی خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیش‌تر شده است!
- ۲ انسانی که غذای مناسبی را برای فکر خود می‌یابد نیرویش برای فهم و عمل، بیش‌تر خواهد شد!
- ۳ اگر انسان غذای مناسبی را برای اندیشه‌ی خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیش‌تر خواهد شد!
- ۴ انسان کسی است که غذای مفیدی را برای فکر خود یافته و نیرویش برای فهم و عمل، بیش‌تر شده است!

سراسری-انسانی-۹۸

۱۹۶ «لِي الْآنَ مَكْتَبَةٌ كَبِيرَةٌ، وَ مَا كَانَ لِي قَبْلَ هَذَا أَكْثَرَ مِنْ مِائَةِ كِتَابٍ!» عَيْنِ الترجمة الصحيحة:

- ۱ فعلاً کتابخانه‌ای بزرگ دارم، ولی پیش از این فقط یکصد کتاب داشتم!
- ۲ کتابخانه‌ی من در حال حاضر بزرگ است، ولی قبلاً بیش از صد کتاب نداشت!
- ۳ اکنون کتابخانه‌ی بزرگی دارم، و حال این‌که قبل از این بیش از یکصد کتاب نداشتم!
- ۴ کتابخانه‌ای در حال حاضر دارم که بزرگ است، اما پیش از این بیش‌تر از صد کتاب نداشت!

سراسری-انسانی-۹۸

۱۹۷ «عَلَيْنَا أَلَّا نَعْمَلَ عَمَلًا يُسَبِّبُ ذَوْبَ الْجِبَالِ الثَّلْجِيَّةِ فَيُصْبِحَ الْهَوَاءُ حَارًّا!» عَيْنِ الترجمة الصحيحة:

- ۱ باید ما کاری انجام ندهیم تا باعث آب شدن برف‌های کوه شده و هوا داغ گردد!
- ۲ ما باید کاری نکنیم که منجر به آب شدن کوه‌های برف گردد پس هوا داغ شود!
- ۳ ما نباید کاری کنیم که باعث ذوب شدن کوه‌های برفی گردد در نتیجه هوا گرم شود!
- ۴ نباید ما کاری انجام دهیم تا سبب شود برف کوه‌ها ذوب شود در نتیجه هوا گرم گردد!

سراسری-انسانی-۹۸

- ۱ أُرِيدُ أَنْ أَجْتَهِدَ كَثِيراً لِلْأَنْجَحِ فِي السَّبَاقِ!
- ۲ يَخْرُجُ أَخِي الْأَكْبَرُ لِيَطْلُبَ الرِّزْقَ لَنَا كُلَّ يَوْمٍ!
- ۳ لِيَعْتَمِدَ عَلَى نَفْسِهِ أَخِي الصَّغِيرُ فِي أُمُورِ حَيَاتِهِ!
- ۴ كُنْتُ قَدْ سَعَيْتُ لِلرَّجُوعِ إِلَى الْمَكْتَبَةِ لَكِنِّي لَمْ أَسْتَطِعْ!

سراسری-تجربی-۹۸



- ۱) كان أخي يُحصي كُتبه العِلْمِيَّة وينظّمها: برادرم کتابهای علمیش را شمرد و آنها را مرتب کرد،
- ۲) عندما رأى أنّي أساعده في الإحصاء و الترتيب: وقتی دید که من در شمردن و مرتب کردن به او کمک می‌کنم،
- ۳) غَيَّر نظرتَه عَنِّي فَرِحاً: با خوشحالی نظرش را در مورد من تغییر داد،
- ۴) و آتاني عدداً من كُتبه لأقرأها!: و تعدادی از کتاب‌هایش را به من داد تا آنها را بخوانم!

سراسری-تجربی-۹۸

عین ما فيه طلب للقيام بالعمل: ۲۰۰

- ۱) ليذهبوا إلى المدرسة!
- ۲) قاموا ليذهبوا إلى المدرسة!
- ۳) لهم إمّا الذّهاب إلى المدرسة و إمّا البقاء فيها!
- ۴) هم إجتمّعوا للذّهاب إلى المدرسة قبل فوات الفرصة!

سراسری-تجربی-۹۸

«الاستفادة من الجوّال ليست مسموحة في حصّة الامتحان!» عین الترجمة الصحيحة: ۲۰۱

- ۱) استفاده از تلفن همراه در جلسه امتحان مجاز نیست!
- ۲) به‌کار بردن گوشی همراه در جلسات امتحان منعی ندارد!
- ۳) آوردن تلفن همراه در جلسه امتحانات مانعی ندارد!
- ۴) از گوشی همراه استفاده کردن در جلسه امتحان مجاز است!

سراسری-تجربی-۹۸

عین ما لیس فيه نعت أو صفة: ۲۰۲

- ۱) له زوجة ذاتُ عَقّة تربّي أولادها الصالحين!
- ۲) ما رأيك يا أخي، فرأيك الرأي الخطير عندي!
- ۳) أتعرف رجلاً ذا علم و فضل في المدينة أراجع إليه!
- ۴) وجدتُ الصّدق أنفع تجارةً فجعلته شعاري في الحياة!

سراسری-ریاضی-۹۸

عین خبر النواسخ يَختلف في النوع: ۲۰۳

- ۱) إذا كان الطّعام حارّاً،
- ۲) تصبر حتّى يُصبح بارداً لتأكله،
- ۳) فعندما كنت في المصاعب، إسع لتهدئة نفسك،
- ۴) فسيكون حلّها لك سهلاً بسبب هدوءك!

سراسری-ریاضی-۹۸

عین الصحيح: ۲۰۴

- ۱) إن يَغفل النَّاس تُحَرّق أشجارُ الغابة: اگر مردم غفلت کنند درختان جنگل را می‌سوزانند!
- ۲) إنتفع من طبيعةٍ جُعِل لك الجمالُ فيها: زیبایی برای تو در طبیعت قرار داده شده، از آن سود ببر!
- ۳) إن لم يُقبَل الطّفلُ في طفولته فسيُصبح قسّي القلب: اگر کودک را هنگام کودکی نبوسند سنگدل می‌شود!
- ۴) يُخاطب عن البيئة كلُّ النَّاس في المجتمع: درباره‌ی محیط زیست همه‌ی مردم در جامعه مخاطب قرار داده می‌شوند!

سراسری-ریاضی-۹۸



«أَتَذَكَّرُ أَنَّ هَذَيْنِ الصَّدِيقَيْنِ الْإِثْنَيْنِ كَانَا قَرِيبَيْنِ مَعَ بَعْضَهُمَا فِي التَّفَكَّرِ، بِشَكْلِ كَأَنَّهُمَا كَانَا فَرْدًا وَاحِدًا!»:

- ١ به یاد دارم که اینان دو دوستی بودند که در فکر کردن مانند هم بودند انگار یک نفرند!
- ٢ به یاد می‌آورم که این دو دوست در تفکر چنان به هم نزدیک بودند که گویی یک نفر بودند!
- ٣ به خاطر آمد این دو دوست که نزدیک به هم هستند، در تفکر به شکلی بودند که گویی یک نفرند!
- ٤ به خاطر آوردم که آنان دو دوست هستند که در تفکر آن‌گونه نزدیک هم بودند مثل این‌که یک نفرند!

سراسری-ریاضی-۹۸

- ١ إِنَّمَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، هُوَ اللَّهُ: کسی که نزاده و زاده نشده، فقط الله است!
- ٢ جَاءَتِ الْأُمُّ بِالْحُبُوبِ لِفِرَاحِهَا الصَّغِيرَةِ: مادر با دانه‌ها نزد جوجه‌های کوچک آمد!
- ٣ يُنْفَقُونَ مِنْ أَحْسَنِ مَا يُحِبُّونَ أَكْثَرَ مِنْ قَبْلِ: با کمال میل از نیکوترین چیزی که دوست می‌دارند، انفاق می‌کنند!
- ٤ عِنْدَمَا يُلْقِي الْخَطِيبُ مُحَاضَرَةً يُنْصِتُ الْحَضَرُ لَهُ: وقتی سخنران سخنرانی می‌کرد حاضران با سکوت به او گوش می‌کردند!

سراسری-ریاضی-۹۸

«هَنَّاكَ كَلِمَاتٌ تَجْرِي عَلَى أَقْلَامِ بَعْضِ الشُّعْرَاءِ لِأَوَّلِ مَرَّةٍ تَدُلُّ عَلَى مَفَاهِيمٍ جَدِيدَةٍ لَمْ يَكُنْ يَعْرِفُهَا الْآخَرُونَ!»:

- ١ کلماتی وجود دارند که برای بار اول بر قلم‌های بعضی از شاعران جاری می‌شوند در حالی‌که بر مفهوم جدیدی که دیگران آن‌ها را نمی‌شناسند، دلالت دارد!
- ٢ وجود دارد کلماتی که بعضی از شعرا برای اولین مرتبه بر قلم‌های خود جاری می‌کنند که بر مفاهیمی جدید دلالت می‌کند که آن‌را دیگران نمی‌شناختند!
- ٣ آن‌جا، کلماتی است که بعضی شاعران اولین مرتبه، بر قلم‌هایشان جاری می‌کنند و بر مفهوم جدید که دیگران آن‌ها را نمی‌شناختند دلالت دارد!
- ٤ کلماتی هستند که بر قلم‌های بعضی شعرا برای اولین بار جاری می‌شوند که بر مفاهیم جدیدی دلالت می‌کنند که دیگران، آن‌ها را نمی‌شناختند!

سراسری-ریاضی-۹۸

«كَنتُ أَفَكِّرُ فِي نَفْسِي هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ تَكُونَ قَدْ خُلِقَتِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ كُلُّ مَا فِيهِمَا مِنْ دُونِ حِكْمَةٍ!»:

- ١ با خویش در اندیشه‌ام که آیا امکان دارد این آسمان و زمین و همه چیز که در آن‌هاست بی‌حکمت خلق شود!
- ٢ با خودم فکر می‌کنم که آیا ممکن است، آسمان و زمین و هرچه در آن هست بی‌حکمت خلق شده باشد!
- ٣ با خود می‌اندیشیدم، آیا امکان دارد که آسمان و زمین و هر آنچه در آن‌ها است بدون حکمت خلق شده باشد!
- ٤ با خویشتن خود فکر می‌کنم که آیا ممکن است این آسمان و این زمین و آنچه که در آن هست بدون حکمت خلق شود!

سراسری-ریاضی-۹۸



۲۰۹

«فرزندان ما در پی دوستانی هستند که با آنان راحت حرف بزنند و از چیزی نگران نباشند!» عین التعریب الصحيح:

- ۱) إِنَّ أَبْنَاءَنَا يَفْتَشُونَ عَنْ رَفَقَائِهِمْ لِيُحَدِّثُوهُمْ بِسَهُولَةٍ وَ لَا يَقْلِقُونَ مِنْ شَيْءٍ!
- ۲) يَبْحَثُ أَبْنَاؤُنَا عَنْ أَصْدِقَاءٍ يَتَكَلَّمُونَ مَعَهُمْ بِرَاحَةٍ وَ لَا يَكُونُونَ قَلْقِينَ مِنْ شَيْءٍ!
- ۳) يُفْتَشُ أَوْلَادُنَا عَنْ الْأَصْدِقَاءِ حَتَّى يَتَحَدَّثُوا مَعَهُمْ فِي رَاحَةٍ وَ لَنْ يَقْلِقُوا مِنْ شَيْءٍ!
- ۴) إِنَّ أَوْلَادَنَا يَبْحَثُونَ عَنِ الرَّفَقَاءِ الَّذِينَ يَتَكَلَّمُونَ مَعَهُمْ بِكُلِّ سَهُولَةٍ وَ لَنْ يَكُونَ قَلَقٌ مِنْ شَيْءٍ!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

۲۱۰

«بزرگ‌ترین ثروت ما اخلاق و انسانیت ماست و برای آن‌ها جایگزینی نیست!» عین الصحيح في التعریب:

- ۱) لَا بَدِيلَ لِأَخْلَاقِنَا وَ إِنْسَانِيَّتِنَا لِأَنَّهُ ثَرَوَتُنَا الْعَظِيمَةُ! ۲) أَعْظَمُ ثَرَوَتُنَا أَخْلَاقُنَا وَ إِنْسَانِيَّتُنَا وَ لَيْسَ لَهُمَا بَدِيلٌ!
- ۳) لَيْسَ لِأَخْلَاقِنَا وَ إِنْسَانِيَّتِنَا بَدِيلًا لِأَنَّهُمَا أَعْظَمُ ثَرَوَتِنَا! ۴) أَعْظَمُ ثَرَوَتِنَا الَّذِي لَيْسَ لَهَا بَدِيلٌ أَخْلَاقُنَا وَ إِنْسَانِيَّتُنَا!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

۲۱۱

عین الصحيح (في إعراب المضارع):

- ۱) يَا أَصْحَابَ الْعِلْمِ وَ الْقُدْرَةِ، إِنْ تَتَوَاضَعُونَ يَرْفَعَكُمْ اللَّهُ!
- ۲) إِنْ تَجْتَهِدُوا الْيَوْمَ فِي حَيَاتِكُمْ جَيِّدًا تَنْجَحُونَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ!
- ۳) قَالَ الْمُعَلِّمُ لِتَلْمِيزِيهِ: لَمْ لَا تَجْتَهِدَا فِي دُرُوسِكُمْ أَكْثَرَ مِنْ هَذَا!
- ۴) عَسَى هَؤُلَاءِ الطَّالِبَاتِ الْفَاضِلَاتِ أَنْ يَتِمَّتَّعْنَ بِمَكَانَةٍ رَفِيعَةٍ فِي الْمَجْتَمَعِ!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۲۱۲

عین النعت جملة:

- ۱) الْجَبْنَ عَارٌ فَاجْتَنِبْهُ، لِأَنَّكَ لَا تَنْجُو مِنْ خَطَرَاتِهِ الْعَظِيمَةِ!
- ۲) إِنَّ الْعَصْفُورَ طَائِرٌ نَشِيطٌ يَبْنِي عَشَّهُ فَوْقَ الْأَشْجَارِ!
- ۳) لَا تَتَغَيَّرْ حَالَةَ قَوْمٍ إِلَّا أَنْ يُغَيِّرُوا عَادَاتِهِمُ السَّيِّئَةَ!
- ۴) الْعَافِيَةُ عَطِيَّةٌ مَخْفِيَّةٌ فَإِذَا فُقِدَتْ ذُكِرَتْ!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

۲۱۳

«إِذَا لَمْ يَكُنْ لَكَ مَالٌ تَعْطِيهِ الْآخَرِينَ فَأَعْطِهِمُ السَّرُورَ وَ الْهَدُوءَ بِحَسَنِ خَلْقِكَ!» عین الترجمة الصحيحة:

- ۱) چنان‌چه مال برای بخشیدن به سایرین نداشتی با اخلاق خوبت سرور و آرامش را به آن‌ها عطا کن!
- ۲) هرگاه مالی نداری که به دیگران ببخشی پس با خوبی اخلاقت شادی و آرامش را به آن‌ها عطا کن!
- ۳) هنگامی‌که مالی برای بخشش به سایرین نداشتی پس خوش‌اخلاق باش تا شادی و آرامش را به آن‌ها ببخشی!
- ۴) آن‌گاه که مالی نداری و چیزی به دیگران نمی‌بخشی می‌توانی با حسن خلق خود سرور و آرامش را به آن‌ها بدهی!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

۲۱۴

عین الخبر ليس مقدماً:

- ۱) لَيْسَتْ عِنْدَ الْمُعَلِّمِ أَوْرَاقُ امْتِحَانِ التَّلَامِيذِ! ۲) لَمْ يَكُنْ فِي يَدِ الْأُمِّ مَا يَرِيدُ وَلَدَهَا الصَّغِيرَ!
- ۳) سَتَصْبَحِينَ فِي بَلَدِكَ بَطْلَةً شَهِيرَةً! ۴) مَا كَانَتْ لِهَذَا الْكَسُولِ مُحَاوَلَةٌ كَثِيرَةٌ فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِ!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی



«غرق شدگان در لذّات دنیوی شایسته‌ی رحمت خدا نیستند، زیرا آن‌ها سرای آخرت را به خاطر زندگی دنیا رها می‌کنند!»:

- ۱) الَّذِينَ قَدْ غَرَقُوا فِي لَذَّاتِ الدُّنْيَا لَيْسُوا مُسْتَأْهِلُونَ لِرَحْمَةِ اللَّهِ، لِأَنَّهُمْ يَتْرَكُونَ دَارَ الْآخِرَةِ مِنْ أَجْلِ حَيَاةِ الدُّنْيَا!
- ۲) الْغَارِقُونَ فِي اللَّذَّاتِ الدُّنْيَوِيَّةِ غَيْرِ مُسْتَأْهِلِينَ لِرَحْمَةِ اللَّهِ، لِأَنَّهُمْ يَدْعُونَ الدَّارَ الْآخِرَةَ مِنْ أَجْلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا!
- ۳) الَّذِينَ يَفْرَقُونَ فِي لَذَائِذِ الدُّنْيَا لَيْسُوا مُسْتَأْهِلِينَ لِرَحْمَةِ اللَّهِ، بِأَنَّهُمْ يَتْرَكُونَ الْحَيَاةَ الْآخِرَى بِسَبَبِ حَيَاةِ الدُّنْيَا!
- ۴) الْغَرِيقُونَ فِي اللَّذَائِذِ الدُّنْيَوِيَّةِ غَيْرِ مُسْتَأْهِلُونَ لِرَحْمَةِ اللَّهِ، لِأَنَّهُمْ يَدْعُونَ آخِرَتَهُمْ بِذَرِيعَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

- ۱) إِنْ كَانَ لِي عَقْلٌ كَعَقْلِ هَذَا الْيَوْمِ، فَمَا كُنْتُ أَخْطَأْتُ: إِنْ أَمْسَكَ عَقْلِي امْرُوزٌ بُوْدَ خَطَايَايَ كَمَا كُنْتُ،
- ۲) وَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَفْعَلُ تِلْكَ الْأَخْطَاءَ، فَمَا كَانَ لِي هَذَا الْعَقْلُ: وَ إِنْ كَانَ خَطَايَايَ رَاجِعَةً إِلَى عَقْلِي، لَمْ أَكُنْ أَفْعَلُ،
- ۳) فَيَجِبُ أَنْ نَعْتَبِرَ بِأَخْطَائِنَا السَّابِقَةِ: بَعْدَ أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ خَطَايَايَ كُنْتُ أَفْعَلُهَا بِسَبَبِ عَقْلِي،
- ۴) وَ نَحْذَرُ الْأَخْطَاءَ دَائِمًا لِأَنَّ بَعْضَ آثَارِهَا مُهْذَمَةٌ: وَ هَمِيشَه از خطاها دوری کنیم زیرا بعضی اوقات آثارشان ویران‌کننده است!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

«لَا تَكُنْ فُظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ عِنْدَمَا تُعَلِّمُ الْأَطْفَالَ، إِنَّ هَذِهِ الْخِصْلَةَ تُبْعِدُهُمْ عَنْكَ!»:

- ۱) هِنْكَامِي كِه بَچَه‌ها را آموزش می‌دهی، درشت‌خوی و سنگ‌دل مباش، کِه این خصوصیت آن‌ها را از تو دور می‌کند!
- ۲) وَ قَتِي كُودَكَانَ رَا دَرَسَ می‌دهی، قلبت را از سنگ‌دلی و درشتی دور کن، کِه این خصلت آن‌ها را از تو دور می‌سازد!
- ۳) نَباید درشتی و غضب در قلبت باشد در حالی‌کِه معلّم بچه‌ها هستی، این همان ویژگی است کِه آن‌ها را دور می‌سازد!
- ۴) نَباید درشت‌خوی و سنگ‌دل باشی آن‌گاه کِه کُودَكَانَ رَا آموزش می‌دهی، زیرا این خصلتی است کِه آن‌ها را دور می‌کند!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

- ۱) الْيَوْمَ لَيْسَ لِلشَّحْرِ مَنْزِلَةٌ بَيْنَ النَّاسِ!
- ۲) كَانَتْ لِكُلِّ تَلْمِيْذَةٍ سَاعِيَةٌ فِي دَرَسِهَا جَائِزَةٌ قِيَمَةٌ!
- ۳) أَلَيْسَ تَدْبِيرٌ لِهَذِهِ الْمَشْكَلَةِ فِي رَأْيِكَ!
- ۴) تَكُونُ فِي جَمِيعِ أَعْمَالِ الْأَنْبِيَاءِ حِكْمَةٌ لِإِرْشَادِنَا!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-تجربی

- ۱) لَيْكُنْ أَسَاسَ التَّفَكُّرِ بِشَكْلِ لَا يُحْدِثُ فِي الْقَلْبِ رَيْبًا!
- ۲) وَجِبَ عَلَيْنَا نَفْكَرَ بِشَكْلِ لَا يُحْدِثُ فِي قَلْبِنَا تَرْدِيدًا!
- ۳) لَيْكُونْ أَسَاسُ تَفَكُّرِنَا بِطَرِيقٍ لَا يَخْلُقُ فِي الْقَلْبِ تَرْدِيدًا!
- ۴) مِنْ الْوَاجِبَاتِ أَنْ أَسَاسَ الْفِكْرِ بِشَكْلِ لَا يَكُونُ فِي قَلْبِنَا رَيْبًا!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-تجربی



«إِنَّهُ كَانَ شَاعِراً حَازِقاً يَتَمَتَّعُ النَّاسُ بِأَشْعَارِهِ وَ يَطْلُبُونَ مِنْهُ أَنْ يُنْشِدَ أَكْثَرَ!»:

- ۱ او شاعر ماهری بود که مردم از اشعارش بهره می‌بردند و از او می‌خواستند که بیش‌تر بسراید!
- ۲ او شاعر حاذقی است که مردم از شعرهایش لذت می‌برند و از او می‌خواهند که بیش‌تر شعر بگوید!
- ۳ همانا او شاعری زبردست بود، لذت مردم در شنیدن اشعار او بود و از او می‌خواستند که بیش‌تر شعر بسراید!
- ۴ همانا آن شاعر متبحر از شنیدن اشعارش، توسط مردم، لذت می‌برد و خواسته‌ی آن‌ها این بود که بیش‌تر شعر بگوید!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-تجربی

«لَا تُحْمَلْ شَرِيكَكَ فِي الْحَيَاةِ مَا لَا يُطِيقُ أَبَداً، لِأَنَّهُ سَيُخْجَلُ مِنْكَ!»:

- ۱ هیچ‌گاه نباید چیزی را که شریک زندگی تو طاقتش را ندارد و از آن خجالت می‌کشد، بر او تحمیل کنی!
- ۲ هیچ‌وقت بر شریک خود در زندگی آن‌چه را طاقت ندارد تحمیل مکن، زیرا از تو خجالت خواهد کشید!
- ۳ اگر در زندگیت، چیزی که شریک و همراهت تحمل ندارد بر او تحمیل کنی، شرمنده می‌شود!
- ۴ هرگز نباید رفیقت را به کاری که تحمل آن‌را ندارد و او را شرمنده می‌سازد، وادار کنی!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-تجربی

- ۱ هناك مواد سكرية مفيدة في أنواع الفواكه تشدّ أعضائنا و جوارحنا!
- ۲ دعوت زميلتي لتساعدني في أداء واجباتي و هي أجابت دعوتي!
- ۳ يشتري بعض الأطفال الملابس الجديدة عندما تقرب أيام العيد!
- ۴ عندما أنزل الله العذاب على قارون طلب المهلة لينفق أمواله!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- ۱ ما كانت عنده نقود يساعد بها المساكين!
- ۲ ليس في هذه المكتبة كتاب أبحث عنه!
- ۳ لم يكن هناك مزهرية حتى أجعل الأزهار فيها!
- ۴ ليس هؤلاء التلاميذ في دروسهم متكاسلين!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«كَانَ صَوْتُ أَوْلَئِكَ الْأَطْفَالِ الَّذِينَ يَلْعَبُونَ فِي انْتِهَاءِ السَّاحَةِ فَرَحِينَ يَصِلُ إِلَى آذَانِنَا، وَ نَحْنُ أَيْضاً كُنَّا مَسْرُورِينَ بِفَرَحِهِمْ!»:

- ۱ آن بچه‌ها هستند که در حیات انتهایی با شادی بازی می‌کنند و صدایشان به گوش ما می‌رسد و ما را شاد می‌کند!
- ۲ صدای آن کودکان که در آخر حیات با شادی بازی می‌کنند به گوش ما می‌رسد و ما نیز به شادی آن‌ها شاد هستیم!
- ۳ صدای آن بچه‌ها که با شادی در انتهای حیات بازی می‌کنند به گوش‌های ما می‌رسید، و ما نیز به شادی آن‌ها شاد بودیم!
- ۴ آن کودکان که در آخر حیات بازی می‌کنند صدای‌شان به گوش‌های ما می‌رسید، و ما را با شادی خود شاد کرده بودند!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی



۲۲۵ عَيْنَ كَلِمَةٍ لِلْفَرَاغِ: «قُلْ لَمْ.... وَ لَكِنْ قُولُوا أَسَلَمْنَا»

- ۱ تُوْمِنُوْنَ ۲ تُوْمِنُوْنَ ۳ تُوْمِنُ ۴ تُوْمِنُوا

کنکوره‌های خارج از کشور-آزاد-ریاضی

۲۲۶ اجْعَلْ (صَارَتْ) قَبْلَ الْجُمْلَةِ وَ اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ: الْاَرْضُ مُحْضَرَّةٌ — (صَارَتْ.....)

- ۱ الْاَرْضُ مُحْضَرَّةٌ ۲ الْاَرْضُ مُحْضَرَّةٌ ۳ الْاَرْضُ مُحْضَرَّةٌ ۴ الْاَرْضُ مُحْضَرَّةٌ

کنکوره‌های خارج از کشور-آزاد-ریاضی

۲۲۷ عَيْنِ الصَّحِيحِ: «اِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ اِنَّهٗ كَانَ عَفُوًّا»

- ۱ مَفْعُولٌ بِهِ ۲ اِسْمٌ «كَانَ» ۳ خَبَرٌ «كَانَ» ۴ اِسْمٌ «اِنَّ»

کنکوره‌های خارج از کشور-آزاد-ریاضی

۲۲۸ عَيْنِ اِسْمٍ وَ خَبَرِ الْاَفْعَالِ النَّاكِصَةِ فِي: (وَ كَانَ اللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا)

- ۱ اللّٰهُ - بِمَا ۲ بِمَا - يَعْمَلُونَ ۳ يَعْمَلُونَ - مُحِيطًا ۴ اللّٰهُ - مُحِيطًا

کنکوره‌های خارج از کشور-آزاد-ریاضی

۲۲۹ اَيَّ تَرْجُمَةٍ صَحِيحٍ لِ: (كَانَتْ شَرِكَةٌ تُعَلِّمُ حَاجَتَهَا إِلَى مُوَظَّفٍ)

- ۱ شَرِكَتِي نِيَاظُش رَا بَه كَارْمَنْدِي اَعْلَان مِي كَرْد. ۲ شَرِكَتِي نِيَاظُش رَا بَه كَارْمَنْدَانِش اَعْلَان كَرْد.
۳ شَرِكْت نِيَاظُ خُود رَا بَه كَارْمَنْد اَعْلَان مِي كَنْد. ۴ شَرِكْت نِيَاظْمَنْدِي خُود رَا بَه يَك كَارْمَنْد اَطْلَاع دَادَه بُوْد.

کنکوره‌های خارج از کشور-آزاد-ریاضی

۲۳۰ عَيْنِ النَّعْتِ غَيْرِ جُمْلَةٍ:

- ۱ اِحْتَرَمِي الَّذِيْنَ يَهْدُوْنَكَ اِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيْمِ! ۲ زَيْنًا الْقَاعَةُ بِمَصَابِيحٍ يَنْعَكُسُ ضَوْؤُهَا فِي الْمِرْآةِ!
۳ كَتَبَ التَّلَامِيذُ رِسَالًا تَتَحَدَّثُ عَنْ السَّمَاءِ وَ الْاَفْلَاقِ! ۴ وَضَعَتْ سِلَاحًا عَلَى الْاَرْضِ اَخَذَتْهَ لَصِيْدِ الْحَيَوَانَاتِ!

کنکوره‌های خارج از کشور-سراسری-ریاضی

۲۳۱ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي النَّعْتِ:

- ۱ هَذِهِ اَرْضٌ اَمْشِيْ عَلَيْهِ مَتَوَضِّئَةً لِاَنَّهَا مَطَهَّرَةٌ بِدِمَاءِ الطَّاهِرَةِ!
۲ هَذَا النَّوْرُ قَدْ يَدْخُلُ مِنْ نَافِذَةِ الْبَيْتِ الْكَبِيْرَةِ فَيَجْعَلُنَا سَالِمِيْنَ!
۳ كَتَبْتُ عَلَى الْوَرَقَتَيْنِ النِّظِيْفَةَ ثُمَّ دَفَعْتُهُمَا اِلَى الْمَعْلَمِ!
۴ سَمِعْتُ اَصْوَاتًا رَائِعًا حِيْنَ دَخَلْتُ هَذِهِ الدَّارَ الْجَمِيْلَ!

کنکوره‌های خارج از کشور-سراسری-ریاضی

۲۳۲ عَيْنِ الْجُمْلَةِ الْوَصْفِيَّةِ:

- ۱ فَتَحْتُ الْكِتَابَ بِدَأِ الْمَعْلَمِ بِالْدَّرْسِ! ۲ ذَهَبْتُ اِلَى ضِيَافَةِ فَتَاخَرْتِ!
۳ سَافَرْتُ اِلَى بَلَدٍ وُلِدْتُ فِيْهِ! ۴ سَلَّمْتُ عَلَى مَعْلَمِيْ يَدْخُلُ الصَّفَّ!

کنکوره‌های خارج از کشور-سراسری-ریاضی

«انسان برای رسیدن به هدفهای خویش باید تلاش مورچه‌ی کوچک را مورد توجه قرار دهد!».

- ۱ لیجعل الإنسان جُهدَه تلك التَّملة الصَّغيرة أمام أعينه للذهاب الى أهدافه!
- ۲ على الانسان أن تجعل جهد هذه التَّملة الصغيرة أمام أعينه للذهاب الى أهدافه!
- ۳ يجب على الانسان أن تجعل جهد هذه التَّملة الصغيرة أمام أعينه للوصول الى هدفه!
- ۴ يلزم على الانسان أن يجعل جهد تلك التَّملة الصَّغيرة نصب أعينه للوصول الى اهدافه!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

«لا تنظر إلى ظاهر الأشياء الصغير، فإن قطرات الماء الصغيرة تستطيع أن يؤثر على صخرة كبيرة و تغيّر مكانها!»:

- ۱ به ظاهر کوچک اشیاء نگاه مکن، چه قطرات کوچک آب می‌تواند بر صخره‌ای بزرگ تأثیر بگذارد و مکان آن را تغییر دهد!
- ۲ نگاه نکن که اشیاء، ظاهری کوچک دارند، زیرا بعضی قطرات کوچک آب می‌توانند تخته سنگی بزرگ را از جای خویش حرکت دهند!
- ۳ به اشیاء ظاهراً کوچک نگاه مکن، که قطرات کوچک آب توانایی آن را دارند که بر تخته سنگی بزرگ تأثیر گذاشته آن را از جای خویش حرکت دهند!
- ۴ نباید به ظاهر کوچک اشیاء نگاه کنی، چون بعضی اشیاء کوچک مثل قطره‌های آب می‌توانند از صخره‌ای بزرگ تأثیر بگیرند و آن را از جای خود نگاه دهند!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

- ۱ كنت أبحث عن كتاب يناسب ثمنه قدره.
- ۲ و فتّشت عنه في مكتبات عديدة لكن ما حصلت عليه.
- ۳ فراجعت الكتب التي كانت بين يديّ في البيت.
- ۴ و رأيت أنّ أئمن الكتب هو الذي يُقرأ و يُعمل به!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

شَكَّلَ الكلمات و مَيَّزَ الخطأ: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمَسْجِدَ وَحِيداً و لم يشاهد إلاّ جماعتين.

- ۱ رسول
- ۲ الله
- ۳ و لم يُشاهد
- ۴ المسجد

کنکورهای خارج از کشور-آزاد-ریاضی

عَيْنِ الْاِعْرَابِ ل (صَدِيقُ) فِي أَصْبَحَ صَدِيقُهُ وَحِيداً:

- ۱ خبر «أصبح»
- ۲ فاعل
- ۳ نائب فاعل
- ۴ اسم «أصبح»

کنکورهای خارج از کشور-آزاد-ریاضی

عين ما ليس فيه نعت:

- ۱ حكت لنا جدّتي حكاية ما سمعناها، عن كيفية دراسة النساء في الماضي!
- ۲ وقرت الأسرة لأولادها الصغار ما يحتاجون إليه حتّى يدرسوا!
- ۳ أصبحت المصافحة بالأيدي عملاً شائعاً بين الأصدقاء!
- ۴ التلاميذ يصلون إلى مدارسهم مبكرين كلّ يوم!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی



«دانشمندان ما در طول حیات پربار خویش رنج و زحمت بسیاری را تحمل کرده‌اند!» عین التعریب الصحیح:

۱) إنّ علماءنا كانوا قد تحمّلوا الكدح و النصب الكثير إثناء حياتهم المفيدة!

۲) كان علماءنا تحمّلوا النصب و التعب الكثيراً فى طول حياتهم النافعة!

۳) علماءنا كانوا يتحمّلون الأسى و التعب الكثير أثناء حياتهم المثمرة!

۴) قد تحمّل علماءنا الكدح و التعب الكثير طول حياتهم المثمرة!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی

عین الصحیح:

۱) أحد إخوانی أراد أن يتعلّم علم الجراحة عند طبيب حاذق، یکی از برادرانم خواست که علم جراحی را نزد پزشک حاذقی فراگیرد.

۲) فذهب عنده و شرع يتعلّم هذا العلم بمساعدة أستاذه الفاضل،: لذا به نزد او رفت و به کمک یک استاد فاضل آموزش این علم را شروع کرد.

۳) و بقى عنده سنوات متوالیه حتى أصبح جراحاً من أشهر الأطباء: و در حضور او سال‌ها ماند تا این‌که از بهترین پزشکان جراح گردید.

۴) منذ ذلك الوقت عزم أخى أن يقف حياته فى سبيل خير و الإنسانية: از آن لحظه برادرم مصمّم شد که زندگی خود را در مسیر خیر و انسانیت صرف کند!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-ریاضی



گزینه ۴ پاسخ صحیح است. صورت سؤال فعل «قد نزلت» را می‌خواهد که نقش جمله وصفیه داشته باشد یعنی یک اسم نکره قبل خودش را توصیف کند.

(۱) قد نزلت، پس از حرف «و» آمده بنابراین جمله وصفیه نیست.

(۲ و ۳) قد نزلت، خبر از نوع فعل برای فعل «کانت» است.

(۴) قد نزلت، جمله وصفیه برای اسم نکره «أمطاراً» (أمطاراً: مفعول / وافرة: صفت / قد نزلت: جمله وصفیه)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. حالت صحیح ترجمه دیگر گزینه‌ها:

(۱) می‌توانیم ... ایجاد کنیم (بیافرینیم) که مردم، همگی را شگفت‌زده کند.

(۲) هیچ دروغگویی نیست که آنچه می‌گوید را فراموش نکند ...

(۳) خوب کردن ... امکان ندارد مگر اینکه (جز اینکه) در دل‌ها حکمتی ماندگار شود ...

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ما کاناو فیه: آنچه در آن بوده‌اند (حذف ۱ و ۲ و ۳) / علینا أن نَعْلَمَ: باید [بر ماست] که

بدانیم (حذف ۳) / یَظُنُّ: گمان [تصور] می‌کنند (حذف ۱ و ۲) / إن کُنَّا نَقْدِرُ: اگر می‌توانستیم (حذف ۱ و ۳)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. أغلی شیء: گران‌ترین چیزی، گران‌بهاترین چیزی (حذف ۱ و ۳ و ۴) / نَقْدَرُ [مضارع اخباری]:

می‌توانیم (حذف ۱) / أرْخَصَ ثمن: ارزان‌ترین قیمت [بها] (حذف ۱ و ۳) / و إن: هر چند، اگر چه / من سوق العالم: از بازار جهان (حذف ۱)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. صَغَطَ الدم المرتفع: فشار خون بالا (حذف ۲) / أن لايتناول: که نخورد (حذف ۲ و ۴) /

الأطعمة التي غیرمسموحة له: غذاهایی (خوراک‌هایی) که برایش مجاز نیست (حذف ۱ و ۲ و ۴)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «کوتاه» در «مدتی کوتاه ...» اضافه آورده شده است. «تغییرات زیاد» به صورت معرفه ترجمه شده است!

گزینه ۲: در «تغییرات کثیره» کلمه «کثیره» ترجمه نشده است! «لا + مضارع مخاطب» باید به صورت نهی ترجمه شود و معادل فارسی «نباید» برای فعل نهی مخاطب صحیح نیست.

گزینه ۳: «أُحْدِثْتُ: ایجاد شده باشد» ماضی مجهول است و باید مجهول ترجمه شود. «اسم الدار + موصول خاص» — «الماسی که»، یعنی همراه «ی» نکره

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. يُحَاسَبُ «به صورت فعل مضارع مجهول: محاسبه می‌شود» و «مُحَاسَبَةً» بر وزن «مُفَاعَلَةً» دو

کلمه‌ای هستند که در گزینه پاسخ به نادرست حرکت‌گذاری شده‌اند.

«هنگامی که مسلمانان در سال ۲۱ هجری پس از فروپاشی دولت ساسانی، شرق ایران را فتح کردند و در آن ساکن شدند، در یادگیری لهجه‌ها و گویش‌های ملّت‌هایش (یعنی ایران) با دشواری روبه‌رو شدند و ناچار به پذیرش زبان فارسی دری شدند در حالیکه آن، زبان مراکز دولت سامانی بود.

(دری) فارسی خالصی بود که میان ملّت‌های این منطقه معروف بوده پس مسلمانان برای مُحَقِّق ساختن اهدافشان آن را آموختند.

این زبان، (زبان دری) ریشه‌های فارسی اصلی کنونی به شمار می‌رود پس از آنکه با واژگان و اصطلاحات عربی مخلوط شده است تا از آن یک فارسی جدید آفریده شود و این چنین می‌بینیم که فارسی جدید، زبانی نیرومند ممتاز شده است، زیرا توانست که از زبان عربی بسیار استفاده نماید علاوه بر اینکه ریشه‌های فارسی و عمیق را به همراه خود دارد. پس اگر شرایط به زبان فارسی اجازه نمی‌داد که با زبان عربی و وزنهای شعری آن ترکیب شود، و یک میدان گسترده به سبب طبیعت واژه‌سازانه‌اش (مشتق‌سازی‌اش، کلمه‌پردازی‌اش) نداشت ممکن نبود که زبان فارسی کنونی به این درجه از رشد و گستردگی و ظرفیت برسد.»

۱) زبان فارسی دری پس از فتح اسلامی دست نخورده باقی ماند و تغییر نکرد.

۲) زبان فارسی قبل از آمیختنش با عربی سرشار از وزن‌های شعری بود.

۳) قطعاً تأثیر عربی بر فارسی دری در زمینه قواعد زبان فارسی قابل ملاحظه است.

۴) واژه‌سازی از ویژگی‌های زبان عربی است که بسیار بر فارسی اثر گذاشت و سبب ثروتمندی‌اش شد.

۱) همانا کسانی که در شرق ایران می‌زیستند، مُلَزَم به آموختن دو زبان فارسی و عربی بودند.

۲) آموختن فارسی دری بر مسلمان‌ها آسان بود پس به سخن گفتن به این زبان شتافتند.

۳) مسلمان‌ها در سال بیست و یکم هجری بر ایرانی‌ها پیروز شدند و دولت ساسانی سقوط کرد.

۴) همانا درهم آمیختن مسلمانان با ایرانی‌ها سبب آمیزش دو زبان آنها شد و زبانی غنی از واژگان فارسی و عربی آفریده شد.

۱) ساسانی‌ها پیش از حمله مسلمان‌ها، به ایرانی‌ها حکومت می‌کردند.

۲) در ایران، پس از ورود اسلام دولت به «سامانی» انتقال یافت.

۳) مسلمانان قصد داشتند که به واسطه فتح ایران مملکت‌هایشان (مناطق تحت حکومتشان) را زیاد کنند.

۴) همانا مسلمانان برای به دست آوردن اهدافشان و نه به منظور اشتیاقشان به زبان ایرانی‌ها روی آوردند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «نُشَاهِدُ» بر وزن «نُفَاعِلُ» فعل مضارع معلوم است. بنابراین نائب فاعل هم ندارد بلکه ضمیر مستتر «نَحْنُ» فاعل این فعل می‌باشد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. لَمْ يَعْلَمُوا: ندانستند، ندانسته‌اند (حذف ۲ و ۴) / «است که» و «فقط» در گزینه‌های ۲ و ۴ بدون معادل عربی است / يَبْسُطُ: گسترش می‌دهد، می‌گستراند (حذف ۳) / لِمَنْ يِشَاءُ: برای کسی که (هر کس) بخواهد (حذف ۲)



۱۴

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: کلمه «کانت» باید به صورت «بود» ترجمه شود، نه «است»!

گزینه ۳: در ترکیب «کانت تحمل» ماضی استمراری است و باید به صورت «حمل می‌کردند» ترجمه می‌شد!

گزینه ۴: «ایرانیان، در روزهای اول از فصل پاییز جشن می‌گرفتند.» صحیح است.

۱۵

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های ۱ و ۴: در صورت سؤال، «علاقة» مفرد است و ترجمه‌اش «رابطه، ارتباط» می‌شود و نباید «روابط، ارتباط‌ها» ترجمه شود!

گزینه ۳: در صورت سؤال، «أعماق» جمع است و باید به صورت جمع، ترجمه شود!

۱۶

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در سؤالات این شکلی که طراح مناسب‌ترین گزینه را می‌خواهد از لحاظ مفهوم باید مفهوم

کل عبارت صورت سؤال در گزینه باشد که فقط در ۴ است که می‌گوید کنعان با آنکه فرزند پیامبر بود «اصل و نسب

داشت» اما هنر «علم و ادب» نداشت. گزینه‌های دیگر به صورت ناقص مفهوم سؤال را دارند و مناسب‌ترین نیستند و

فقط گزینه ۴ مناسب‌ترین است.

۱۷

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. خطا در گزینه ۱ است زیرا «إنما» که به معنای فقط است اصلاً معنا نشده است. / «حیة

الصحرَاء إن تَجْعَل: مار صحرا که دُمش را چون عصایی قرار دهد.»

۱۸

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. کنت اقرأ = می‌خواندم = ماضی استمراری = رد گزینه‌های ۱ و ۳

«ولکن» = اما = که در گزینه ۴ اصلاً معنا نشده است.

۱۹

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. جذوع الأشجار الضلابة: تنه‌های سخت درختان (حذف ۱ و ۳) / منقار [مفرد است نه جمع]:

منقار، نوک (حذف ۲) / تَنْقُرُ: می‌کوبند، نوک می‌زنند / لَتَصْنَعُ: تا بسازند، برای اینکه بسازند (حذف ۳) / مُنَاسِباً: لهذا العمل:

مناسب این کار / عملها: کارشان، کار آنها (حذف ۱ و ۲) [«این» نباید قبل از «کارشان» ترجمه شود چون «هذا» برای

«العمل» است نه برای «عملها»]

۲۰

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تَمَّتْ: به اتمام رسید، تمام شد (حذف ۱ و ۲) / كُنْتُ قَدْ بَدَأْتُهَا: آغاز کرده بودم، شروع کرده

بودم (حذف ۱ و ۴) / مُنْذُ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ: از نه ماه پیش (حذف ۱ و ۴) / مُعَالَجَة: مداوا، معالجه (حذف ۴)



«قطعاً برخی تصور می‌کنند که عصر جاهلی دلالت بر عصری دارد که مردم در آن خواندن و نوشتن را نمی‌دانند و تمدن و فرهنگی که یاد شود ندارند پس در نتیجه نادان ضد دانا شمرده می‌شود پس بنابراین عصر جاهلی مشخص می‌کند که مردم در آن با حیوانات در صحراها و چادرها زندگی می‌کنند ولی ما می‌بینیم که این کلمه علاوه بر اینکه مقابل علم باشد در قرآن کریم آمده است تا بر معنای اضافی دیگری اشاره کند.

به برخی آیه‌ها توجه کن: «طریق عفو و بخشش پیش گیر و به نیکوکاری امر کن و از مردم نادان روی بگردان» «ما را به تمسخر گرفته‌ای. گفت پناه می‌برم به خدا از اینکه از مردم نادان باشم» مفهوم دو آیه و ارتباط کلمات در آن ثابت می‌کند که جهل به معنی خروج انسان از حالت اعتدال و غلیان احساسات و غیبت عقل است نگاه کنید به شاعر جاهلی چگونه این ماده را به کار می‌گیرد در حالی که قصد خروج و طغیان و قیام به کارهای خارج از قواعد عقلی دارد: «آگاه باشد کسی بر ما جهالت نمی‌کند پس ما بالاتر از جهل جاهلان مان جهالت می‌کنیم» علاوه بر این قطعاً مردم بهره می‌بردند از تمدنی که تأسیس شده بر اساس تجارت و کشاورزی و ساختن بناها و شهرها و برخی از آنان نوشتن و خواندن را می‌دانستند.»

برای چه عصر جاهلی به این نام نامیده می‌شود؟

- گزینه ۱: نبود توانایی بر آوردن حجت و دلیل در رویارویی با مسائل از سبب‌های این نام است. سایر گزینه‌ها:
گزینه ۲: به سبب اینکه مردم همچون حیوانات زندگی می‌کردند و حکومت یا شهری نداشتند.
گزینه ۳: زیرا هواها و عواطف شخصی نزد آنان مقصود نبود.
گزینه ۴: زیرا مردم از اخلاقیات و ارزش‌های انسانی دور بودند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. جواب کدام سؤال در متن نیامده است؟

- گزینه ۳: عصر جاهلی هنگام نزول قرآن چگونه بود؟ سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: آیا عرب قبل نزول قرآن تمدنی داشت؟
گزینه ۲: چگونه می‌فهمیم که قرآن از جمله جهل چه چیزی قصد کرد؟
گزینه ۴: از مصداق‌های جهل با توجه به آنچه در متن آمده چیست؟

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. غلط را مشخص کنید: بر اساس متن

- گزینه ۱: قطعاً صفت اساسی برای عصر جاهلی قبل نزول قرآن همان زندگی در صحرا و عدم درک آیات نازل شده است. [در حالیکه «قبل نزول القرآن» آیه‌ای نازل نشده بود که عرب‌های جاهلی بخواهند درکی از آن داشته باشند]. سایر گزینه‌ها:
گزینه ۲: اگر ندانیم معنی کلمه را در متن پس باید به کلمات نزدیک مراجعه کنیم زیرا آنها ما را (به کلمات نزدیکشان) راهنمایی می‌کنند.

- گزینه ۳: قطعاً انتقام و انجام کارهای ناشایسته از مصادیق وقوع در نادانی است.
گزینه ۴: چه بسا مؤلف یا خواننده کتاب و ما آن را نادان به حساب بیاوریم.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. لازم / متعدّد (يعرف فعل متعدی است و مفعول به آن القراءة است).

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

- گزینه ۱: اسم مبالغه (جاهلیّ اسم مبالغه نیست بلکه اسم فاعل + «ج» نسبت است. در این حالت «جاهلیّ» اسم فاعل یا اسم مبالغه نیست.



۲۶

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. حکایت می‌شود که: يُحْكِي أَنْ (إِنَّ: قطعاً، بی‌شک و ... / أَنْ: که، حرف ربط برای تواصل ردّ گزینه‌های ۱ و ۴) / جوانی دروغگو: شَابًا كَاذِبًا (كَذَّاب: معنای بسیار دروغگو هم دارد صیغه مبالغه است) / در روزی از روزها: فِي أَحَدِ مِنَ الْأَيَّامِ: (ردّ گزینه‌های ۱ و ۴) / شنا می‌کرد: كَانَ يَسْبَحُ (با اسلوب ماضی استمراری، ردّ تمامی گزینه‌ها به جز ۲) / و تظاهر نمود: تَظَاهَرَ (ماضی ردّ گزینه‌های ۳ و ۴) بالغرق: بِه غَرَقَ شدن

۲۷

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «که آن دوست از او برتر است» صحیح است، «أَفْضَلُ مِنْهُ: از او برتر، برتر از او».

۲۸

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. شاهدت فلما: فیلمی دیدم که (فلم موصوف برای جمله وصفیة يُصَوِّرُ پس از حرف ربط «که» بین دو جمله در ترجمه استفاده می‌شود - (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲) / یصور: نشان می‌داد (جمله وصفیّه و مضارع و به خاطر ماضی بودن فعل قبل در جمله موصوف به صورت استمراری ترجمه می‌شود - (ردّ گزینه ۴) / کائنات عجیبه فی أعماق البحار: موجودات عجیبی را در اعماق دریاها (کائنات عجیبه: هر دو نکره) / كانت الكائنات متنوّعة: این موجودات گوناگون بودند (الكائنات: معرف به ال که یک بار در جمله قبل به صورت نکره آمده پس در ترجمه از این و آن استفاده می‌کنیم - كانت: بودند - (ردّ تمامی گزینه‌ها به جز ۳) / الباحثون یقدّرون عددها بالملايين: محققان تعداد آن را به میلیون‌ها تخمین می‌زنند (رد تمامی گزینه‌ها به جز ۳) / لا تُشبه احداها الاخری: که هیچ‌یک از آنها شباهتی با دیگری ندارد

۲۹

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. فضل الانسان: برتری انسان (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴) / بأن یؤثر الصدق حیث یضّرّه علی الکذب حیث ینفعه: به این است که راستگویی را در جایی که به او زیان می‌رساند بر دروغ در جایی که به او سود دارد ترجیح دهد (حیث: آنجا که، جایی که - الصدق: راستی و راستگویی - یضّرّه و ینفعه: به او زیان می‌رساند و سود دارد، ردّ تمامی گزینه‌ها به جز ۲) / ألاّ یکون: و اینکه نباشد (ردّ تمامی گزینه‌ها به جز ۲) / حدیثه اکثر من عمله: گفتار یا سخن او بیش از (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴) / و یقدّم غیره علی نفسه: و دیگری را بر خود مقدّم بدارد (ردّ گزینه ۳)

۳۰

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. فعلی که «یوضّح ما قبله»: قبلش را توضیح می‌دهد، فعلی است که نقش جمله وصفیه دارد. گزینه ۱: طالب: اسم نکره، یدرک: جمله وصفیه — دانش‌آموزی که درک می‌کند ...
گزینه ۲: یدرک: خبر برای فعل ناقصه «کان»
گزینه ۳: یدرک: خبر برای مبتدایش یعنی ضمیر «هو»
گزینه ۴: یدرک: خبر برای فعل شروع «کاد» — نزدیک بود که دانش‌آموز درس را درک کند ولی ...

۳۱

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. لا یزال سابقاً: پیوسته پیش‌تاز است، پیوسته پیش‌تاز می‌باشد. [در عبارت عربی فعل مضارع مستقبل نداریم که به صورت آینده «خواهد ...» ترجمه شود.]

۳۲

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. غلط گزینه: اجازه می‌دهند (فعل یُسَمَح: اجازه داده می‌شود، یک فعل مجهول و مفرد است نه معلوم پس در ترجمه آن از فعل کمکی «شدن» استفاده می‌شود) / خزانه: مفرد، کُتِب: جمع مکسر «دوستم از کسانی بود که به آنها اجازه ورود به گنجینه کتاب‌ها، داده می‌شد».

۳۳

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. لا تحتقری من الخیر شیئاً: هیچ مقدار یا چیز از خیر را کوچک یا حقیر مشمار (ردّ گزینه ۲) / وافعلیه: و آن‌را انجام بده (ردّ گزینه ۱ - فعل امر) / واعلمی: بدان / أَنْ صغیره کبیر و قلیله کثیر: کوچکش بزرگ و اندک آن بسیار است - (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ - کبیر: صفت ساده و خبر است نه اسم تفضیل / و جمله اسمیه است و از فعل ربطی «است» استفاده می‌شود).



۳۴

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. منظور از جمله‌ای که قبلاًش را توضیح می‌دهد، جمله وصفیه است:
 (۱) کتاب: اسم نکره / مفید: صفت مفرد / نَقْرُوه: جمله وصفیه برای «کتاب»
 (۲) هذا: مبتدا / يَقْرُوه: خبر
 (۳) اِقْرَأْ: فعل امر است و فعل امر نمی‌تواند جمله وصفیه باشد.
 (۴) اَنْ يَقْرُوه: فعل مضارع است که به دلیل همراهی با حرف «اَنْ» نمی‌تواند جمله وصفیه باشد.

۳۵

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه صحیح گزینه پاسخ: «کسی که علم به او سود نرساند» [العلمُ: فاعل، ضمیر متصل «ه» در «يَنْفَعه»: مفعول]
 نکته: نَفَعَ: سود رساند / اِنْتَفَعَ: سود بُرد

۳۶

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فَتَحَ التَّمَسَاخُ فَمَه: تمساح دهان خود [دهانش] را باز کرد [باز شد] — اِنْفَتَحَ = فَتَحَ (حذف ۱ و ۴) / طائر [نکره]: پرنده‌ای، یک پرنده / كان قُربه: نزدیک او بود (حذف ۱ و ۲) بقايا الطعام: باقی‌مانده غذا، بقایای غذا (حذف ۲) / بدأ يَأْكُلُ مِنْ: شروع به خوردن از کرد (حذف ۱)

۳۷

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.
 اذْكروا: ذکر کنید، یاد کنید [به یاد بیاورید] — تَذَكَّرُوا = تَذَكَّرْنَ (حذف ۴) / اَلْفَ بَيْنَ: میان اُلْفَت ایجاد کرد (حذف ۳ و ۴) / بنعمته: به نعمت او، با نعمت او (حذف ۱) / «یکدیگر» در گزینه‌های ۱ و ۳ معادل عربی در سؤال ندارند. / اَصْبَحْتُم: شدید، گشتید (حذف ۴)

۳۸

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ندرک: درک می‌کنیم [مضارع اخباری] (حذف ۱ و ۳ و ۴) / لم تتحقق: محقق نشد، محقق نشده است (حذف ۱ و ۳) / اِنَّمَا تُصْنَعُ: فقط ساخته می‌شود [مضارع اخباری و مجهول] (حذف ۱ و ۳ و ۴)

۳۹

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. جمله وصفیه در ۲ وجود دارد. سنجاب: نکره / يقفز: فعل
 نقش «يقفز» در دیگر گزینه‌ها: ۱) خبر برای «هذا» / ۳) جمله فعلیه که به اسم «الدار = السنجاب» برمی‌گردد، پس وصفیه نیست. / ۴) خبر برای «كان»

۴۰

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «خوردنش واجب است» خطا است. چرا که در عبارت عربی چیزی از واجب بودن نگفته است. (هرکس شکار شود، شکارچی او را می‌خورد، یعنی ضعیف نشو تا به تو ظلم و ستم نشود.)

۴۱

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. پشیمان خواهد کرد: آینده است که اصلاً فعل آینده‌ای نداریم. [يجعلك نادماً: تو را پشیمان می‌کند، تو را پشیمان می‌سازد].
 گزینه (۱) هم خالی از اشتباه نیست — اِنْ كُنْتَ تَحِبُّ [ماضی استمراری]: اگر دوست می‌داشتی.

۴۲

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. صورت سؤال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، فعل «قد عَصَفَتْ» ما قبل خود را توضیح داده باشد. به عبارت دیگر، باید فعل «قد عَصَفَتْ» جمله وصفیه باشد و اسم نکره پیش از خود را توصیف کند.
 در گزینه ۱، «رياحاً» اسم نکره است و فعل «قد عَصَفَتْ» جمله وصفیه برای توصیف آن است. (ترجمه عبارت: دیدم بادهای شدیدی را که وزیده بودند و درختان را شکسته بودند!). تشریح گزینه‌های دیگر:
 گزینه ۲: «قد عَصَفَتْ» خبر كان (از افعال ناقصه) است. (ترجمه عبارت: بادهای شدیدی وزیده بودند و برخی خانه‌ها را خراب کرده بودند!)
 گزینه ۳: «قد عَصَفَتْ» بعد از اسم نکره‌ای نیامده است، پس نمی‌تواند جمله وصفیه باشد.
 گزینه ۴: «قد عَصَفَتْ» بعد از اسم نکره نیامده است و جمله وصفیه نیست. («هذه» مبتدا و «قد عَصَفَتْ» خبر آن است.)



گزینه ۳ پاسخ صحیح است. صورت سؤال، حرف «لِ» را می‌خواهد که با بقیه متمفاوت باشد. حرف «لِ» بر سر فعل مضارع، گاهی به معنی «تا، تا اینکه» و ناصبه است. (بین دو جمله فعلیه ارتباط برقرار می‌کند)؛ گاهی نیز به معنی «باید» و از نوع جازمه (امر) است. (بر سر فعل مضارع در صیغه‌های غایب و امر برای امر و دستور می‌آید).
تشریح گزینه‌ها:

گزینه ۱: ترجمه عبارت: همه دانش‌آموزان در سالن حاضر شدند تا در امتحان شرکت کنند! («لِ» به معنی «تا»، «تا اینکه» و از نوع ناصبه است).

گزینه ۲: ترجمه عبارت: نهنگ صید می‌شود تا روغنش استخراج شود و از آن مواد آرایشی ساخته شود! («لِ» به معنی «تا»، «تا اینکه» و از نوع ناصبه است).

گزینه ۳: ترجمه عبارت: طبیعت زیباست باید از آن نگهداری کنیم در حالی که ما بدان بسیار نیاز داریم! («لِ» به معنی «باید» و از نوع جازمه (امر) است). (نوع «لِ» متفاوت از بقیه گزینه‌هاست).

گزینه ۴: ترجمه عبارت: گاهی درختانی می‌کاریم که بعد از سال‌ها میوه می‌دهند تا دیگران از آن بخورند! («لِ» به معنی «تا»، «تا اینکه» و از نوع ناصبه است).

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «اجتهد»: (فعل امر) تلاش کن، بکوش / «النَّجَاح»: موفقیت (رد گزینه ۳؛ مصدر است، نه فعل) / «اكتساب»: کسب، به دست آوردن (رد گزینه‌های ۳ و ۴؛ مصدر است، نه فعل) / «ينفعك»: به تو سود می‌رساند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «دَع»: (فعل امر) رها کن (رد گزینه ۳) / «لیس»: نیست / «طريقٌ»: راهی / «فی الحیاة»: در زندگی (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «لا یمز»: گذر نکند / «المصاعب»: مشکلات
نکته مهم: [مشکلات، سختی‌ها، دشواری‌ها ← المصاعب / مصیبت‌ها، بلاها ← المصائب]

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. کانت تستطیع: ماضی استمراری: می‌توانست: (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / أكثر من مائة کتاب: بیش از صد کتاب (رد گزینه ۴)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در عبارت (چه بسیار) در گزینه ۳، (چه) اضافی است (رد گزینه ۳) / ما کنتُ راضياً: راضی نبودم (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / أن أشکرک: از تو تشکر کنم [باشم ← أن أکون، لأکون] (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. (تعیش): زندگی کنی، [مضارع است نه امر] (رد گزینه ۱) / عاملهم: با آنها رفتار کن ... (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / (ترید): [مضارع] بخواهی: (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / أن تكون سعيداً مع الناس: که همراه مردم، خوش‌اقبال [خوشبخت] باشی (رد گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳) / أن يُعاملوک: با تو رفتار کنند (رد دیگر گزینه‌ها)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. (یغفرونا): ما را ببخشند ... (رد گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. غلط گزینه: تا سخن حق را از افراد گرفته باشیم ← تا سخن حق را از هر شخصی بگیریم

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.
عَوْد: عادت بده (رد گزینه‌های ۱ و ۴) برگرد ← [عُد = عودي = إرجع = إرجعی] / نفسک: خودت یا خود را / بأن تُکَلِّم الناس لسان لَین: به اینکه با زبانی نرم با مردم سخن بگویی (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / و أن لا تتدخل فی موضوع لیس لک به علم: و در موضوعی که به آن علمی نداری دخالت نکنی (رد گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴) و إلا یمکن أن تقع فی موضع التهمة: وگرنه امکان دارد در موقعیت اتهام قرار بگیری (رد گزینه‌های ۱ و ۳)



۵۱

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ما أَجْمَل: چه زیباست (رَدّ گزینه‌های ۱ و ۲: وزن ما أَفْعَل و صیغۀ تَعَجَّب) / اُنْ یكون هناک أَحَدٌ: که کسی باشد (رَدّ گزینه‌های ۲ و ۳) / یُفَكِّرُ دائماً فیک بحسن ظَنٍّ: که همیشه در مورد تو با گمان نیک اندیشه کند (رَدّ گزینه‌های ۱ و ۳) / فاذا أخطأت یَغْفِرُک: پس اگر خطا کنی تو را می‌بخشد (رَدّ گزینه‌های ۱ و ۲) / و إن أَسَاءَ الیک یَعْتَذِرُنِک: و اگر به تو بدی کرد یا کند از تو عذر خواهی می‌کند (رَدّ گزینه‌های ۱ و ۲)

۵۲

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. تَنْصَحُ: جمله وصفیۀ چون بعد اسم نکره واقع شده است. سایر گزینه‌ها:

۱- خبر جمله

۳- خبر کان

۴- خبر جمله برای هی (در جمله حالیه)

۵۳

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. غلط‌های سایر گزینه‌ها:

۱- اتفاق می‌افتاد / اتفاق خواهد افتاد (مستقبل)

۲- حیرت نمی‌کنی / حیرت نکردی (ماضی منفی)

۳- داد و ستد می‌کنند / داد و ستد می‌کردند (ماضی استمراری)

۵۴

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. تساعد جمله وصفیه است چون بعد از طالبة (اسم نکره) آمده است. سایر گزینه‌ها:

۱- مَنْ، اسم موصول است و نکره نیست پس «تُساعد» هم جمله وصفیه نیست.

۳- جمله فعلیه، خبر برای «هذه»

۴- جمله فعلیه، خبر برای «کانت»

۵۵

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. صورت سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، خبر «کان» (از افعال ناقصه) متفاوت از بقیه‌ی گزینه‌ها باشد. تشریح گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «الطالب» اسم کان و «یتکَلَّم» خبر آن است. (خبر به صورت فعل)

گزینه‌ی ۲: «الإنسان» اسم کان و «یستغید» خبر آن است. (خبر به صورت فعل)

گزینه‌ی ۳: «التلامیذ» اسم کان و «یقذفون» خبر آن است. (خبر به صورت فعل)

گزینه‌ی ۴: «الفتق» اسم کان و «لذیذاً» خبر آن است. (خبر به صورت یک اسم)

ترجمه‌ی عبارت گزینه‌ی ۴: پسته‌ای که در کرمان تولید می‌شود، لذیذ است!

۵۶

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. صورت سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن حرف «لِ» با بقیه متفاوت باشد. حرف «لِ» در گزینه‌ی ۲، به معنی «تا، تا این‌که» است، زیرا دو جمله را به هم متصل کرده است و حرف ربط محسوب می‌شود. («لِ» از نوع ناصبه است).

ترجمه: به خاک و کود نیاز داریم تا گل رشد کند!

در سایر گزینه‌ها، «لِ» از نوع امر و به معنی «باید» است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: حرف «لِ» از نوع امر (جازمه) و به معنی «باید» است. ترجمه: اگر بخواهیم علم بیاموزیم، پس باید با اندیشه‌ورزان هم‌نشینی کنیم!

گزینه‌ی ۳: حرف «لِ» از نوع امر (جازمه) است. ترجمه: باید تماشاچیان، بازیکنان را در مسابقات تشویق نمایند!

گزینه‌ی ۴: حرف «لِ» از نوع امر (جازمه) است. ترجمه: همانا مؤمنان باید بیچارگان را از آن‌چه می‌خورند، غذا بدهند!



گزینه ۳ پاسخ صحیح است. دَقَّت کنید «العالم» به معنی «دنیا» بر وزن «فَاعِل» نیست و اسم فاعل محسوب نمی‌شود (آن را با اسم فاعل «العالم» به معنی «دانشمند» اشتباه نگیرید!). بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۱: «نقوداً» مفعول و منصوب است و «ورقیّة» صفت و به تبعیّت از آن، منصوب است.

گزینه‌ی ۲: «أَوَّل» عددی ترتیبی است. در این جمله «الصّین» مبتدا و «أَوَّل» خبر آن است. (چین، اولین کشوری است که ...)

گزینه‌ی ۴: «استخدمت» بر وزن «استفعل» فعل ماضی از باب استفعال است. هم‌چنین جمله وصفیه است و اسم نکره‌ی «دولة» را توصیف می‌کند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «أَلَّف» فعل ماضی بر وزن «فَعَّلَ» و از باب تفعیل است؛ بنابراین «من باب تفعّل» نادرست است. بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۱: کلمه‌ی «الله» معرفه از نوع اسم علم (خاص) است.

گزینه‌ی ۲: «اذکروا» فعل امر متعدّی و کلمه‌ی «نعمّة» مفعول آن است.

گزینه‌ی ۴: «کنتم» از افعال ناقصه، ضمیر «تُم» اسم آن و «أعداء» خبر آن است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «جوان دروغگو»: الشّابّ الكذاب (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «هنگامی‌که»: لَمَّا، عنَدما / «برای بار سوم»: (عدد ترتیبی) للمرّة الثّالثة (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «دروغ گفت»: کذب / «نزدیک بود غرق شود»: کادَ ... یَغرق (رد گزینه‌ی ۴)

نکته‌ی مهم: «کادَ + فعل مضارع» به صورت «نزدیک بود ...» ترجمه می‌شود.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینه‌ی ۲: فعل «أَخَذَ» وقتی همراه با یک فعل مضارع می‌آید، به صورت «شروع به ... کرد» ترجمه می‌شود. (أَخَذَتْ تَسِيرُ: شروع به حرکت کرد)

ترجمه‌ی صحیح عبارت: ولی درب بسته نشد و اتوبوس به سرعت شروع به حرکت کرد!

گزینه‌ی ۳: «الكراسی الأماميّة» ترکیب وصفی است و باید به صورت «صندلی‌های جلویی» ترجمه گردد.

ترجمه‌ی صحیح عبارت: ترس بر کسانی‌که روی صندلی‌های جلویی نشسته بودند، چیره شد!

گزینه‌ی ۴: «الخاصّ» و «فی السیّارة» ترجمه نشده است. «اتوبوس» و «هنوز» هم معادلی در عبارت عربی داده شده ندارند.

ترجمه‌ی صحیح عبارت: زیرا راننده بر صندلی خاصّ خود در ماشین نشسته بود!

نکته‌ی مهم: «أَخَذَ + فعل مضارع» به صورت «شروع به ... کرد» ترجمه می‌شود.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ۲، «لا نحزن» فعل مضارع از صیغه‌ی متکلم مع‌الغیر به معنی «ناراحت نشویم» است که به صورت غایب ترجمه شده است. (ترجمه‌ی صحیح عبارت: باید بپذیریم که خودمان با مشکلات جزئی ناراحت نشویم!)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

گزینه‌ی ۱: (الأراء المتعدّدة)

گزینه‌ی ۲: (الملعب الكبير)

گزینه‌ی ۳: (التلميذ الناجح) ترکیب وصفی‌اند، که در این ۳ ترکیب دومین اسم صفتِ مفرد است، اما در گزینه‌ی ۴: (مُزارع یجتهد) فعل مضارع «یجتهد» جمله وصفیه است.



۶۳

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. (ل) امر = (ل) جازمه — معنی: باید [باید بیفتند].

(ل) جازمه در جملات دارای یک فعل می‌آید ولی (ل) ناصبه در جملات دارای چند فعل می‌آید.

۱) خداوند قلب ما را با دانش‌های سودمند روشن کرد - نورانی کرد - تا او را یاد کنیم (۲ / ماهی تیرانداز قطره‌های آب را پرتاب می‌کند تا حشره بیفتد. / ۳) جلوی تلویزیون نشستیم تا فیلم جالبی ببینیم. (لام در گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳، به معنای «تا اینکه - برای اینکه» و از نوع ناصبه است.

۶۴

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی متن:

بدان که اگر سلول‌های مغز بکارگیری نشود و پیوسته مورد کار و فعالیت قرار نگیرد، حجم و اندازه‌اش کم خواهد شد و نیروهایش و توانش [انرژی‌اش] برای کار کردن کم می‌شود.

تمرین فعال‌سازی سلول‌های مغز از طریق پرداختن به آزمایش‌های عقلی - ذهنی - متنوع مثل آزمایش‌های حافظه و سنجش هوش و ... انجام می‌شود.

و مهم این است که این آزمایش‌ها برای فرد، جدید و ناشناخته باشد. زمانیکه به فعال‌سازی سلول‌ها به منظور رسیدن به سطح‌های پیشرفته از فکر کردن و تجزیه و تحلیل [ذهنی] به سلول‌ها کمک می‌کند. و در این زمینه خواندن و نوشتن به زبان‌های مختلف و همچنین پرداختن به برخی بازی‌هایی که به فکر کردن و تجزیه و تحلیل نیاز دارد [مثل شطرنج]، - به مغز - کمک می‌کنند.

سلول‌ها به ذهن کمک می‌کنند که رشد کنند و بیشتر و بیشتر فعالیت کنند.

خطا: نگاه کردن بازی‌های فکری مثل شطرنج

۶۵

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. کسی‌که اجتناب نمی‌کند مواجه شود با چیزی که به تفکر نیاز دارد.

۶۶

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. تمرین‌های فکری بر عمل‌کرد مخ تأثیر می‌گذارد.

۶۷

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در متن نیامده: چگونگی تأثیر خواندن زبان خارجی بر کارهای انسان

۶۸

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. لم تستعمل: لم + مضارع (ماضی نقلی منفی) — گزینه ۳ که گفته ماضی استمراری، نادرست و پاسخ است.

۶۹

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

گزینه‌ی ۲: به معنی مضارع التزامی غلط است و جواب ۲ می‌شود.

۷۰

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مصدر: تَنَوَّع / باب: تَفَعَّل (گزینه ۴، مصدر را اشتباهاً معرفی کرده است.)

۷۱

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. برنامه‌هایشان: ضمیر را ترجمه نکرده‌اند. (رد گزینه‌ی ۱ و ۴) / که موقِّق شوند: اَن ینجحوا (رد گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴) / برایشان امکان دارد: کیف یمکن لهم (رد گزینه‌ی ۲)

۷۲

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ۲: ما کان المطر کثیراً: باران زیاد نبود.

به غلط به صورت ترکیب ترجمه شده. (جواب گزینه‌ی ۲)

۷۳

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. يعرف: فعل مضارع (رد گزینه‌ی ۱) (می‌دانست) / ینستطیع: می‌تواند (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / کلمه (دوباره) در گزینه‌ی ۲ اضافه است. (رد گزینه‌ی ۲) / کنت نسبت: فراموش کرده باشی (رد گزینه‌ی ۳)



۷۴ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. لنگر: باید بیندیشیم (رد گزینه‌ی ۲ و ۴) (خواهیم اندیشید و اندیشیدن، غلط)
کل دلائل: همه دلائل (رد گزینه‌ی ۱)

۷۵ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. القمه: معرفه (رد گزینه‌ی ۲ و ۳) (نکره گفته‌اند و غلط اند = قله‌ای)
کان یتحرک: حرکت می‌کرد (ماضی استمراری) (رد گزینه‌ی ۴)

عبارات «در حرکت بوده است - می‌خواست - در حالی‌که» اضافی‌اند و معادلی در صورت عربی سؤال ندارند (حذف ۲ و ۳ و ۴)

۷۶ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. لم یعلموا: ندانسته‌اند [ماضی منفی] (رد گزینه‌ی ۲ و ۴) (مضارع ترجمه کرده‌اند)
الرزق: مفرد و معرفه (روزی‌های) در گزینه‌ی ۳ غلط است. (رد گزینه‌ی ۳)

۷۷ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. معین کنید آن‌چه را که معادل ماضی استمراری در فارسی نیست:
فعل مضارع «ینبت» بعد از موصول «الذی» آمده و متعلق به جمله بعد از آن است و ارتباطی به فعل «کان» در اوّل عبارت ندارد و در سایر گزینه‌ها:
کان ... یقذفون: پرتاب می‌کردند.
کان ... یضمّ: دربرمی‌گرفت.
کان ... یأمر: فرمان می‌داد.
همگی معادل ماضی استمراری هستند.

۷۸ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی متن:
میلیاردها نفر از مردم در همه اطراف جهان، به ویژه در فقیرترین دولت‌های جهان، به اقیانوس‌ها و دریاها اعتماد دارند
بی‌شک آن‌ها به شکلی اساسی در این‌جا فرصت‌های کار موثر هستند و این‌چنین است به دست آوردن غذا و نیازهای
روزانه.

کشورهای مجاور به این نعمت بزرگ‌تر، از آن به شکل‌های مختلفی در زمینه رشد دادن اقتصاد خود و ارتقای خود
استفاده می‌کنند؛ پس آن علاوه بر این‌که منابعی از نعمت‌های غذایی و غیره است فرصتی طلایی برای جذب گردشگران
و مسافران از همه کشورهای جهان برای خوش‌گذرانی و لذت می‌باشد. و امر شایان ذکر آن است که حمل و نقل دریایی
اکنون یکی از راه‌های اساسی اتصال بین کشورها شده است، پس برای آن یکی از عوامل با نشاط نمودن اقتصاد به شمار
می‌آید. و در پایان، چیزی که مراعات آن واجب است آن است که دریاها مکانی برای زباله‌ها نیستند. پس بی‌شک عدم
رعایت این امر، مسبب نابودی انسان به دست خودش می‌گردد.

معین کنید آن‌چه را در متن ذکر نشده: «اثر دریاها در هوای پاکیزه» که در متن اشاره‌ای به آن نشده است.
(۲) دریاها و اثر آن‌ها بر پر کردن ساعت‌های فراغت.
(۳) زندگی مردم و اثر دریاها بر آن.
(۴) اثر دریاها در ارتباط برخی کشورها با برخی دیگر.

۷۹ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. معین کنید آن‌چه را از فایده‌های دریاها نیست.
«آن‌ها مکان‌هایی برای زباله کارخانجات هستند» که طبق متن از این مساله نهی شده و از مسائل و امور مضر می‌باشد.
(۱) به وجود آوردن سازمان‌هایی برای حمل‌ونقل
(۳) تأسیس شرکت‌های غذایی
(۴) سواحل آن‌ها مکان‌هایی برای استراحت است.



۸۰

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. چگونه انسان خودش را می‌کشد؟
 «با آلوده کردن آب‌های دریاها» که دقیقاً در جمله پایانی متن آمده است.
 (۲) با عدم رشد دادن اقتصاد کشور خود به وسیله دریاها
 (۳) با استفاده از زباله‌ها (که دقیق نیست چون ریختن در دریاها مضر است نه فقط استفاده از زباله‌ها)
 (۴) با انداختن مابقی غذای خود در دریا (دقیق نیست چون لزوماً باقیمانده غذا موجب آلودگی و نابودی انسان نیست).

۸۱

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. عنوان مناسب برای متن
 «اهمیت دریاها» با توجه به مطلع متن و توضیحات آغازین آن، عنوان مناسبی برای درک مطلب است.
 (۱) منابع غذایی دریاها
 (۳) اثر زباله‌ها در دریاها
 (۴) حمل‌ونقل دریایی
 همگی از مطالب موجود در متن هستند اما بر کل متن عمومیت نداشته و همه آن‌را شامل نمی‌شوند.

۸۲

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. حروف اصلی «تعتمد» (ع ت م) نیست بلکه (ع م د) است. و سایر توضیحات در همه گزینه‌ها صحیح هستند.

۸۳

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. (أصبح: شد، گشت، گردید) با (كان: بود) هم معنا نیست.
 سایر توضیحات همه گزینه‌ها صحیح هستند.

۸۴

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مؤنث أفعال تفضیل بر وزن (فُعَلَى) است و (أفْعَلَة) صحیح نیست.

۸۵

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. واثقاً ب: اعتمادکننده به، اعتماد دارنده به
 تستطیع: می‌توانی (رد گزینه‌ی ۳ و ۴)
 گزینه‌ی ۱ هم به دلیل آن‌که (اعتماد کنی) معادل فعل (تعتمد) است که در عبارت عربی وجود ندارد، ترجمه نادرستی است.

۸۶

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ۲ (ل) حرف ناصبه است و مضارع منصوب اما سایر گزینه‌ها (ل) جازمه و مضارع مجزوم است.

۸۷

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. غلط ← (حروف الاصلیة ش م ت) / شاتم حروف اصلیش (ش ت م) است.
 الشاتم: اسم فاعل و معرب است نه مبنی.

۸۸

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. إِنَّا (قطعاً ما، ما) / نرى (می‌بینیم) / الكثير من البَطِّ (بسیاری از اردک‌ها) / یسبحُ (شنا می‌کنند) / فی الماء البارد (در آب سرد) / فی الشتاء (در زمستان) / و الانسان لیس كذلك (حال آن‌که انسان این چنین نیست). رد سایر گزینه‌ها:
 (۱) می‌یابیم، آب سرد زمستان
 (۲) اردک‌های زیادی، سرمای زمستان، سرد (ذکر نشده) نمی‌باشد.
 (۴) اردک‌های زیادی، می‌یابیم، زمستان سرد، سرد (ذکر نشده) نمی‌باشد.

۸۹

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.
 در گزینه‌ی ۱ (الفرص القلیله) در گزینه‌ی ۳ (آثار التاریخیّه) و در گزینه‌ی ۴ (اسبوع واحد) ترکیب وصفی‌اند.
 اما در گزینه‌ی ۲: «كجزيرة لا یكون» جمله وصفیه (لایکون ...) داریم.



۹۰

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. في سنة واحدة: در یک سال [سالی یک بار ← مَرَّةً في السنة] (حذف ۲ و ۳) / لَمْ تَتَّبَدَلْ: رد و بدل [تَبَادُل] نشد - معادل ماضی منفی ساده (حذف ۲ و ۳) / أَصْبَحْتَ: شد، شدند / غَنِيَّةٌ: غنی، سرشار (حذف ۲ و ۳ و ۴) / قد حَدَّثَ: رُخ داده است (حذف ۲ و ۴)

۹۱

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. نکته: چون کلمه «حِیَاة» فتحه دارد پس نقش مفعول را دارد ← رد گزینه‌ی ۲ که حالت مجهول ترجمه کرده است و غلط است.
رد گزینه‌ی ۱ ← زندگی خود که در ترجمه نیامده است.
کان + یعلم ← ماضی استمراری ← رد گزینه‌ی ۴

۹۲

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. و اذكروا علیکم ← رد گزینه‌های ۱ و ۳ (عدم ترجمه علیکم)
دل‌هایتان را به هم نزدیک کرد در گزینه‌ی ۴ غلط است ← رد گزینه‌ی ۴
نکته: ذَكَرَ: یاد کرد / تَذَكَّرَ: به یاد آورد / ذَكَرَ: یادآوری کرد [یادآوری کنید ← ذَكَرُوا = ذَكَّرُوا]

۹۳

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در کدام گزینه فعلی که ما قبلش را وصف می‌کند [جمله وصفیه] نیست. سایر گزینه‌ها: (۱) تدور / (۳) یشیر (۴) یُحصی: که به ترتیب عین، مواعظ، و کتاب را وصف می‌کنند.

۹۴

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. قَدَّم: تقدیم کرد / صدیقی: دوستم / هَدِيَّة: هدیه‌ای / فی الحکمة و الموعظة: در زمینه حکمت و پند / کانت قِيَمَة: که ارزشمند بود / ارشدتی: مرا هدایت نمود / الی سبیل الخیر: به سوی راه خیر
غلط‌های گزینه‌ها:

(۱) هدیه‌ای را که دوستم، هدایت می‌نماید.

(۲) است، خوب‌ترین راه هدایت می‌کند.

(۳) هدیه‌ای که دوستم، بهترین راه‌ها

۹۵

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. نکته (ل) ناصبه به صورت تا (تا این‌که) ترجمه می‌شود.
(ل) جازمه به صورت (باید) ترجمه می‌شود.

در نتیجه: چون (ل) ناصبه معنی (ارتباطی) دارد پس در جمله‌ای می‌آید که دارای ۲ فعل باشد تا بین آن‌ها ارتباط برقرار کند. اما (ل) جازمه در جمله‌های تک فعلی می‌آید.

گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴ (ل) ناصبه (هر جمله چند فعل دارد)

گزینه‌ی ۱: (ل) جازمه (فقط یک فعل داریم) [هنگام دیدن آثار قدرت خداوند، قلب باید خشوع کند - باید بترسد].

(۲) کمک کن ... تا خارج شوند / (۳) انسان باید ... تا اصلاح کند / (۴) رفت ... تا بخرد.



انسان نمونه‌ای که برای [رسیدن به] بزرگی تلاش می‌کند، همان انسانی است که به جهان همچون میدانی می‌نگرد که فقط در آن [میدان] حرکت و پویایی دیده می‌شود. آن هم زمانی که سُستی و ایستایی مساوی با مرگ است. همینطور، هر آنچه در هستی موجود است هنگامیکه پیروزی را اراده کند، لازم است با جهان به عنوان مجموعه‌ای روبه‌رو شود که در آن پستی و بلندی [فراز و نشیب] وجود دارد و هیچ چاره‌ای از آن نیست و ممکن نیست که یکی را بدون دیگری انتخاب کند.

پس همانا سختی‌هایی که - به عنوان نمونه - در راه دانش‌آموز قرار می‌گیرد همان سختی‌هایی است که کم و بیش یا شبیه آنها در مسیر دیگران هم هست. پس هرکس نَفَسش با ظرفیت باشد بدون ضجر و آزار، زندگی را با آنچه که در آن موجود است می‌پذیرد ولی کسی که شَأْن و ظرفیت خود را کوچک شمرده زندگی برایش بزرگتر از [وجودش] می‌باشد و زندگی بر او چیره می‌شود که در این زمان، این انسان در حال ناامیدی زندگی می‌کند که دیگران را - به این دلیل که در راه برآوردن نیازهایش نبودند - لعنت می‌کند.

.....

گزینه‌ی ۳ مطلب و ویژگی مشخص در متن است.

(۱) زندگی به صورت یکسان با بشر روبه‌رو می‌شود. (×)

(۲) مقدار سختی‌ها، میان تمام بشریت مساوی است. (×)

(۳) سُستی و نشیب و فراز، از آنهاست که هرگز چاره‌ای از آنها نیست. (✓)

(۴) ناامید زندگی می‌کند در حالیکه به برآوردن نیازهای دیگران فکر می‌کند. (×)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «کسی که زندگی را بپذیرد دچار ناامیدی نمی‌شود.» این مفهوم طبق عبارت «فَمَنْ كَانَتْ نَفْسُهُ مُتَّسِعَةً تَقْبِلُ الْحَيَاةَ» صحیح است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. خطا را می‌خواهد که طبق متن کسی که «زندگی بر او چیره شود» انسانی نیست که پیروزی و نصرت همراه اوست، بلکه گزینه‌ی ۱ ویژگی انسانی است که «نشان خودش را کوچک و تحقیر کرده است.»

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. عنوان مناسب برای متن که کامل‌ترین مورد، گزینه‌ی ۴ [دنیا با سختی‌ها و بلاها پوشیده است.] می‌باشد.

(۱) پیروزی برای کسی است که نمی‌خواهد. (۲) شاید فردا سختی، آسانی شود. (۳) روزگار دو روز است، روزی به نفع تو و روزی به زیان تو است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. دقت: صورت سوال، خطا را می‌خواهد.

(کانت) در جمله در مطلب، فعل شرط است (نه جواب شرط) ← جواب گزینه ۲

ساختار شرطی: ادات شرط «مثل (ان / کن / ...)» + فعل شرط + جواب شرط

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

صَغَرُ: ماضی باب تفعیل است. گزینه‌ی ۴ باب (تفعّل) را غلط گفته است. (جواب گزینه‌ی ۴)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. الطالب: اسم فاعل است (بر وزن خود فاعل) یعنی از یک فعل ثلاثی مزید گرفته نشده است. گزینه‌ی ۲ که باب مفاعله (مُطالِبَه) را معرفی کرده غلط می‌شود چون نباید به باب‌های ۸ گانه و قاعده‌دار مربوط باشد.



۱۰۳ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. کان ... أَلْف: تألیف کرده بود، ماضی بعید (رد گزینه‌ی ۱) (تألیف کرد، غلط است)

اعمالهم: کارهایشان (رد گزینه‌ی ۲) (کارها، غلط است)
کلمه (باید) در ترجمه گزینه‌ی ۴ غلط است (رد گزینه‌ی ۴)

۱۰۴ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. کُنَّا نذهب: ماضی استمراری (می‌رفتیم) ← (رفته بودیم در گزینه‌های ۲ و ۳ خط می‌خورد)
(رد گزینه‌های ۲ و ۳)

کُنَّا نصل: ماضی استمراری (می‌رسیدیم) ← گزینه ۱ که گفته رسیده‌ایم. (غلط است)

۱۰۵ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. يُعْتَبَرُ عالماً: عالم [دانا] محسوب می‌شود / أَصْبَحَ عالماً: دانا شده است (رد دیگر گزینه‌ها)

۱۰۶ گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

کانت + + عین + تُسْقِي : چشمة‌ای که روستا را سیراب می‌کرد.
اسم نکره جمله وصفیه

۱۰۷ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ۱) فرو بردن خشم کار آسانی نیست. / ۲) این بهترین راه است. / ۳) با کسی که می‌خواهد تو را عصبانی [خشمگین] کند.

۱۰۸ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. فجأةً: ناگهان [پس - که - بنابراین] ترجمه‌های درستی برای این کلمه نیستند. [حذف ۱ و ۳ و ۴] / فیها: در آن (حذف ۱) / ثقبۃ: سوراخی (حذف ۱)

۱۰۹ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مُنادياً: ندا دهنده‌ای [اسم فاعل و نکره] / سمعنا یُنَادِی: شنیدیم که ندا می‌داد یا فرا می‌خواند [فعل دوم به تأثیر ماضی اول، ماضی استمراری ترجمه می‌شود] (رد دیگر گزینه‌ها)

۱۱۰ گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

۱) باید بر عاقلان اعتماد کنیم تا از علم آنان سود ببریم.

۲) دوستی دارم که سخت مشتاق می‌باشد.

۳) هرکس قبل از اینکه سخن بگوید فکر کند، از خطا دور می‌شود.

۱۱۱ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. إن لم یکن أصبح [اسلوب شرط]: اگر، چنانچه نباشد می‌شود / رخیص: ارزان / کلمات «خیلی - پایین‌تر - پایین» معادلی در عبارت عربی سؤال ندارد. (حذف ۲ و ۳ و ۴)

۱۱۲ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. أ لم تعلم: آیا ندانستی / لنا: برای ما، من: از / فی محاربة: در جنگ (حذف سایر گزینه‌ها)

۱۱۳ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. آمدن ادات ناصبه بر سر افعال مضارع باعث التزامی ترجمه شدن آن‌ها می‌شود که در سایر گزینه‌ها ادات ناصبه «أَلَّا، أَنْ و لَ» آمده است. / لاتقربوا: نزدیک نشوید ← مضارع التزامی نیست بلکه در فارسی و عربی فعل نهی است.

۱) أَلَّا [أَنْ + لَا] یقتربوا: که نزدیک نشوند / ۲) أَنْ تكونوا: که باشید / ۴) لیتعلموا: تا یاد بگیرند

۱۱۴ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. کلّ لغة: هر زبانی / و قد أصبحت کلمات: و واژگانی شده‌اند (رد گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴)

۱۱۵ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. أصدقاء كثیرون: دوستان زیادی، دوستان بسیاری (رد گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳) / لتصبح: تا شوی، تا بشوی (رد گزینه‌های ۱ و ۲)



۱۱۶

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

- ۱) لانشاهد: جمله وصفیه برای اسم نکره «مطراً»
- ۲) تعرفه: جمله وصفیه برای اسم نکره «مسافر»
- ۳) غیّرت: جمله وصفیه برای اسم نکره «جمله»
- ۴) الصعبة: صفت مفرد برای موصوفش «مصائب»

۱۱۷

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

كان يَهْتَمُّ: عنایت داشت، توجّه می‌کرد، اهمیّت می‌داد. [ماضی استمراری]

۱۱۸

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. کاملاً [نکره]: سخنی، یک سخن (حذف ۳ و ۴) / ليس للنّاس: مردم ندارند [توجّه کنید، ليس معنای «نیست - نداشتن - ندارد» دارد نه معنای «هیچ نیست - هیچ نداشتن» (حذف ۲ و ۳)]

۱۱۹

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «کتاب» نکره است و «که آن را دیده بودم» باید به حالت جمله وصفیه ترجمه شود پس (حذف ۱ و ۴)؛ «آن» در گزینه‌ی ۳ ترجمه نشده است.

۱۲۰

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «عامل: رفتار کن» (حذف ۲ و ۳ و ۴) / «نباشید و م باشید» جمع‌اند در حالی‌که «لا تکن» مفرد است (حذف ۳ و ۴) / «يعاملوك» نیز جمع است پس (حذف ۲)

۱۲۱

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. كان يُمضي أوقاته: اوقات خود را می‌گذراند [ماضی استمراری] (حذف ۱ و ۳ و ۴) / و لا يبتعد: دور نمی‌شد [با حرف «واو» عطف به فعل قبلی شده پس ماضی استمراری ترجمه می‌شود.] (حذف ۳ و ۴)

۱۲۲

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

لم يكن ... يظنّون: گمان نمی‌کردند [ماضی استمراری منفی] / عظام: استخوان‌ها (ردّ دیگر گزینه‌ها)

۱۲۳

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: من باب تفعیل (نادرست) چون از باب تفعّل است.

گزینه‌ی ۲: مزید ثلاثی (نادرست) چون مجرد است.

گزینه‌ی ۴: من فعل مزید ثلاثی (نادرست) از فعل ثلاثی مجرد «سَجَدَ» ساخته شده است.

۱۲۴

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. آن پدیده: تلك الظّاهرة (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴) / «أيس و أصبح» معادل ناامید شدند نیستند / شناختن: معرفة (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴)

۱۲۵

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: صيّر: گردانید

گزینه‌ی ۲: طريقاً: راهی

گزینه‌ی ۳: أنجم ورقية جميلة: ستاره‌های کاغذی زیبایی

۱۲۶

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. استشر: مشورت کن (ردّ گزینه‌ی ۴) / لا تعلم: نمی‌دانی (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴) / اصغر منك: کوچک‌تر از تو (ردّ گزینه‌ی ۳)

۱۲۷

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ۲ عبارت «خلقها الأدياء الأقدمون» جمله وصفیه است. (زیرا یک جمله است که بعد از اسم نکره آمده است.)



۱۲۸

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. فی ایدینا: در دستان ما (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / فَا: به معنای پس اما در گزینه‌های ۲ و ۳ ترجمه نشده است. / لا تعتمد: اعتماد مکن (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / یفوتک: از دستت می‌رود (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

۱۲۹

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. لا تجادل: مجادله نکن (رد گزینه‌های ۴) / لا یستمع: گوش نمی‌دهد (رد گزینه‌های ۲) / ما تقول: آنچه تو می‌گویی (رد گزینه‌های ۳)

۱۳۰

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.
«إذا» به صورت «زمانی که» و «لم + فعل مضارع» به صورت ماضی نقلی منفی ترجمه می‌شود.
ترجمه‌ی صحیح گزینه‌ی پاسخ: «حتّی زمانی که خداوند عذابش را به ما وعده نداده نیز،»

۱۳۱

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه‌ی ۱: «لن + فعل مضارع» به صورت مستقبل منفی ترجمه می‌شود. هم‌چنین زیباترین معادل «أحسن» نیست.
گزینه‌ی ۲: «مناطق» نکره است و باید به صورت مناطقی ترجمه شود.
گزینه‌ی ۳: «لن + فعل مضارع» به صورت مستقبل منفی ترجمه می‌شود.

۱۳۲

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه‌ی ۲: اصل و نسب اجدادشان نادرست است (اصل و نسب خویش). هم‌چنین شَرّ اسم تفضیل است.
گزینه‌ی ۳: «افتخارش ... می‌باشد» نادرست است.
گزینه‌ی ۴: «شَرّ» اسم تفضیل است و باید به صورت بدترین ترجمه شود.

۱۳۳

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه‌ی ۱: «کانت قد أعلنت» ماضی بعید است و «اعلام کرد» نادرست است.
گزینه‌ی ۲: «کانت قد أعلنت» ماضی بعید است و «منتشر کرد» نادرست است.
گزینه‌ی ۳: «کانت قد أعلنت» ماضی بعید است و نباید به صورت ماضی نقلی ترجمه شود.

۱۳۴

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در گزینه ۱ «مدت» اضافه است و ساعاتی از عبادت نیز نادرست است؛ در عبارت عربی «انسان» وجود ندارد که در فارسی اضافه شده است پس حذف ۲؛ در گزینه‌ی ۳ نیز ضمیر «-ها» ترجمه نشده است.



«تاریخ دادوستد با پول به عصر رومیان بازمی‌گردد. عملیات خرید و فروش قبل از آن از طریق مبادله‌ی کالا با کالا بود و این روش خالی از سختی و از بین رفتن زمان نبود، پس پول جایگزین شد!

اما ارزش پول‌ها در قبال وزن آن بود، و در سرزمین روم دینار و درهم و پول‌های دیگری وجود داشت؛ دینار قطعه‌ای طلایی بود که وزن آن یک مثقال بود، روی آن تصویر پادشاه ضرب می‌شد، و درهم قطعه‌ای از نقره بود که وزن‌های آن بین ده تا بیست قیراط بود، اما پول‌های دیگر ارزششان کمتر و جنسشان متفاوت بود! بعد از مدّتی دادوستد با پول‌های رومی در حکومت اسلامی غیررسمی شد، و بعد از اختلاف شدید بین این دو حکومت سکه‌های اسلامی ضرب شد!»

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: مسلمانان سکه ضرب نکردند، زیرا ضرب سکه به دست حکومت رومیان بود!

گزینه‌ی ۲: همه‌ی ملّت‌ها به راحتی برحسب علاقه و قدرتشان پول‌هایشان را می‌سازند!

گزینه‌ی ۳: ملّت قوی همان است که هر چه را احتیاج دارد می‌سازد!

گزینه‌ی ۴: اگر مردم از پول‌های مردم دیگری استفاده کنند، قدرتشان کم نمی‌شود!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: تصویر پادشاه فقط بر روی دینار ضرب می‌شد!

گزینه‌ی ۲: بیست قیراط برابر است با یک مثقال طلا!

گزینه‌ی ۳: پولی را نمی‌یابیم مگر آن‌که طلایی یا نقره‌ای باشد!

گزینه‌ی ۴: بهای پول‌های طلایی و نقره‌ای به وزن‌هایشان ارتباط داشت!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. عبارت صورت سؤال: «تبادل کالا بدون پول سخت است، زیرا»

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: برای تطبیق دادن اشیا از ما زمانی طولانی می‌گیرد!

گزینه‌ی ۲: چیزهای نامطلوبی می‌خریم و برایمان فایده‌ای ندارد!

گزینه‌ی ۳: تعیین بهای کالا به طور دقیق از طریق تبادل، امکان‌پذیر نیست!

گزینه‌ی ۴: تلاش بسیاری می‌خواهد به دلیل حجم کالا و وزن آن!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. عبارت صورت سؤال: «چرا مسلمانان دادوستدشان را با پول‌های رومی رها کردند؟ زیرا»

(خطا را تعیین کنید): ترجمه‌ی گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: پول‌های اسلامی اعتبارش را از دست داد!

گزینه‌ی ۲: مسلمانان پول‌های خاصّ خودشان را ضرب کردند!

گزینه‌ی ۳: این پول‌ها در حکومت اسلامی غیررسمی شد!

گزینه‌ی ۴: اختلاف شدید بین دو دولت اسلامی و رومی به وجود آمد!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: معرب («أصبحت» یک فعل ماضی است، بنابراین مبنی است نه معرب).

گزینه‌ی ۲: حروفه الأصلية: ص ح ب (حروف اصلی این فعل، «ص ب ح» می‌باشد).

گزینه‌ی ۴: للمخاطب (با توجه به معنای جمله، این فعل از صیغه‌ی «للاغایبة» است).



۱۴۰

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: لازم («تَضَرَّبَ» یک فعل مجهول است، بنابراین متعدی است نه لازم.) - معلوم (مجهول است).

گزینه‌ی ۲: للمخاطبة (با توجه به معنای جمله این فعل از صیغهی «لِلْغَائِبَةِ» است).

گزینه‌ی ۴: للمخاطب (مانند گزینه‌ی ۲)

۱۴۱

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: حروفه الأصلية: خ ف ل (حروف اصلی این کلمه، «خ ل ف» می‌باشد).

گزینه‌ی ۳: معرفة (نکره است نه معرفه)

گزینه‌ی ۴: مبني (معرب است نه مبنی)

۱۴۲

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

«عَمَلِيَّاتٌ» صحیح است زیرا اسم فعل ناقصه‌ی «کانت» است و باید مرفوع حرکت‌گذاری شود.

۱۴۳

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

«التَّعَامُلُ» صحیح است زیرا اسم فعل ناقصه‌ی «أَصْبَحَ» بوده و باید مرفوع حرکت‌گذاری شود.

۱۴۴

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی متن:

کلاغ در تجمع‌های بزرگی می‌کند و افراد (این) تجمع‌ها، برای دور کردن بدی و تجاوز به قلمروشان، بر روی تعدادی از درختان نزدیک به هم جمع می‌شوند؛ چرا که کلاغ‌ها پرنده‌گانی ضعیف در مقابله کردن با دشمنان هستند. هنگامی‌که یکی از آن‌ها بیمار شود و نتواند پرواز کند، بقیه‌ی کلاغ‌ها از آن مراقبت می‌کنند؛ سپس بعد از مرگ آن به دلیل ترس از منتشر شدن بیماریش، وی را دفن می‌کنند! و انسان همان‌طور که داستان معروف آن در قرآن کریم ذکر شده است، دفن کردن اموات را از کلاغ آموخت. کلاغ تکه‌های نان را جمع می‌کند و سپس آن‌ها را در رودخانه می‌اندازد، و هنگامی‌که ماهی‌ها دور آن جمع می‌شوند، آن‌ها را با منقارش شکار می‌کند و این چنین برای ما روشن می‌شود که کلاغ، پرنده‌ای باهوش است. با توجه به متن و آیات قرآنی مرتبط (سوره مائده آیه ۳۱)، انسان‌ها دفن کردن اموات خود را از کلاغ‌ها آموختند و این به اراده‌ی خداوند بود. پس وجه تشابه، دفن اموات است و نه دفن مریض

۱۴۵

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در متن اشاره‌ای نشده است که کلاغ‌های ضعیف به دلیل ضعفشان دور هم جمع می‌شوند

؛ بلکه کلاغ‌ها به طور کلی به دلیل ضعفشان در دفاع، برای دفع تجاوز دشمنان، دور هم جمع می‌شوند.

۱۴۶

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در متن، دفن میت دلیل باهوشی کلاغ شمرده نشده است؛ سایر گزینه‌ها درست‌اند.

۱۴۷

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. با توجه به متن، دلیل دفن کلاغ‌ها توسط یک‌دیگر، «جلوگیری از شیوع بیماری‌های متعدد

است.»

۱۴۸

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب: فاعله - لِلْمُخَاطَبَةِ - لِلْمُخَاطَبِ و مَع فاعله نادرست‌اند؛ زیرا

«ذُكِرَتْ» فعلی است مجهول که دارای نائب فاعل است و همچنین لِلْغَائِبَةِ است.

۱۴۹

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب: لِلْمُخَاطَبِ - لِلْمُخَاطَبَةِ - مَصْدَرُهُ تَجْمِيع نادرست‌اند؛ چرا که این

فعل، لِلْغَائِبَةِ بوده و مصدرش هم تَجَمَّع از باب تَفَعَّل است.



۱۵۰

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در سایر گزینه‌ها به‌ترتیب: مَصْدَرُهُ اِشْتِهَار - ضَمِير «ها» - اسم مکان نادرست‌اند؛ زیرا «الْمَشْهُورَةُ»، از مصدر شُهْرَة ساخته می‌شود چرا که جامد است و نه مشتق، بعلاوه، موصوف آن قِصَّة است و نه ضمیر ها، و در نهایت این‌که اسم مفعول است نه اسم مکان.

۱۵۱

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.
فعل (تَجْتَمِعُ) غلط است و صورت صحیح آن (تَجْتَمِعُ) می‌باشد. / أفراد: فاعل و با حرکت رَفْع صحیح است.
صورت صحیح حرکت‌گذاری کل عبارت به صورت زیر است:
«يَعِيشُ الْغُرَابُ فِي تَجَمُّعَاتٍ كَثِيرَةٍ وَ تَجْتَمِعُ أَفْرَادُهَا عَلَى عَدَدٍ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُتَقَارِبَةِ»

۱۵۲

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. کلمه‌ی (يَعْدُ) نادرست و (يَعْدُ) درست است. هم‌چنین (موت) نادرست و (موت) درست است زیرا مضاف‌الیه است. صورت صحیح تشکیل عبارت چنین است:
«إِذَا مَرِضَ أَحَدُهَا وَ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الطَّيْرَانِ، تُرَاقِبُهُ بَقِيَّةُ الْغُرَبَانِ فَيَعْدُ مَوْتَهُ تَذْفِئُهُ»

۱۵۳

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در این گزینه، «عذاب» نائب فاعل و یک اسم نکره است که جمله‌ی «هَدَمَ حياتهم» آن‌را توصیف کرده است.

۱۵۴

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فعل «يَكادُ» به معنای «نزدیک است» می‌باشد.
ترجمه‌ی عبارت: «نزدیک است که هم‌کلاسی‌ام شاعر بزرگی شود.» ترجمه‌ی گزینه‌ها:
گزینه‌ی ۱: او الان هم شاعر بزرگی است.
گزینه‌ی ۲: امکان دستیابی به شاعر شدن، بسیار سخت است.
گزینه‌ی ۳: او به زودی شاعر بزرگی می‌شود.
گزینه‌ی ۴: می‌خواهد که شاعر شود، ولی نمی‌تواند.

۱۵۵

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی صحیح: «معلولانی وجود دارند که کارهای عجیبی انجام می‌دهند، در حالی‌که با مشکلاتی روبه‌رو هستند.» - «يَعْمَلُونَ» فعل مضارع و جمله‌ی «وهم يواجهون» جمله‌ی حالیه است.

۱۵۶

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی صحیح: «خدا در ما ندا دهنده‌ای [منادی‌ای] را قرار داد تا از گناهان دور شویم، اگر چه نتوانیم آن‌را بشنویم.»

۱۵۷

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی گزینه‌ها:
گزینه‌ی ۱: داروخانه‌دار: مکانی است که بیماران برای خرید داروها به آن می‌روند.
گزینه‌ی ۲: کولر: وسیله‌ای است برای خنک کردن و پاک کردن هوا در فصل تابستان.
گزینه‌ی ۳: قطعات زمین: قطعاتی از ابر است که از آن باران می‌بارد در فصل زمستان.
گزینه‌ی ۴: کارت پستال: هنگام سفر با اتوبوس یا قطار یا هواپیما به آن نیاز داریم.

۱۵۸

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. خطاهای این گزینه: دریافت خواهند کرد («يَحْصِلُونَ» معادل مضارع اخباری است نه آینده)



۱۵۹

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. کلمات مهم: «کان ... یُحصی»: می‌شمرد - «الطالب الناجح»: دانش‌آموز موفق - «أعماله الحسنة»: کارهای خوبش - «لأصدقائه»: برای دوستانش - «و هو یذكر»: در حالی که بیان می‌کردند - «مشاکل»: مشکلاتی - «کان قد تَخَلَّصَ منها»: از آن‌ها رهایی یافته است. خطاهای سایر گزینه‌ها:
گزینه‌ی ۱: دانش‌آموزی («الطالب» معرفه است نه نکره) - «بود» اضافه است.
گزینه‌ی ۳: دانش‌آموز موفق («الطالب الناجح» معرفه است نه نکره) - «و» حالیه در ترجمه لحاظ نشده است.
گزینه‌ی ۴: شمرده («کان ... یُحصی» معادل ماضی استمراری است نه نقلی) - مشکلات («مشاکل» نکره است نه معرفه) - بیان کرده بود (جمله دارای ساختار «ماضی» + «مضارع» است که در این ساختار، فعل مضارع به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود نه ماضی بعید)

۱۶۰

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. نعمة: نائب فاعلِ نکره و مرفوع / جاهزة: صفت مفردِ نکره و مرفوع / لم تُشاهدوها: جمله‌ی وصفیه و مرفوع

۱۶۱

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی صحیح گزینه‌ی پاسخ: آن‌را دور نمی‌اندازیم هر چند [اگر چه] شکسته شده باشد.

۱۶۲

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مازالَ یَتَعَبَّدُ: پیوسته عبادت می‌کند / ولكن: ولی / لا یَتَكَلَّفُ: برعهده نمی‌گیرد / لم یعبدا: ماضی منفی ساده: عبادت نکرد، عبادت نکرده است.

۱۶۳

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. قادراً علی تحریک یده: قادر به حرکت دادن دستش / «هم» در گزینه‌های «۱ و ۴» اضافی هستند. (ردّ سایر گزینه‌ها)

۱۶۴

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. إن: اگر / سمعتَ (ماضی): شنیدی / تعلمه (مضارع): می‌دانستی [معادل ماضی استمراری فارسی است]. (ردّ دیگر گزینه‌ها)

۱۶۵

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. با ... مجادله نکن: لا تجادل - لا تجادلی (ردّ گزینه‌های ۱ و ۴) / زیرا: لِأَنَّ / شنندگان: المستمعین - المستمعات / نمی‌توانند: لا یقدرون (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴) / درک کنند: أن یدرکوا (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴) / بین تو و احمق: بینک و بین الأحمق (ردّ گزینه‌ی ۱)

۱۶۶

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در عبارت گزینه‌ی ۴، از لا نهی استفاده شده است: «لا تَغْتَرَّوا» (مغرور نشوید) در حالی که در سایر گزینه‌ها به ترتیب از لا نفی جنس - لا نفی جنس - لا نفی استفاده شده است که در هیچ‌یک معنای نهی وجود ندارد.

۱۶۷

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در این گزینه با توجه به مفهوم جمله، لا از نوع لا نهی است و نه لا نفی؛ بنابراین نون آخر آن باید حذف گردد: «لا تَیأسُوا» [همکلاسی‌هایم را ناامید دیدم پس به آنها گفتم: از بخشش و مهربانی خداوند ناامید نشوید].
فعل نهی

۱۶۸

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. إِنَّها: قطعاً او / کانت: بود / أَشْهَرُ مُسْتَشْرِقِی الْقَرْنِ الْعَاشِرِ: مشهورترین مستشرقان قرن دهم / کانت تقدّر: می‌توانست / أن تُلقی: ایراد کند / مُحاضراتها العِلْمیّة: سخنران‌های عملی خود را / خَمْسِ لُغَاتٍ عَالَمِیّةٍ: پنج زبان بین‌المللی



۱۶۹

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. الْمَفْرَدَاتُ الَّتِي: مفرداتی که، واژگانی که / دَخَلَتْ: داخل شده‌اند (در این‌جا) / لُغَاتٍ أُخْرَى: زبان‌های دیگر / تُسَمَّى: نامیده می‌شوند (فعل مجهول) / اللَّغَتَيْنِ: دو زبان / أَلَكَلَمَاتِ الدَّخِيلَةِ: کلمات دخیل

۱۷۰

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

ترجمه‌ی گزینه‌ی ۲: «دانش‌آموز باید علم را طلب کند و تنبلی نکند تا خیر به او نزدیک شود!»؛ در این‌جا حرف «لام» در «لیطلب» امری و جازمه است، اما حرف «لام» در «لیقرب» نشان‌دهنده‌ی علت و دلیل است و ناصبه محسوب می‌شود. تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: حرف «لام» در «لیطول» ناصبه و در «لک» جازه است.

گزینه‌ی ۳: حرف «لام» در «لیشاهد» ناصبه است.

گزینه‌ی ۴: حرف «لام» در «لأَتَكَلَّم» ناصبه است.

۱۷۱

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «كُنْتُ أَمْتِي»: (ماضی استمراری) آرزو می‌کردم (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «أَنْ لِي صَدِيقًا»: که دوستی داشته باشم / «يُنَبِّهَنِي»: (در این‌جا چون قبل‌تر فعل «كَانَ» داریم، پس به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌کنیم) مرا آگاه می‌کرد (رد سایر گزینه‌ها) / «ذَكَرَ رَبِّي»: یاد پروردگارم (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ»: اوقات غفلت (فراموشی) (رد گزینه‌های ۲ و ۴). تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۲: «آرزو دارم، پروردگار، غفلت از او» از موارد نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۳: «عدم ترجمه «صديقاً» در جایگاه درست، آگاهم گرداند» از موارد نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۴: «آرزو می‌کنم، پیدا کنم، پروردگار آن هم، فراموشیم، آگاهی دهد» از موارد نادرست‌اند.

۱۷۲

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «بيت» و «دار» هر دو به معنی «خانه» و با هم مترادف‌اند.

۱۷۳

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «لَمَّا»: هنگامی‌که، وقتی‌که / «نَقَلْتُ»: نقل کردم (رد گزینه‌ی ۴) / «الْخَبَرُ الَّذِي...»: خبری که ... (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «كُنْتُ أَسْمَعُ»: (ماضی استمراری) می‌شنیدم (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «كُنْتُ قَدْ سَمِعْتُ»: (ماضی بعید) شنیده بودم (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «هَذَا الْخَبَرُ»: این خبر را / «مَرَارًا»: بارها / «قَبْلَ هَذَا»: قبل از این تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «گفتم، این خبر را، می‌شنوم» نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۳: «این خبر را، نیز، شنیده‌ام» نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۴: «داشتم نقل می‌کردم، شنیده بودم، هم» نادرست‌اند.

۱۷۴

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «طَلَبْتُ»: خواست / «أَمَّنَا»: مادرمان / «الْمُنْظَفِينَ»: نظافت‌کنندگان، نظافتچی‌ها (رد گزینه‌ی ۴) / «أَنْ يُنْظَفُوا»: که تمیز کنند، که نظافت کنند (رد گزینه‌ی ۲) / «هَذِهِ الْغُرَفُ»: این اتاق‌ها (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «نُظْفُوها»: آن‌ها را نظافت کردند / «صَارَتْ»: شد / «نُظِيفَةً»: تمیز تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «آن اتاق، وقتی آن‌را» از موارد نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۲: «برای این‌که تمیز شود، عدم ترجمه‌ی (نُظْفُوها)» از موارد نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۴: «کسانی‌که نظافت می‌کنند، این اتاق، پس از این‌که آن‌را» از موارد نادرست‌اند.



گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «لهذه المحافظة»: این استان ... دارد (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «عددٌ كثيرٌ»: تعداد بسیاری / «المصانع»: کارخانه‌ها / «كما»: همان‌طور که، همان‌گونه که / «صناعات»: صنایعی / «تصنع»: (جمله وصفیه) که ساخته می‌شود (رد سایر گزینه‌ها) / «بيد الانسان»: به دست انسان / «قد كانت»: بوده است (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «مُنذ القديم»: از قدیم (رد گزینه‌های ۳ و ۴) تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه ۲: «ساخته شده است، بود» از موارد نادرست‌اند.
گزینه ۳: «برای این استان است، ساخته شده، زمان‌های گذشته» از موارد نادرست‌اند.
گزینه ۴: «برای این استان است، ساخته می‌شد، گذشته» از موارد نادرست‌اند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. صورت سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که درست را در قسمتی که تأکید شده است داخل پرانتز مشخص کرده است. تشریح گزینه‌ها:
گزینه ۱: اِنَّ، کَلَّ جملهٔ بعدش را تأکید می‌کند نه فقط اسم پس از خود را.
گزینه ۲: حمايةً مفعول مطلق تأکیدی است و فعل اِحْمِنِي را تأکید کرده است.
گزینه ۳: تحذيراً مفعول مطلق تأکیدی است و فعل حَذَّرْتَنِي را تأکید کرده است.
گزینه ۴: اِنَّ از حروف مشبهة بالفعل است و العِلْم را تأکید کرده است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که جمله وصفیه در آن باشد.
در این عبارت بناءٌ مقدَّس اسم نکره است و جمله فعلیه بناه ... جمله‌ی وصفیه است. (کعبه شریف بنای مقدّسی است که ابراهیم (ع) آن را ساخت)
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه ۱: حامداً معرفه علم است.
گزینه ۳: حافظ و عارفاً هر دو علم هستند.
گزینه ۴: صادق و منصوراً هر دو علم هستند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. سؤال گزینه‌ای را که در آن متضاد به کار رفته است می‌خواهد.
در این عبارت بین بداية (آغاز) و نهاية (پایان) تضاد وجود دارد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی متن:

زرافه حیوانی با گردنی دراز و قدم‌هایی بلند است و او بلندترین حیوان در عالم است و او به آب موجود در برگ‌ها بسنده می‌کند. بدین جهت می‌تواند در مناطق خشک زندگی کند. اما اگر آب را بیابد از آن بسیار می‌خورد، و از برگ‌های جدید درختان تغذیه می‌کند و کیفیت جسمش در خوردن آن به او کمک می‌کند!
زرافه به ناچار باید بین دو پای جلوی فاصله بیاندازد تا دهانش به سطح آب برسد و به وضع اولش برنمی‌گردد مگر به سختی، از آن‌چه او را در معرض شکار قرار می‌دهد در حالی است که او در آن حالت است!
سرعت زرافه برای حرکت و فرار بسیار بیش‌تر از حیوانات دیگر است. و بر بدنش نقش‌هایی است که به او در مخفی شدن بین درختان کمک می‌کند. زرافه دو گوش متحرک برای شنیدن جهت صدا دارد!
زرافه توانایی بسیاری در تحمل تشنگی دارد
با توجه به آن‌چه در متن آمده است چون‌که آب موجود در برگ‌ها تشنگی‌اش را بسیار برطرف می‌کند.
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه ۱: ولی او هنگامی که به آب می‌رسد از آن زیاد نمی‌نوشد (با توجه به متن نادرست است).
گزینه ۲: چون‌که در برگ‌های تازه (جدید) آب بسیاری است و او فقط از آن‌ها تغذیه می‌کند. (در متن اشاره‌ای به فقط از برگ‌های جدید تغذیه می‌کند نشده است).
گزینه ۴: او نمی‌تواند در مناطق خشک دور از رودخانه‌ها زندگی کند. (با توجه به متن نادرست است).



پاهای زرافه بلند است و این ... (سوال گزینه‌ی نادرست را می‌خواهد)
باعث مشکل در نوشیدن آب برایش نمی‌شود چون که بین دو پای جلوییش فاصله می‌اندازد که با توجه به آنچه در متن آمده است نادرست است زیرا او به سختی به حالت اولش برمی‌گردد.
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۱: و این مانعی برای فرارش از دشمن است با وجود این که سرعتش بسیار زیاد است.
گزینه‌ی ۲: و این وسیله‌ای اساسی برای آسان کردن فرارش و دوریش از دشمنان است.
گزینه‌ی ۳: و این سبب می‌گردد که به آسانی به خواسته‌اش برسد و کاملاً سیر شود.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. زرافه می‌تواند از برگ‌های جدید تغذیه کند زیرا ... (سؤال گزینه‌ی نادرست را می‌خواهد)
گوشتش خوشمزه است و حیوانات قوی او را شکار می‌کنند. (در متن اشاره‌ای به طعم گوشت زرافه نشده است).
تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۲: زیرا او گردن بلندی دارد و به وسیله‌ی آن سرش را بین شاخه‌ها دراز می‌کند.
گزینه‌ی ۳: زیرا دست‌ها و پاهایش به او در آن کار به خوبی کمک می‌کنند.
گزینه‌ی ۴: زیرا بدنش بلندتر از حیواناتی است که در جنگل زندگی می‌کنند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. سوال درست را درباره‌ی زرافه می‌خواهد.

با توجه به آنچه در متن آمده است مناسب‌ترین زمان‌ها برای شکار زرافه زمانی است که او آب می‌نوشد.
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۱: گوش‌هایش تیز و قوی هستند چون که متحرکند. (در متن اشاره‌ای به تیز بودن گوش‌های زرافه نشده است).
گزینه‌ی ۲: او به آسانی آب می‌نوشد زیرا گردن بلندی دارد. (با توجه به متن نادرست است).
گزینه‌ی ۴: نقش‌هایی که بر بدنش دارد به او در مخفی شدن از دشمنان کمک می‌کند (در متن اشاره‌ای به مخفی شدن از دشمنان نشده است).

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. تُسَاعِدُ: فعل مضارع / لِلْغَائِبَةِ و ثلاثی مزید از باب مفاعله و معلوم است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۱: مِنْ وزن تَفَاعُلْ نادرست است و تَسَاعَدُ از باب مُفَاعَلَة است.
گزینه‌ی ۳: لِلْمَخَاطَبِ نادرست است.
گزینه‌ی ۴: مِنْ وزن تَفَاعُلْ يَتَفَاعَلْ و مجهول نادرست‌اند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. تَمْتَلِكُ: فعل مضارع . لِلْغَائِبَةِ: ثلاثی مزید از باب افتعال و فاعلش الزرافة است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۱: فاعله اُذْنِینِ نادرست است و الزرافة فاعل است.
گزینه‌ی ۳: مجهول نادرست است.
گزینه‌ی ۴: لِلْمَخَاطَبِ نادرست است.



۱۸۵

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. العالم: اسم، مفرد، مذکر، معرفه به ال و مجرور به حرف جر است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: اسم فاعل نادرست است.

گزینه ۲: خبر برای مبتدا حیوان نادرست است.

گزینه ۳: اسم فاعل نادرست است.

۱۸۶

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه ۲ «أطول» نادرست است، چرا که اسم تفضیل از جمله موارد اسم‌های غیرمنصرف

است و اسم‌های غیرمنصرف تنوین نمی‌گیرند و درست آن «أطول» است. هم‌چنین چون «مضاف» است و «حیوان»

مضاف‌الیه آن است، نمی‌تواند تنوین بگیرد، چرا که مضاف «ال» و «تنوین» نمی‌گیرد.

۱۸۷

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در گزینه ۱: «لِيَصِلَ» نادرست است، زیرا حرف «ل» در آن از حروف ناصبه است [به معنای تا

اینکه] و باید «لِيَصِلَ» باشد.

۱۸۸

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. إذا (از ادوات شرط): هرگاه / تَوَقَّعْتَ: انتظار داشتی / التَّجَاحُ: موفقیّت / فلا تَيَأَسْ (فعل

نهی، جواب شرط): مایوس مشو / مِنَ الْخُصُولِ علیه: از به دست آوردن آن

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: خود را ... بشمار خواهد آورد نادرست است و فعل يُعَدُّ فعل مجهول است. ترجمه‌ی صحیح آن از نیکوکاران

شمرده می‌شود است.

گزینه ۲: مظلومان جهان نادرست است.

ترجمه‌ی صحیح: مظلومان در جهان متحد نیستند لذا زیر بار ستم زندگی می‌کنند.

گزینه ۳: ضمیر هم در حیاتهم ترجمه نشده است، هم‌چنین لِأَنَّهُمْ به معنی چون‌که آن‌ها صحیح است.

ترجمه‌ی صحیح: این‌ها در زندگی‌شان موفق هستند زیرا آن‌ها اوقات خود را تباه نمی‌کنند.

۱۸۹

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. المفرداتُ الَّتِي: کلماتی که (واژگانی که) / تَدْخُلُ اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةَ: وارد زبان عربی می‌شوند

(نادرستی گزینه‌های ۱ و ۳) / مِنْ لُغَاتٍ أُخْرَى (نکره): از زبان‌هایی دیگر (نادرستی سایر گزینه‌ها) / وَ تَتَغَيَّرُ: تغییر می‌کند

(نادرستی گزینه‌های ۱ و ۴) / حُرُوفُهَا وَ أَوْزَانُهَا: حروف و اوزان آن‌ها / وَفْقَ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ: طبق زبان عربی (نادرستی گزینه‌ی

۴) / تُسَمَّى: (فعل مضارع و مجهول): نامیده می‌شوند (نادرستی گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴) / الْكَلِمَاتُ الْمَعْرَبَةُ: واژگان معرّب،

کلمات عربی شده

۱۹۰

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. لَمَّا: وقتی (آن‌گاه) / دَخَلْتُ الْمَكْتَبَةَ: وارد کتابخانه شدم: المكتبة معرفه است و ترجمه‌ی آن

به صورت کتابخانه‌ای نادرست است. (نادرستی گزینه‌های ۳ و ۴) / طُلَّابًا: (اسم نکره) دانش‌آموزانی (نادرستی گزینه‌های ۲

و ۴) / يُطَالَعُونَ: (جمله‌ی وصفیه): مطالعه می‌کردند (نادرستی گزینه‌های ۲ و ۳) / دروسهم: درس‌های خود را / بِحِدٍّ: با

جدّیت

نکته‌ی درسی: چنان‌چه جمله وصفیه فعل مضارع باشد و پس از فعل ماضی بیاید معادل ماضی استمراری فارسی ترجمه

خواهد شد. (ماضی + مضارع ← ماضی استمراری)

۱۹۱

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. گزینه‌ی پاسخ از آن‌جا که پیرامون طبیعت است «کانت» فقط به معنای ماضی نیست.

۱۹۲

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.



۱۹۳ گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

«طائراً + يَنْفَرُ»
مفعول به جمله‌ی وصفیه

۱۹۴ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی درست گزینه‌ی پاسخ: «نزدیک بود دخترم خشمش را نزد مهمانان آشکار کند،

هنگامی‌که (وقتی‌که) او را نصیحت کردم»

قید «نزد مهمانان» باید قبل از فعل «نصحتُها» ترجمه شود.

۱۹۵ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مُناسِباً: مناسبی، معادل «مفیدی» نیست. (رَدّ گزینه‌های ۱ و ۴) / يَجِدُ: می‌یابد، سَتُصْبِحُ:

خواهد شد (رَدّ گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴)

۱۹۶ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مكتبة كبرى: کتابخانه‌ای بزرگ، کتابخانه‌ی بزرگی (رَدّ گزینه‌های ۱ و ۴) / ما كانَ لي: نداشتم

(رَدّ گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴)

۱۹۷ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. الجبال الثلجية: کوه‌های برفی / يُصْبِحُ: شود، گردد [حرف «ف» نباید به صورت «و» ترجمه

شود]. (رَدّ گزینه‌های ۱ و ۴) / «ما باید کاری نکنیم و منجر به آب شدن» معادل صحیحی در صورت سؤال ندارد. (رَدّ

گزینه‌ی ۲)

۱۹۸ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در این گزینه، در فعل لِيَعْتَمِدَ، لام جازمه داریم ولی در گزینه‌های ۱ و ۲ لام از نوع ناصبه و

در گزینه‌ی ۴ از نوع جازه است؛ چرا که بر سر یک اسم (مصدر) آمده است.

۱۹۹ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در این گزینه فعل «كَانَ يُحْصَى وَ يُنْتَظَمُ» باید به صورت استمراری ترجمه شود: می‌شمرد و

مرتب می‌کرد.

نکته: كانَ + فعل مضارع = ماضی استمراری در ترجمه

۲۰۰ گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

ترجمه‌ی گزینه‌ی ۱: باید به مدرسه بروند ⇐ معنای طلب را دارد.

۲۰۱ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. الاستفادة: استفاده، به کار بردن / من الجوّال: از تلفن همراه / ليست مسموحة: مجاز نیست

۲۰۲ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در این گزینه هیچ صفتی دیده نمی‌شود؛ در حالی‌که در گزینه‌ی ۱: ذات صفت مفرد و تربی

جمله‌ی وصفیه است؛ در گزینه‌ی ۲: الْخَطِيرُ صفت مفرد و در گزینه‌ی ۳: ذا صفت مفرد و أَرَاغُ جمله‌ی وصفیه است.

۲۰۳ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در این گزینه، خبر فعل ناقصه به صورت جار و مجرور آمده است: «فی الْمَصَاعِبِ» ولی در

سایر گزینه‌ها به ترتیب خبر فعل ناقصه مفرد و منصوب است: حارّاً - بارداً - سهلاً



گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: تُحَرِّقُ: می‌سوزند.

گزینه‌ی ۲: ترجمه صحیح عبارت: از طبیعتی که برای تو، زیبایی در آن قرار داده شده است، سود ببر.

گزینه‌ی ۳: إِنْ لَمْ يُقْبَلْ: اگر بوسیده نشود.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. اَتَذْكُرُ: به یاد می‌آورم / هَذِينَ الصَّديقِينَ الإِثْنَيْنِ: این دو دوست / كَانَا قَرِيبَيْنِ: نزدیک بودند

/ كَانَهُمَا كَانَا فَرْدًا وَاحِدًا: گویی یک نفر بودند

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «إِنَّمَا»: فقط ، تنها / «لَمْ يَلِدْ»: نزاده / «لَمْ يُولَدْ»: زاده نشده (فعل مضارع بعد «لَمْ» به صورت

«ماضی ساده‌ی منفی» یا «ماضی نقلی منفی» ترجمه می‌شود.) بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینه‌ی ۲: فعل «جاء بِ» به معنی «آورد» است و «آمد» نادرست است. هم‌چنین ضمیر «ها» در «فراخها» ترجمه نشده است.

ترجمه‌ی درست: «مادر دانه‌ها را برای جوجه‌های کوچک خود آورد.»

گزینه‌ی ۳: «با کمال میل» ترجمه‌ی درستی برای «يُحِبُّونَ» نیست. «أَكْثَرُ مِنْ قَبْلُ» ترجمه نشده است.

ترجمه‌ی درست: «از نیکوترین آن‌چه دوست دارند (دوست می‌دارند) ، بیش‌تر از قبل اتفاق می‌کنند.»

گزینه‌ی ۴: دو فعل «يُلْقَى» و «يُنْصِتُ» به صورت «ماضی استمراری» ترجمه شده‌اند که نادرست است. «با سکوت» اضافی است و معادلی در عبارت عربی ندارد.

ترجمه‌ی درست: «هنگامی‌که سخنران، سخنرانی می‌کند، حاضران به او گوش می‌دهند.»

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «هُنَاكَ کلمات»: کلماتی وجود دارند، هستند («آن‌جا» در گزینه‌ی ۳ نادرست است، چرا که

هرگاه «هُنَاكَ» در ابتدای جمله بر سر یک اسم نکره بیاید، دیگر به معنی «آن‌جا» نیست، بلکه به معنی «وجود دارد،

است، هست» می‌باشد) / «تجری»: جاری می‌شوند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «أَقْلَامُ بعض الشعراء»: قلم‌های بعضی شعرا یا

بعضی از شاعران (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «لأَوَّلِ مرّة»: برای اولین بار، مرتبه (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «تَدَلَّ»: که دلالت

می‌کنند (دَقَّتْ کنید که «تَدَلَّ» در این‌جا جمله‌ی وصفیه است نه جمله‌ی حالیه، و همان‌طور که می‌دانید در ترجمه‌ی

جمله‌ی وصفیه از «که» استفاده می‌شود؛ رد گزینه‌های ۱ و ۳ که در آن‌ها «در حالی‌که» و «و» به جای «که» آمده است.)

/ «مفاهیم جدید» (ترکیب وصفی نکره): «مفاهیم جدیدی، مفاهیمی جدید (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «لَمْ یَکُن یَعْرِف (ماضی

استمراری منفی): «نمی‌شناختند (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «كُنْتُ أَفْکَر (ماضی استمراری): «می‌اندیشیدم، فکر می‌کردم (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «هل

يُمْكِنُ»: آیا امکان دارد، ممکن است / «أَنْ تَکُونَ قَدْ خُلِقْتَ»: که خلق شده باشد (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ»:

آسمان و زمین (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «كُلَّ مَا فِیهَا»: هر چه در آن‌ها است (رد گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴) / «مِنْ دُونَ حِکْمَةٍ»:

بدون حکمت، بی‌حکمت

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

«دوستانی» [جمع و نکره]: أَصْدِقَاءُ، رُفَقَاءُ / «نگران نباشند»: لَا یَکُونُونَ قَلْقِینَ (ردّ سایر گزینه‌ها)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «بزرگ‌ترین»: أَعْظَم (ردّ گزینه‌ی ۱) / «و ... نیست»: وَ لَا یَس (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴)



۲۱۱

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «أَنْ يَتَمَتَّعَ» فعل مضارع منصوب است و می‌دانیم که در صیغه‌ی جمع مؤنث نون از آخر فعل حذف نمی‌شود. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۱: «تَتَوَاضَعُوا» فعل شرط و به صورت مجزوم با حذف نون صحیح است.

گزینه‌ی ۲: «تَنْجَحُوا» جواب شرط و به صورت مجزوم با حذف نون صحیح است.

گزینه‌ی ۳: «لِمَ» همان «لِمَاذَا» به معنای «برای چه» و از اسم‌های پرسشی است و نباید آن را با «لَمْ» مجزوم‌کننده‌ی فعل اشتباه گرفت، بنابراین هیچ تأثیری بر روی فعل پس از خود ندارد و دلیلی ندارد که حرف نون از آخر فعل حذف شود. پس «لَا تَجْتَهِدَانِ» صحیح است.

۲۱۲

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «طَائِر» اسم نکره است پس جمله‌ی فعلیه‌ی بعد از آن «يَبْنِي» جمله‌ی وصفیه می‌باشد.

۲۱۳

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «مال» [نکره]: مالی (ردّ گزینه‌ی ۱) / «مال تُعْطِيهِ»: مالی که ببخشی [پس نباید به صورت «بخشیدن» یا فعل منفی «نمی‌بخشی» ترجمه شود]. (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴)

۲۱۴

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

سُتُصَبِّحِينَ فِي بِلَدِكَ بَطْلَةً
اسم ضمیر «ی» بارز جار و مجروری خبر مفرد
که خبر نیست

۲۱۵

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «غرق‌شدگان» اسم است نه فعل (ردّ گزینه‌های ۳ و ۱) «غیر» دائم الإضافة است و اسم بعدش چون مضاف‌إلیه است باید مجرور باشد نه مرفوع ← «غیر مستأهلین» (ردّ گزینه‌ی ۴)

۲۱۶

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. صورت صحیح سایر گزینه‌ها عبارت است از:

(۱) اگر عقلی مثل عقل امروز داشتم

(۳) پس باید از خطاهای گذشته‌ی خود عبرت بگیریم.

(۴) زیرا برخی از آثارشان ویران‌کننده است.

۲۱۷

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «لَا تَكُنْ» [فعل نهی است و با «نباید» ترجمه نمی‌شود]: مباح، نباش (ردّ گزینه‌های ۴ و ۳ و ۲)

«فَطَّأَ غُلِيظَ الْقَلْبِ»: درشت‌خوی سنگ‌دل [بین سه اسم حرف عطف «و» نیامده است]. (ردّ گزینه‌های ۴ و ۳)

۲۱۸

گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. خبر مقدّم نواسخ در سایر گزینه‌ها: (۱) لِلْسَّحَرِ (جار و مجرور) (۲) لِكُلِّ تَلْمِیْذَةٍ (جار و مجرور) (۴) فِی جَمِیعِ أَعْمَلِیِّ الْأَنْبِیَاءِ (جار و مجرور)

۲۱۹

گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. «أَسَاسُ فِکْرٍ» أساس التفکر، أساس الفکر (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳) «فکر» بدون ضمیر است پس غلط است که به صورت «تفکّرنا» تعریب شود (ردّ گزینه‌ی ۲) «قلب» بدون ضمیر است پس غلط است که به صورت «قلبنا» با ضمیر تعریب شود. (ردّ گزینه‌ی ۴)

۲۲۰

گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. «كَانَ» (ماضی و از افعال ناقصه است): بود (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴) «يَتَمَتَّعُ النَّاسُ»: فاعل: مردم بهره می‌بردند (ردّ گزینه‌ی ۲ و ۳ و ۴)



۲۲۱) گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. «اگر» معادلی در صورت سوال ندارد (ردّ گزینه‌ی ۳) «لَا تُحْمَلُ»: تحمیل مکن (ردّ گزینه‌های ۱ و ۴) «سَيَخْجَلُ مَنْكَ» (فعل مستقبل است): از تو خجالت خواهد کشید.

۲۲۲) گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. مواد سُكْرِيَّةٌ مُفِيدَةٌ + فِي أَنْوَاعِ الْفَوَاكِه + تَشُدُّ
اسم نکره صفت مفرد صفت مفرد جار و مجرور جمله‌ی وصفیه
تذکر: اگر بین اسم نکره و جمله‌ی وصفیه یک جار و مجرور (مثل بالا) فاصله بیاندازد، وصفیه بودن جمله از بین نمی‌رود.

۲۲۳) گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. ليس هؤلاء التلاميذ متكاسلين
اسم «لیس» تابع خبر مفرد برای «لیس»
خبر مقدّم در سایر گزینه‌ها:
(۱) عنده (۲) في هذه المكتبة (۳) هناك (ظرف)

۲۲۴) گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. «صوت ... الأطفال» صدای کودکان (ردّ گزینه‌های ۴ و ۱) «یصل»: می‌رسید (ردّ گزینه‌های ۲ و ۱) «آذاننا»: گوش‌های ما [جمع و دارای ضمیر است]. (ردّ گزینه‌های ۲ و ۱) «أيضاً»: نیز (ردّ گزینه‌های ۴ و ۱)

۲۲۵) گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. لَمْ + تُؤْمِنُونَ ← لَمْ تُؤْمِنُوا: «بگو: ایمان نیاوردید ولی بگویید: اسلام آوردیم»، پس «لَمْ» عامل حذف «نون» اعراب است.

۲۲۶) گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. «صارَتْ» جزء افعال ناقصه رافع اسم و ناصب خبرند، پس اسم آن «الْأَرْضُ» مرفوع است و خبر آن «مُخَضَّرَةٌ» منصوب است.

۲۲۷) گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. «عَفَّاراً» خبر مفرد «کان» و منصوب است.

۲۲۸) گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. الله: اسم کان - بما (جار و محلا مجرور) - يعلمون (جمله صله) - محیطاً (خبر کان و منصوب)

۲۲۹) گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. كانت شركةٌ تُعْلِنُ «شرکتی اعلان می‌کرد» حاجتها «نیاز خود را» إلى مُوظَّفٍ «به کارمندی»

۲۳۰) گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ۱ جمله‌ی «یهدونک إلى الصراط المستقیم» و جمله صله است و جمله وصفیه نمی‌باشد اما «المستقیم» صفت مفردة برای «الصراط» است. در گزینه‌ی ۲ «ینعکس ضوءها فی المراه» و در گزینه‌ی ۳ «تتحدّث عن السماء والأفلاک» و در گزینه‌ی ۴ «أخذته الصيد الحيوانات» جمله وصفیه برای اسم‌های نکره هستند.

۲۳۱) گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ۱، «الدّماء الطاهرة» و در گزینه‌ی ۳ «الورقتین النظیفین» و در گزینه‌ی ۴، «أصواتاً رائعةً» و «الدّار الجميلة» صحیح است.

۲۳۲) گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. مسافرتُ الی بلدٍ ولدْتُ فیهِ (به شهری سفر کردم که در آن زاده شدم)
جمله فوق پس از یک اسم نکره و در توصیف آن بیان شده‌است.



۲۳۳

گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ۳، «هدف‌های خویش» به‌صورت «هدفه» ترجمه شده است که نادرست است. در ضمن در گزینه‌ی ۳ و ۲ فعل «أَنْ تَجْعَلَ» برای مرجع «الانسان» از صیغه نادرستی است. در گزینه‌ی ۱ و ۲ «برای رسیدن» به‌صورت «الذهاب» ترجمه شده که به معنی «رفتن» است.

۲۳۴

گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. لانتظر: نگاه مکن (رَدّ گزینه‌ی ۴) - إلى ظاهر الأشياء الصغير: به ظاهر کوچک اشیاء (رَدّ گزینه‌های ۲ و ۳) - قطرات الماء الصغيرة: قطرات کوچک آب (رَدّ گزینه‌های ۲ و ۴) ← «بعضی» در گزینه‌ی ۲ اضافی است - تستطيع: می‌تواند - أن يؤثر علی: بر تأثیر بگذارد. (رَدّ گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴) - صخرة كبيرة: صخره‌ای بزرگ - تغییر مکان‌ها: مکان آن‌را تغییر دهد. (رَدّ گزینه‌ی ۴).

۲۳۵

گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. «یناسب ثمْنه قدره» جمله‌ی وصفیه برای اسم نکره‌ی «کتاب» است.

۲۳۶

گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. «وَلَمْ يُشَاهِدْ» درست است، چون «لم» از حروف جازمه می‌باشد.

۲۳۷

گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. «صَدِيق» اسم «أَصْبَحَ» از افعال ناقصه و نواسخ است.

۲۳۸

گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. نعت در سایر گزینه‌ها: (۱) «ما سمعناها» جمله‌ی وصفیه برای اسم نکره‌ی «حکایة» / (۲) الصَّغَار «صفت برای «أولاد» / (۳) «شائعاً» صفت برای «عملاً»

۲۳۹

گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. تحمّل کرده‌اند = قد تحمّل (ماضی نقلی)
علّت رَدّ سایر گزینه‌ها:

(۱) «كانوا قد تحمّلوا» = «تحمّل کرده بودند»

(۲) «كان ... تحمّلوا» = «تحمّل کرده بودند»

(۳) «كانوا يتحمّلون» = «تحمّل می‌کردند»

۲۴۰

گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. علّت رَدّ سایر گزینه‌ها:

(۲) ضمیر «ه» در «أستاذة» ترجمه نشده است. و «یک» معادلی در عبارت عربی معادل ندارد.

(۳) «مُتَوَالِيَةً» ترجمه نشده است و «جَزَاحاً من أشهر الأطباء» به معنای «جراحی از مشهورترین پزشکان» می‌باشد.

(۴) ترجمه‌ی «لحظه» برای «ذلك الوقت» و «صرف کند» برای «أن يقف» نادرست است.



پاسخنامه کلیدی

۱	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴
۳	۱	۲	۳	۴
۴	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۲	۳	۴
۶	۱	۲	۳	۴
۷	۱	۲	۳	۴
۸	۱	۲	۳	۴
۹	۱	۲	۳	۴
۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۰	۱	۲	۳	۴
۲۱	۱	۲	۳	۴
۲۲	۱	۲	۳	۴
۲۳	۱	۲	۳	۴
۲۴	۱	۲	۳	۴
۲۵	۱	۲	۳	۴
۲۶	۱	۲	۳	۴
۲۷	۱	۲	۳	۴
۲۸	۱	۲	۳	۴
۲۹	۱	۲	۳	۴
۳۰	۱	۲	۳	۴
۳۱	۱	۲	۳	۴
۳۲	۱	۲	۳	۴

۳۳	۱	۲	۳	۴
۳۴	۱	۲	۳	۴
۳۵	۱	۲	۳	۴
۳۶	۱	۲	۳	۴
۳۷	۱	۲	۳	۴
۳۸	۱	۲	۳	۴
۳۹	۱	۲	۳	۴
۴۰	۱	۲	۳	۴
۴۱	۱	۲	۳	۴
۴۲	۱	۲	۳	۴
۴۳	۱	۲	۳	۴
۴۴	۱	۲	۳	۴
۴۵	۱	۲	۳	۴
۴۶	۱	۲	۳	۴
۴۷	۱	۲	۳	۴
۴۸	۱	۲	۳	۴
۴۹	۱	۲	۳	۴
۵۰	۱	۲	۳	۴
۵۱	۱	۲	۳	۴
۵۲	۱	۲	۳	۴
۵۳	۱	۲	۳	۴
۵۴	۱	۲	۳	۴
۵۵	۱	۲	۳	۴
۵۶	۱	۲	۳	۴
۵۷	۱	۲	۳	۴
۵۸	۱	۲	۳	۴
۵۹	۱	۲	۳	۴
۶۰	۱	۲	۳	۴
۶۱	۱	۲	۳	۴
۶۲	۱	۲	۳	۴
۶۳	۱	۲	۳	۴
۶۴	۱	۲	۳	۴

۶۵	۱	۲	۳	۴
۶۶	۱	۲	۳	۴
۶۷	۱	۲	۳	۴
۶۸	۱	۲	۳	۴
۶۹	۱	۲	۳	۴
۷۰	۱	۲	۳	۴
۷۱	۱	۲	۳	۴
۷۲	۱	۲	۳	۴
۷۳	۱	۲	۳	۴
۷۴	۱	۲	۳	۴
۷۵	۱	۲	۳	۴
۷۶	۱	۲	۳	۴
۷۷	۱	۲	۳	۴
۷۸	۱	۲	۳	۴
۷۹	۱	۲	۳	۴
۸۰	۱	۲	۳	۴
۸۱	۱	۲	۳	۴
۸۲	۱	۲	۳	۴
۸۳	۱	۲	۳	۴
۸۴	۱	۲	۳	۴
۸۵	۱	۲	۳	۴
۸۶	۱	۲	۳	۴
۸۷	۱	۲	۳	۴
۸۸	۱	۲	۳	۴
۸۹	۱	۲	۳	۴
۹۰	۱	۲	۳	۴
۹۱	۱	۲	۳	۴
۹۲	۱	۲	۳	۴
۹۳	۱	۲	۳	۴
۹۴	۱	۲	۳	۴
۹۵	۱	۲	۳	۴
۹۶	۱	۲	۳	۴

۹۷	۱	۲	۳	۴
۹۸	۱	۲	۳	۴
۹۹	۱	۲	۳	۴
۱۰۰	۱	۲	۳	۴
۱۰۱	۱	۲	۳	۴
۱۰۲	۱	۲	۳	۴
۱۰۳	۱	۲	۳	۴
۱۰۴	۱	۲	۳	۴
۱۰۵	۱	۲	۳	۴
۱۰۶	۱	۲	۳	۴
۱۰۷	۱	۲	۳	۴
۱۰۸	۱	۲	۳	۴
۱۰۹	۱	۲	۳	۴
۱۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۱۹	۱	۲	۳	۴
۱۲۰	۱	۲	۳	۴
۱۲۱	۱	۲	۳	۴
۱۲۲	۱	۲	۳	۴
۱۲۳	۱	۲	۳	۴
۱۲۴	۱	۲	۳	۴
۱۲۵	۱	۲	۳	۴
۱۲۶	۱	۲	۳	۴
۱۲۷	۱	۲	۳	۴
۱۲۸	۱	۲	۳	۴

129	1	2	3	4
130	1	2	3	4
131	1	2	3	4
132	1	2	3	4
133	1	2	3	4
134	1	2	3	4
135	1	2	3	4
136	1	2	3	4
137	1	2	3	4
138	1	2	3	4
139	1	2	3	4
140	1	2	3	4
141	1	2	3	4
142	1	2	3	4
143	1	2	3	4
144	1	2	3	4
145	1	2	3	4
146	1	2	3	4
147	1	2	3	4
148	1	2	3	4
149	1	2	3	4
150	1	2	3	4
151	1	2	3	4
152	1	2	3	4
153	1	2	3	4
154	1	2	3	4
155	1	2	3	4
156	1	2	3	4
157	1	2	3	4
158	1	2	3	4
159	1	2	3	4
160	1	2	3	4

161	1	2	3	4
162	1	2	3	4
163	1	2	3	4
164	1	2	3	4
165	1	2	3	4
166	1	2	3	4
167	1	2	3	4
168	1	2	3	4
169	1	2	3	4
170	1	2	3	4
171	1	2	3	4
172	1	2	3	4
173	1	2	3	4
174	1	2	3	4
175	1	2	3	4
176	1	2	3	4
177	1	2	3	4
178	1	2	3	4
179	1	2	3	4
180	1	2	3	4
181	1	2	3	4
182	1	2	3	4
183	1	2	3	4
184	1	2	3	4
185	1	2	3	4
186	1	2	3	4
187	1	2	3	4
188	1	2	3	4
189	1	2	3	4
190	1	2	3	4
191	1	2	3	4
192	1	2	3	4

193	1	2	3	4
194	1	2	3	4
195	1	2	3	4
196	1	2	3	4
197	1	2	3	4
198	1	2	3	4
199	1	2	3	4
200	1	2	3	4
201	1	2	3	4
202	1	2	3	4
203	1	2	3	4
204	1	2	3	4
205	1	2	3	4
206	1	2	3	4
207	1	2	3	4
208	1	2	3	4
209	1	2	3	4
210	1	2	3	4
211	1	2	3	4
212	1	2	3	4
213	1	2	3	4
214	1	2	3	4
215	1	2	3	4
216	1	2	3	4
217	1	2	3	4
218	1	2	3	4
219	1	2	3	4
220	1	2	3	4
221	1	2	3	4
222	1	2	3	4
223	1	2	3	4
224	1	2	3	4

225	1	2	3	4
226	1	2	3	4
227	1	2	3	4
228	1	2	3	4
229	1	2	3	4
230	1	2	3	4
231	1	2	3	4
232	1	2	3	4
233	1	2	3	4
234	1	2	3	4
235	1	2	3	4
236	1	2	3	4
237	1	2	3	4
238	1	2	3	4
239	1	2	3	4
240	1	2	3	4



